



فقیه نواندیش

مجتهدی ذوالفنون بود، نه در مکتب نجف آن گونه تحصیل کرد و نه در مکتب قم. آن چنان استاد ندید، اما هیچ کم از اساتید برجسته حوزه نداشت.

خضوع، تواضع، بی اعتنایی به زخارف دنیای دنی، دلدادگی به قرآن و عترت و کسب علم نافع توأم با عمل صالح سرلوحه زندگی این جهانی آن سید شوشتری بود و حاشیه بر کتاب‌های مهم فقهی و فلسفی چون؛ بدایة الحکمه، نهایة الحکمه، کفایة الاصول، وسائل الشیعه و ... ثمرات علمی آن فقیه حکیم.

این رایحه اما قصد آن دارد که شمه ای کوتاه از ناگفته‌های شخصیت علمی و اخلاقی مرحوم آیت الله مرعشی شوشتری را بازگوید تا گامی هر چند کوتاه برای غبارروبی از چهره مهجور آیت الله برداشته باشد.

غلامرضا حسین پور

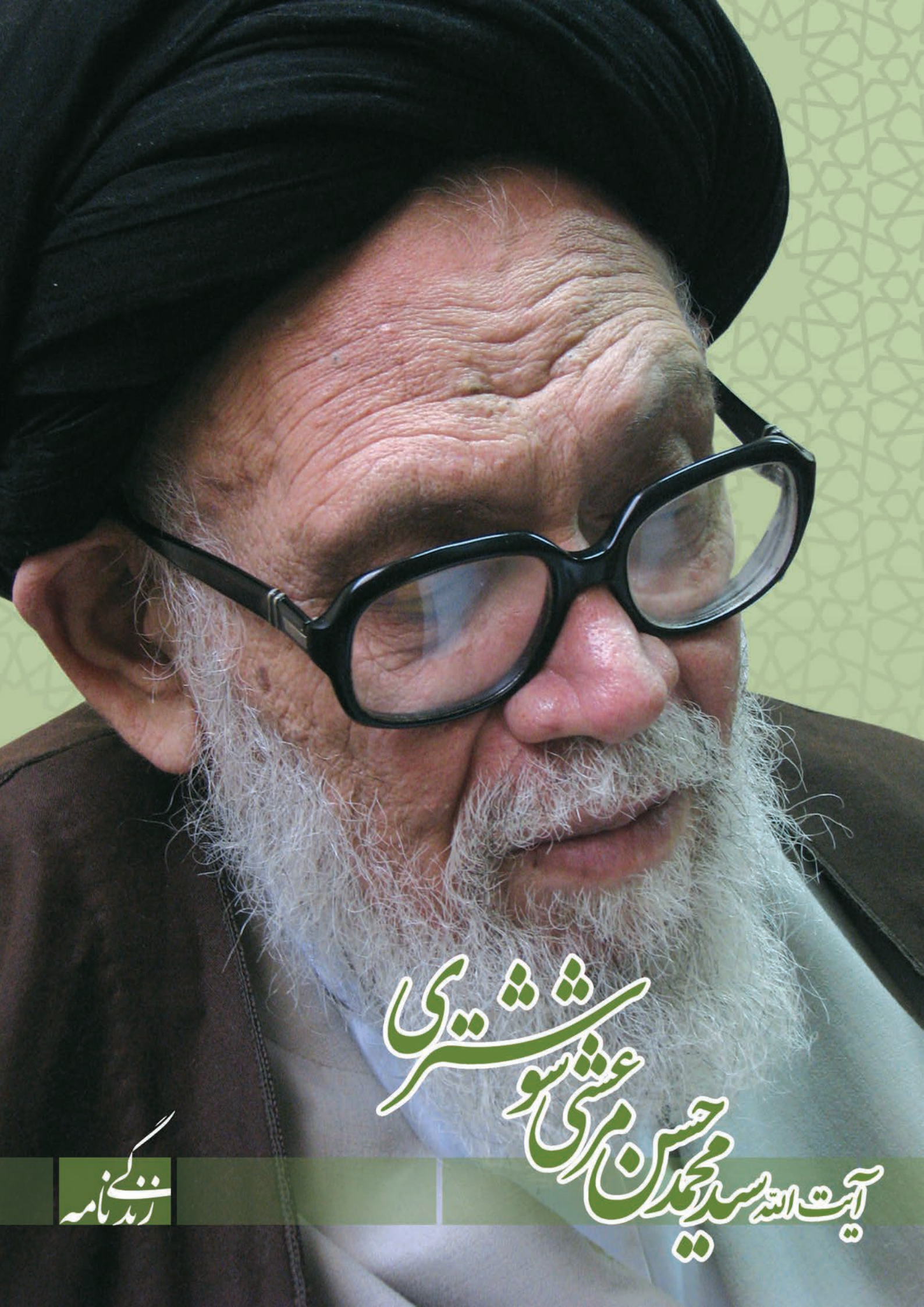
دبیر سرویس اندیشه

خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)

احیای شخصیت علمی مفسران، عارفان، حکیمان، متکلمان و فقیهان مهجور شیعه، از رسالت‌های مسلم رسانه ای قرآنی چون ایکناست که حول محور قرآن عزیز می‌گردد.

با نام سید محمد حسن مرعشی شوشتری اولین بار حدود ۱۰ سال پیش، از طریق ترجمه فلسفتنای شهید صدر آشنا شدم. تقریظ علامه صدر بر آن ترجمه مرا به خواندنش تشویق کرد. پاورقی‌های عالمانه مرحوم مرعشی، نشان از آشنایی آن فقیه شیعه با فلسفه غرب داشت و این خود حکایت گر بهره‌وافر آن فقید سعید از ترجمه کتب فلسفی به زبان عربی است.

آیت الله مرعشی اما فقیه‌ی نواندیش بود که برخلاف دوران مقلده، به معنای واقعی کلمه اجتهاد می‌کرد و باور داشت که عناصر مکان و زمان در اجتهاد کلیدی اند. در نقد و اجتهاد نسب از شیخ بزرگ، علامه شوشتری برده بود. همت او فهم حکم خدا متناسب با زمینه و زمانه این عصر بود، نه اجتهادی که فی الواقع جز تقلید نیست. با این که



آیت اللہ سید محمد حسن علی عسکری
عسکری

زندگانه



زندگی نامه عالم سید محمد حسن

۳- احداث مدرسه علمیه حسینیه گنوند (سال ۱۳۵۴)
۴- احداث فاطمیه شوشتر در سال ۱۳۵۵
۵- احداث خانه امام جماعت مسجد در ویس
۶- تجدید بنای مسجد شیخ علی شوشتر در سال ۱۳۴۲
۷- تاسیس کتابخانه رسمی شوشتر
۸- تاسیس صندوق قرض الحسنه شوشتر است. معظم له در شهرستان شوشتر به تربیت طلاب پرداختند و عهده دار تدریس در منزل و مدرسه علمیه جزایری بودند و عده بسیاری از اهل علم شوشتر نزد ایشان تلمذ نمودند.

زندگی شخصی و ازدواج استاد در سن ۱۶ سالگی، دو سال بعد از فوت والد گرامیشان تصمیم به ازدواج گرفتند لذا یکی از دخترهای سادات مرعشی را برایشان خواستگاری کرده و به عقد ایشان در آوردند. ثمره این ازدواج ۳ دختر و ۴ پسر است به نام های سید احمد - سید محمود - سید علی وسید

مرتضی، که همگی به غیر از سید محمود که در سال ۱۳۸۲ به رحمت خدا رفت در مشاغل آزاد مشغول کار هستند.



اساتید

۱- علامه حاج شیخ محمد تقی شیخ شوشتری

استاد سید محمد حسن مرعشی در سال ۱۳۱۶ ه. ش در شهرستان شوشتر دیده به جهان گشودند پدر بزرگوارشان سید محمد سلطان مرعشی و مادر گرامیشان سیده مریم مرعشی.
پدر بزرگوارشان فرزند کوچک عبدالوهاب بن سلطان محمد در سن ۱۸ سالگی به جرگه علم و ادب پانهاد و نزد ملاجعفر شرف الدین معمم شده و شروع به تحصیل علوم دینی کردند و تا آخر عمر مشغول تحصیل بودند.
سید محمد حسن فرزند اول از همسر دوم ایشان بودند که از همان اوان کودکی با تاکید و تشویق پدر در مکتب خانه ملاشکر علی معنوی، وارد شدند و قرآن و تجوید را از ایشان فرا گرفتند، و ادبیات عرب را در سن ۱۰ سالگی نزد پدر مطالعه نمودند بعد از آن نزد حاج سید محمد جزایری قسمتی از ادبیات صمدیه و سپس هدایه را نزد مرحوم آل طیب و شرح ابن ناظم، مطول و شرح جامی، معالم الاصول، قوانین و کتاب فارسی حلیه المتقین علامه مجلسی و ناسخ التواریخ را نزد سید محمد تقی حکیم فرا گرفتند. در همان زمان که استاد ۱۴ سال بیشتر نداشتند پدر بزرگوارشان را در سن ۶۲ سالگی از دست دادند. پس از مدتی استاد از شوشتر به اهواز مهاجرت نمودند و در مدرسه ای زیر نظر آقا سید محمد حسین آل طیب به ادامه تحصیل نزد ایشان و حاج سید محمود مرعشی از شاگردان آخوند خراسانی پرداختند. اما به دلیل برخی مشکلات و گرفتاری ها بعد از یک سال به شوشتر بازگشتند و درس را در آنجا ادامه دادند و از همان زمان تدریس راهم آغاز نمودند.



فعالیت های قبل از انقلاب

معظم له از همان سنین ۱۶-۱۵ سالگی در ماههای محرم و صفر به منبر می رفتند و مردم را وعظ می نمودند. ایشان بیان بسیار خوب و رسایی داشتند و البته خوب هم کار می کردند.
در ایام ماه مبارک رمضان هم در مساجد سخنرانی می کردند و چون منبری بودند به گفته خودشان نمی توانستند در مسائل سیاسی و اجتماعی ساکت بنشینند. لذا در مسائل مختلف وارد می شدند و مکرر پیش می آمد که به رژیم پهلوی حمله می کردند، در بحبوحه انقلاب تنها کسی که در شوشتر با رژیم مبارزه می کرد ایشان بودند هم منبر می رفتند و هم جلسه برای جوانها تشکیل می دادند و کلاس تفسیر برگزار می کردند. به طوری که ایشان در رابطه با پخش اعلامیه های امام خمینی (ره) در زمان انتخابات در منزل حبس شدند.



فعالیت های اجتماعی

۱- از جمله اقدامات معظم له در شوشتر ساختن مدرسه علمیه دخترانه شوشتر
۲- تجدید بنای مدرسه علمیه جزایریه شوشتر

۲- حضرت آیت اله سید محمد حسن آل طیب. ایشان می فرمودند: اینجانب تحصیلات مقدماتی، سطح و خارج فقه و اصول را از محضر ایشان که استاد فلسفه در شوستر بود فرا گرفتم.

۳- سید محمد تقی حکیم
۴- حضرت آیت اله سید محمد جزیری

۲- حضرت آیت اله سید محمد حسن آل طیب. ایشان می فرمودند: اینجانب تحصیلات مقدماتی، سطح و خارج فقه و اصول را از محضر ایشان که استاد فلسفه در شوستر بود فرا گرفتم.

۳- سید محمد تقی حکیم
۴- حضرت آیت اله سید محمد جزیری

استاد هم دعوت ایشان را پذیرفتند و معاونت ایشان را در مسائل قضایی قبول کردند و این همکاری تا سال ۸۶ به طور رسمی ادامه داشت. بعد از آن نیز استاد به صورت غیر رسمی با قوه قضاییه همکاری داشتند.

شرح حال استاد بعد از انقلاب اسلامی شرکت در امور اجرایی: استاد سید محمد حسن مرعشی تا سال ۶۲ در شوستر ساکن بودند و پس از آن به اهواز رفتند تا به صورت غیر رسمی به مشکلات قضایی مردم با همکاری عده ای از علمای اهواز رسیدگی کنند.

سوابق علمی بعد از انقلاب

پس از آنکه استاد از خوزستان به تهران مهاجرت نمودند و بعد از گذشت مدتی که در دیوان عالی کشور مشغول به کار بودند بنا به پیشنهاد حضرت آیت الله حاج شیخ محمد امامی کاشانی که تولیت مدرسه عالی شهید مطهری را بر عهده داشتند در آن مدرسه مشغول تدریس شدند.

طولی نکشید که شورای عالی قضایی از ایشان خواست که مستقیماً و به طور رسمی با دادگستری همکاری کنند و لذا ریاست شعبه اول دادگاه های

اما از آنجایی که درسها تازه در مدرسه شروع شده بود و اکثر دانشجویان مقدمات می خواندند، از استاد مرعشی خواستند که مقدمات در آنجا تدریس نمایند و چون ایشان در امر تدریس بسیار علاقمند بودند با تواضع و فروتنی پذیرفتند و شروع به تدریس مختصر مطول در معانی بیان و در منطق حاشیه ملا عبد الله و تذهیب المنطق تفتازانی نمودند.

کیفری ۱ را که برای اولین بار در خوزستان تشکیل می شد به ایشان واگذار کردند و پس از مدتی شورای عالی قضایی ایشان را به تهران دعوت کرد.

پس از شروع درس اصول، ایشان اصول فقه مرحوم مظفر را که در آن زمان هنوز در حوزه های علمیه چندان جا نیفتاده بود در مدرسه عالی شهید مطهری تدریس کردند و پس از آن رسائل شیخ انصاری و شرح لمعه را در دوره های متعدد تدریس می کردند و همچنین شرح منظومه ملاهادی سبزواری را به دانشجویان در بخش خواهران درس می دادند.

ایشان هم پذیرفتند و به تهران مهاجرت کردند و ابتدا در شعبه ۲ دیوان عالی کشور مشغول به کار شدند و پس از آن به شعبه اول دیوان عالی کشور و به قائم مقامی ریاست دیوان عالی کشور منسوب گردیدند.

پس از آنکه تدریس بدایه الحکمه علامه طباطبائی قدس سره شریف تصویب شد این کتاب را در دوره های متعددی تدریس نمودند.

ایشان به مدت ۵ سال یعنی تا زمانی که شورای عالی قضایی منقضی گردید در دیوان عالی کشور فعالیت داشتند و قضات دیوان عالی کشور ایشان

ایشان پس از استعفا از قوه قضاییه امر تدریس را توسعه داده و در دانشگاه و در دانشکده های متعدد به عنوان استاد مدعو تدریس می کردند. مانند دانشکده علوم قضایی، دانشکده الهیات دانشگاه تهران، دانشگاه امام صادق،



مرعشی شوشتری

و دانشگاه تربیت مدرس و در قم دانشگاه مفید و مجتمع آموزش عالی قم که وابسته به دانشگاه تهران است و همچنین دانشگاه آزاد اسلامی.

لازم به توضیح است که وقتی در مدرسه عالی شهید مطهری تصمیم گرفتند دوره فوق لیسانس تاسیس نمایند و نیاز به استاد رسمی داشتند، با معرفی استاد و آیت الله سید محمد بجنوردی به هیئت خبرگان بی مدرک با دانشیاری استاد مرعشی در حقوق و فلسفه اسلامی موافقت کردند و آن را به آموزش عالی اعلام و از طرف وزیر علوم ابلاغی به نام حضرت آیت الله سید محمد حسن مرعشی در هر دو رشته صادر گردید و رسماً ایشان به عضویت هیئت علمی مدرسه عالی شهید مطهری در آمدند و پس از گذشت چند سال از طرف هیئت منتخب اساتید مرتبه استادی از طرف مدرسه به ایشان ابلاغ شد.

ایشان با دیگر دانشگاهها نیز همکاریهای علمی از نظر درسی و راهنمایی و مشاوره پایان نامه ها و رساله های کارشناسی ارشد و دکتری داشتند. همچنین فعالیت های علمی ایشان در منزل به طور سلسله وار تا اواخر عمر هم ادامه داشت.

از دیگر فعالیت های علمی ایشان همکاری با قوه قضائیه بود. گذشته از کلاسهای هفتگی که برای قضات سازمان قضایی نیروهای مسلح و مجتمع ارشاد داشتند با اداره حقوقی و تدوین قوانین که زیر نظر ایشان انجام می شد نیز همکاری داشتند. استاد می فرمودند:

«از خداوند متعال می خواهم که به ما توفیق عنایت فرماید که همچنان کارهای علمی و فرهنگی و قضایی را به خوبی انجام دهیم زیرا بار مسئولیت سنگین است و جز با توفیقات الهی انجام اینگونه امور امکان پذیر نیست.»

ایشان چند سال هم در مدرسه مروی و مدرسه آقای مجتهدی کلاس داشتند. در مدرسه مروی رسایل و مکاسب و در مدرسه آقای مجتهدی کتاب بیع را تدریس می کردند.

تالیفات

استاد مرعشی انسانی فعال و اهل قلم بودند، قلمی محققانه و مدبرانه. استاد در پاسخ این سؤال که چرا در صدد چاپ دست نوشته های خود نیستند می فرمودند:

«من به دو علت دنبال نشر کتب و تالیفات نیستم، اول آنکه اکثر مطالب تکراری هستند و هر کسی می تواند مطالب تکراری را جمع آوری کند و به اسم کتاب به بازار عرضه نماید. بنده دلم می خواهد مطالب جدید و دیدگاه های نوین ارایه دهم تا بیشتر مثمر ثمر باشد.»

دوم آنکه بنده کتاب ناطق هستم و سعی دارم شاگردان خوبی تربیت کنم، شاگردان من ثمره تلاش و کوشش من هستند و اگر تالیف کتب از باب باقیات صالحات است شاگردان خوب هم خودشان باقیات صالحات انسان هستند.» در عین حال کتب، شروح و مقالات متعددی از ایشان به جای مانده که به ذکر عناوین برخی از این آثار می پردازیم:

۱- شرح کتاب الفیه ابن مالک به زبان عربی در ادبیات عرب. این کتاب که شرح مزجی بر الفیه ابن مالک است در سن ۱۸-۱۷ سالگی اولین اثری است که

از ایشان به جای مانده و هنوز به چاپ نرسیده است.
۲- شرح بر تلخیص مختصر المعانی به زبان عربی در ادبیات عرب
۳- شرح بدایه الحکمة به زبان عربی در حوزه فلسفه
۴- شرح و حاشیه نهاییه الحکمة به زبان عربی در حوزه فلسفه
۵- شرحی بر تهذیب المنطق تفتازانی به زبان فارسی در حوزه منطق
۶- شرحی بر ارشاد علامه حلی در ۳ جلد از کتاب طهارت تا کتاب الاجاره به زبان

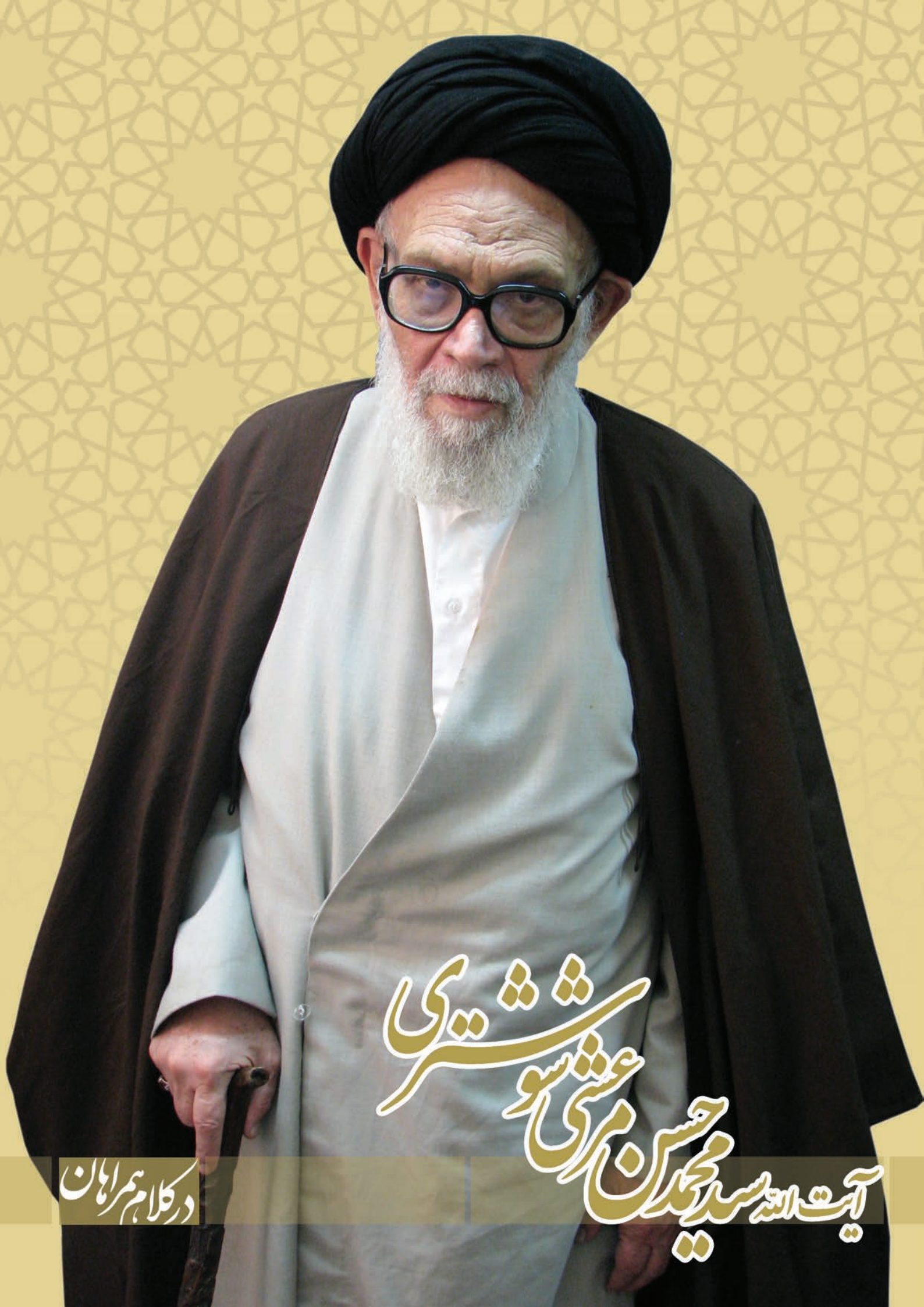
عربی

۷- حواشی بر رسایل شیخ مرتضی انصاری رحمه الله علیه به زبان عربی در اصول فقه

۸- حاشیه بر کفایه الاصول آخوند خراسانی به زبان عربی در اصول فقه
۹- شرح بر تحفه القوامیه که فقه منظوم است.
۱۰- شرح بر تحفه الحکیم سید محمد حسین کمپانی در حکمت متعالیه
۱۱- تعلیقه بر فصوص الحکم ابن عربی در عرفان
۱۲- تعلیقه بر تمهید القواعد ابن ترکه
۱۳- تعلیقه و تصحیح التلخیص فی الاصول
۱۴- شرحی بر حلقه سوم اصول فقه شهید صدر
۱۵- نگارش دوره درس خارج اصول
۱۶- ترجمه کتاب فلسفتنا تالیف شهید صدر به فارسی
۱۷- شرح بر تعلیقات ابن سینا در فلسفه
۱۸- جزوه ای در فضیلت نماز شب به زبان فارسی
۱۹- قسمتی از شرح شواهد الربوبیه به زبان عربی
۲۰- تالیف کتاب شرحی بر قانون مجازات اسلامی
۲۱- تالیف کتاب دیدگاه های نو در حقوق کیفری اسلام در دو جلد به زبان فارسی

عناوین مقالات چاپ شده:

۱- شرح قانون مجازات اسلامی
۲- اکراه در قتل
۳- شرح قانون قصاص
۴- ضمان عاقله
۵- آیا حاکم می تواند بر اساس علم خود داوری نماید
۶- محاربه و فساد فی الارض
۷- ولایت فقیه در قانون اساسی
۸- نظرات فقهی و حقوقی در خصوص قضاوت زن از دیدگاه اسلام
۹- دیه و ضرر و زیان ناشی از جرم
۱۰- افساد فی الارض از دیدگاه قرآن، روایات و عقل
۱۱- قسامه
۱۲- تحقیقی در باره لوث و قسامه و قضاوت زن و نظر مقدس اردبیلی
۱۳- ماهیت پول چیست؟
۱۴- جرم سیاسی
۱۵- قاعده تسبیح
۱۶- نقدی بر سیستم دادگاههای عام



آیت الله سید محمد حسن علی شریعتی

در کلام عمر امان

آیت الله امجد:

ذوق فقهی و اصولی

آیت الله مرعشی

قوی تر از بعد فلسفی اش بود



ایکنا: آیا به خاطر دارید که مرحوم آیت الله مرعشی نظری خلاف مشهور داشته باشند؟

بله، برای مثال، مسئله عاقله، ایشان چون با محیط دستگاه قضایی آشنا بود، می دانست که این عاقله یک تعهداتی بود، بدون تعهد نمی شود که دیه عاقله را گردن بستگان پدری گذاشت. نظریاتی داشت، البته با دقت فقهی. فقیه و صاحب نظر و محکم بود.

ایکنا: از ارادت و ارتباط ایشان با اهل بیت (ع) بگویید.

ایشان زیارت عاشورایی در منزل خود می گرفت که مخصوص بود و طبق همان مأثور، دوست داشت بنده یک لحظه هم که شده آن جا شرکت کنم. با توجه به فرصت کمی که داشتیم، لحظات کمی آن جا شرکت می کردم. آن جا علما و قضات بودند. به خاطر این که ایشان دوست داشت، من چند دقیقه ای شرکت می کردم و یک بیت یا دو بیت می خواندم. ایشان به اهل بیت (ع) ارادت و یک حالت بکاء داشت. البته اخیراً خیلی بیشتر به اهل بیت (ع) توجه داشت. اصلاً ایشان از اول دغدغه ای نسبت به مطالب بالاتر داشت و اخیراً هم حالت بسیار خوبی داشت. حتی وقتی یاد گرفتاری مردم می افتاد، گریه اش می گرفت. خیلی عاطفی بود.

ایکنا: اگر خاطره ای از ایشان دارید، ما را محروم نفرمایید.

دو خاطره من از ایشان دارم؛ یکی این که وقتی آیت الله جزائری مرحوم شد و خبر آن به مدرسه عالی رسید، دیدم خیلی سرگردان می گردد و خیلی ناراحت است و بعد رفت اهواز و محل خودشان برای مراسم. ولی همان روز که خبر را شنیده بود، بسیار نگران شده بود، به شکلی که در مدرسه پریشان می گشت که من ایشان را به حجره بردم و برایش یک روضه خواندم و آرامش پیدا کرد. ولی وقتی فرزند جوانش تصادف کرده بود و از دنیا رفت، من رفتم تسلیت بگویم، دیدم مشغول مطالعه است، آن قدر ایشان عاشق علم بود که اصلاً متوجه نبود و مشغول بود که من هم اصلاً نمی توانستم به ایشان تسلیت بگویم. این دو حال را من از ایشان دیدم؛ یکی نسبت به استادش و دیگری نسبت به علمش که همه چیز از خاطرش می گذشت و مشغول تعمق و تحقیق بود. مخصوصاً این اواخر حالت بسیار خوبی پیدا کرده بود و واقعا ولوی بود.

ایکنا: اگر نکته ای را لازم می دانید که فروگذار شده، بفرمایید. بالاخره باید

عبرت گرفت که فقط علم ظاهر نیست. ایشان با این که خیلی عاشق به این علوم بود، اخیراً جور دیگری شده بود و نسبت به مسائل دیگر خیلی توجه داشت. من در مشهد بودم که خبر درگذشت ایشان را شنیدم و بسیار متأثر شدم و همیشه بیادش هستم.

ذوق فقهی و اصولی آیت الله «مرعشی شوشتری» قوی تر از بعد فلسفی اش بود، ولی در همه علوم دست داشت و برخورد بسیار دقیقی می کرد. متن ذیل، مشروح مصاحبه ایکنا با آیت الله «محمود امجد» - از دوستان نزدیک مرحوم آیت الله مرعشی - است که در مورد سلوک اخلاقی مرحوم مرعشی با ما به گفت و گو نشست.

ایکنا: لطفادر ابتدا برای ما از نحوه آشنایی تان با مرحوم آیت الله مرعشی بگویید.

چندین سال است که بنده به مدرسه عالی شهید مطهری آمدم و ابتدا با این بزرگوار (آیت الله مرعشی) آشنا شدم و خیلی هم به ایشان علاقه مند بودم. این مرد بزرگوار لطف خاصی داشت و من هم ارادت خدمت ایشان داشتم.

ایکنا: آیا این مسئله که ایشان کم استاد دیده و نجف هم نرفته بود، تأثیری در

کمالات علمی ایشان داشت؟

اتفاقاً از محاسن ایشان است. چرا استاد ندیده؟، استاد هم دیده، مرحوم آیت الله جزائری، پدر امام جمعه اهواز و مرحوم آیت الله آل طیب، اینها استادان شان بودند و حتی هم درس به ایشان می دادند و مباحثه با ایشان می کردند و خیلی هم محبوب بودند پیش استاد. ایشان عمرشان را در تحصیل علم و تعمق و تفکر گذراند و عاشق علم بود.

ایکنا: نظر حضرت تعالی راجع به تأملات فلسفی ایشان چیست؟

در همان ابتدا که کتاب «فلسفتنا»ی شهید صدر منتشر شد، ایشان آن را ترجمه کردند، اما ذوق فقهی و اصولی ایشان قوی تر از بعد فلسفی شان بود، ولی در همه علوم دست داشت و دقت داشت و برخورد بسیار دقیقی می کرد و مطالعات عمیقی می کرد، ولی در علم اصول فقه خیلی قوی و در عین حال عاشق آن بود.



مرحوم آیت الله مرعشی زی طلبگی داشت و حشر و نشرش با طلاب بود

درسی هم ما پیشنهاد می کردیم، ایشان می گفتند. شروع به گفتن فقه و شرح لمعه کردند و شرح لمعه را مکرر گفتند.

ایشان از کسانی بودند که زیاد شرح لمعه گفتند و هم چنین معالم و اصول مظفر که این ها را دیگر منظم داشتند و با طلاب هم خیلی جوش می خوردند و مرتبط بودند. آن ها هم علاقه داشتند و شبهاشان را هم با ایشان مطرح می کردند و اشکالاتشان را می پرسیدند و ایشان ایرادات را جواب می دادند تا سطح را که به اصطلاح رسائل، مکاسب و کفایه را چندین بار گفتند تا به درس خارج رسیدند و در درس خارج فقه را می گفتند و در تمام این درس ها آقای مرعشی موفق بود. یعنی طلاب ما از این که ایشان تدریس می کنند خوشحال بودند و اگر زمانی درس را به کس دیگری می دادیم می آمدند و گله می کردند که آقای مرعشی چطور نمی گویند.

مرحوم آقای مرعشی از نظر درسی درس را مطالعه می کردند و با این که مکرر هم درس می گفتند، ولی باز هم مطالعه می کردند. حالا مطالعه هم فرق می کند. زمانی انسان یک ساعت وقت صرف مطالعه می کند و زمانی هم نیم ساعت، ولی ایشان بعد از چند مرتبه تدریس متون و سطح، دیگر برایشان ساده بود و در وقت کمی مطالعه می کردند و این یک خصوصیت ایشان بود که بدون مطالعه سر درس نمی آمدند. خصوصیت دوم ایشان این بود که آدم علاقه مندی به تربیت طلبه بودند و این بسیار اهمیت داشت، به این معنا که وقتی سؤالات و شبهات مطرح می شد، ایشان جواب می دادند و حتی زمانی می شد که در گرمای تابستان مدرسه تعطیل بود. هیچ کس نبود. فقط من بودم که ظهر نماز می خواندم. عصر که می خواستم بروم، می دیدم که آقای مرعشی همین جادر کتابخانه یا در اتاق خودشان هستند و من تعجب می کردم که آقای مرعشی روزهای گرم هم در مدرسه هستند. بعد می گفتم شما چطور در مدرسه هستید؟ می دیدم یک نفر از طلبه ها که البته در تابستان تعطیل بودند و تعدادشان کم بود، مثلاً از بیرون یا از دانشکده علوم قضایی گفته ای

مرحوم آیت الله مرعشی زی طلبگی داشت و اصلاً حشر و نشرش با طلبه بود؛ یعنی آدم علاقه مندی به تربیت طلبه بود و این روحیه خیلی برای ما قیمت داشت. این روحیه روی طلبه ها خیلی اثر می گذاشت.

جهت آشنایی با شخصیت مرحوم آیت الله «سید محمد حسن مرعشی شوشتری»، گفت و گویی را با آیت الله «محمد امامی کاشانی»، رئیس مدرسه عالی شهید مطهری، عضو مجلس خبرگان رهبری و امام جمعه موقت تهران که از همکاران قدیمی مرحوم مرعشی شوشتری بود، انجام دادیم که آن چه در پی می آید، حاصل این گفت و گو است.



ایکنا: میزان و نحوه آشنایی شما با مرحوم آیت الله «سید محمد حسن مرعشی شوشتری» چگونه بود؟

مادر او ایل ترتیب و تشکیل کلاس ها برای مدرسه عالی شهید مطهری بودیم. در همان سال های اول مرحوم آیت الله آقای مرعشی از من وقت گرفته بودند که من با شما کار دارم و تشریف آوردند به اتاق ما و اولین بار بود که من ایشان را می دیدم. خودشان را معرفی کردند و گفتند که من تحصیلاتم کجا بوده و می توانم تدریس کنم و آمدم که اگر شما مایل باشید در این مدرسه تدریس کنم. من قدری با ایشان صحبت کردم و دیدم ایشان فردا کمالی هستند و اطلاعات علمیشان خوب است و از ایشان دعوت کردیم تا در مدرسه تدریس نمایند.

خوب آن زمان هم درس ادبیات بود؛ یعنی طلاب ما سال های اول درسشان بود. من خودم هم درس ادبیات می گفتم؛ یعنی از سیوطی شروع به درس دادن کردم و تا بعد به فقه و اصول و فلسفه و بحث های بالا رسیدیم. مرحوم آیت الله مرعشی هم شروع به تدریس مقدمات کردند. دیدیم که در درس مقدمات موفق هستند و شاگردها اظهار نشاط و خوشحالی می کنند و از ایشان خواستیم درس هایشان را اضافه کنند، به طوری که تمام وقت مرحوم آیت الله مرعشی در مدرسه بودند و هر

به دوستان و آقای دکتر موسوی می‌گفتم که نفس وجود امثال آقای مرعشی در مدرسه به نفع اهدافمان است تا این که یک آدمی باشد که یک ساعتی صاف بیاید و صاف برود و کاری هم به این کارها نداشته باشد. ایشان توجه به درس داشت، به کلاس، اخلاق، آشپزخانه، غذای امروز و... و آن چه مربوط به شئون مدرسه بود و گاهی هم این مسائل را با من مطرح می‌کرد.

ایکنا: آیا مرحوم مرعشی در مباحث علمی نظر خاصی هم داشتند؟

مرحوم آقای مرعشی از آن وقتی که انقلاب پیروز شد. البته قبل از انقلاب هم ایشان تفکرش تفکر زنده ای بود. به دستگاه قضایی رفتند و در مسائل جزایی و حقوق جزا خیلی کار می‌کردند و این است که ایشان در مسائل جزایی و فقه جزا یک ورزیدگی خاصی پیدا کردند و آن وقت یک نظرانی هم داشتند که گاهی هم از آن نظرات صحبت می‌شد. گاهی هم مانظر ایشان را قبول نمی‌کردیم، ولی خود نظر داشتن و مبناداشتن و ایستادن روی نظر یک امتیاز است و ایشان این چنین بود و این جهت را در مبنای علمی خود داشت. البته گاهی هم در مبنای علمی مبنایی را انتخاب می‌کرد و بعد بحث می‌شد و از مبنایش بر می‌گشت و این جور نبود که حتما روی مبنایش سفت بایستد، ولی مبنای داشت و اظهار نظر می‌کرد و اظهار نظرهای خوبی هم داشت. در حالات دیگر یک روحانی به تمام معنا بود؛ یعنی خانه و زندگی اش یک زندگی روحانی بود. آدم به خانه اش که می‌رفت، خانه ای روحانی بود و کتابخانه بود. رحمت خدا بر ایشان.

نسبت به اهل بیت (ع) ارادت خاصی داشت ایشان وقتی روضه شب های تاسوعا و عاشورای آمد، من گاهی که روی منبر صحبت می‌کردم و به روضه می‌رسیدم، می‌دیدم ایشان بلند بلند گریه می‌کند. یا مثلا آقای چینی که می‌خواند، من می‌دیدم که ایشان بلند بلند گریه می‌کند. یک چنین ارادت و نظر خاصی داشت. به هر حال آقای مرعشی

بسیار شایسته و برجسته بود.

ایکنا: اگر خاطره ای از ایشان دارید ما را محروم نکنید.

آقای مرعشی خیلی به طلاب خوب علاقه داشتند. این کتاب من: «خط امان» جلد اولش که چاپ شد، ما ناراضی بودیم از چاپش. چون غلط زیاد داشت و ما این کتاب ها را این جا گذاشتیم و به چاپخانه مشهد گفتیم شما چاپ کنید. آقای مرعشی آمدند این جا و گفتند یکی از این کتب را به من بدهید. من هم گفتم می‌دهم، ولی به کسی ندهید. گفت به کسی نمی‌دهم. بعد ایشان خواندند و به من گفتند این کتاب خوبی است. حالا غلط دارد خوب داشته باشد. بدهید تا استفاده کنند. یک وقتی اینجا آمدند و می‌گفتند شما از نظر استعداد فلسفی و عقلی تمام آن چه را که باید می‌گفتید، گفتید و خیلی برای طلاب و اهل علم خوب است که پخش کنید و بدهید طلبه ها بخوانند. خیلی تربیت رادوست داشت. اصولا کسانی که اینقدر تربیتی هستند اجرایی نیستند. اجرا را یدک می‌کشند و مجبور هستند؛ یعنی مجبور است کارهای اجرایی هم بکند.

یا سؤالی داشت، پیش ایشان می‌آمد و سؤالاتش را می‌پرسید؛ یعنی اینقدر پای بند به مدرسه و طلبه و تدریس بود. مرحوم آیت الله مرعشی زی طلبگی داشت و اصلا حشر و نشرش با طلبه بود؛ یعنی اصلا یک چنین روحیه ای داشت و این روحیه خیلی برای ما قیمت داشت. این روحیه روی بچه ها و طلبه ها خیلی اثر می‌گذاشت. در این مدت که ما با ایشان آشنا بودیم، از همان اوایل؛ سال ۶۰ یا ۶۱ همان وقت ها بود؛ یعنی ۲۶ یا ۲۷ سال ایشان در مدرسه درس می‌گفتند، اما یک بار نشد که بیایند پیش من از درس گله کنند و بگویند من حال ندارم، خسته ام، نمی‌توانم درس بگویم، اصلا. در درس گفتن و بحث کردن با نشاط بودند و خودشان را همیشه موفق می‌دیدند. این از حالات ایشان بود و این از حالاتی بود که روی تربیت طلبه خیلی اثر داشت.

نکنه دیگری که مرحوم آیت الله مرعشی داشتند این بود که وقتشان را به بطالت نمی‌گذرانند. گاهی که این جامی آمدند یا در جلسات دیگر هم همین طور می‌دیدم یک بحثی را مطرح می‌کردند و البته بیشتر بحث های فقهی را مطرح می‌کردند و گاهی هم مثلا یک معنای حدیثی را مطرح می‌کردند. گاهی هم بحث فلسفی یا معنای آیه شریفه ای را مطرح می‌کردند یا فلان دعا چگونه معنا

می‌شود و بعد هم وارد بحث می‌شدند. نه این که تنها مجرد سؤال باشد گاهی می‌شد که مطلب را می‌دانستند ولی می‌خواستند ببینند جمع چه می‌گوید و بعد خودشان اظهار نظر می‌کردند. در جمعیت های مختلف هم که بود سکوت نمی‌کرد. ایشان این گونه بود و در مجلس که می‌نشست آن را تبدیل به جلسه علمی می‌کرد. این از مزایای مرحوم آقای مرعشی بود. خیلی پشتکار داشتند در این که درس را بگویند.

ایشان آدم متوقعی هم نبودند. هر جوری که مدرسه با ایشان مثلا در مورد برنامه های آموزش عالی و در این که مثلا ساعت های تدریس چگونه باشد، عمل می‌کرد راضی بودند. همین طور مدرسه ماهانه منظمی به ایشان می‌پرداخت، ولی این که ایشان

بیایند و بگویند که این جاکم است آن جای باد است و با ما چگونه بزند، این نبود.

در رابطه با تشکیلات مدرسه ایشان گاهی اوقات با من صحبت می‌کرد.

مثلا می‌گفت امسال مدرسه گزینش سستی کرده و بچه هایی را آورده که به در این مدرسه نمی‌خورند. به درد طلبگی نمی‌خورند و خیلی به روح طلبگی اعتقاد داشت. خوب ما می‌گفتیم گزینش بیشتر دقت کند و کسانی که دوست دارند طلبه باشند آن ها را بیاورد. از حالات ایشان که آدم می‌دید در برنامه ها و جلسات و کارهایی که داشتند، آن تربیت طلبه را که طلبه باید با اخلاق طلبگی باشد به این تربیت هم ایشان اهمیت می‌دادند. حتی گاهی می‌شد به من می‌گفت بخش خواهرها از من خواستند اخلاق بگویم و بعد می‌گفت جای دیگر هم از من خواستند اخلاق بگویم. من می‌گفتم شما چند تا اخلاق، فقه و... می‌گویید ولی می‌دیدم دوست دارد. مگر این که آن ها را کنند. گاهی کله شان را به من می‌کردند و من می‌گفتم شما هر طور دوست دارید که یا درس را تعطیل و یا دو درس را یکی می‌کردند.

این که انسان وقتش را صرف کند تا درس اخلاق بگوید این معنایش این است که یک انگیزه باطنی دارد و واقعا یک انگیزه باطنی در تربیت طلبه داشت. من کرارا



معلومات آیت الله مرعشی شوشتری بیشتر مبتنی بر مطالعات شخصی ایشان بود

مرحوم آیت الله مرعشی شوشتری روحیه طلبگی خوبی داشت و متواضع، ساده زیست و اهل مطالعه بود و مقدار زیادی از معلوماتش را با مطالعه شخصی خودش به دست آورده بود.



آیت الله «سید محمد موسوی بجنوردی»، عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلم و از دوستان قدیمی مرحوم مرعشی شوشتری است. برای آشنایی بیشتر با شخصیت مرحوم آیت الله «سید محمد حسن مرعشی شوشتری»، گفت و گویی را با آیت الله بجنوردی انجام دادیم که آن چه در پی می آید، حاصل این گفت و گو است.



ایکنا: نحوه آشنایی شما با مرحوم آیت الله مرعشی شوشتری چگونه بود و بفرمایید که از چه زمانی با ایشان آشنا شدید و چه خصوصیات اخلاقی داشتند؟

تقریباً ۳۵ سال پیش بود که مرحوم مرعشی برای زیارت به نجف آمده بود. بیست روزی در نجف بود و منزل ما خدمت مرحوم پدرم می آمد. آن جا مقدار کمی با هم آشنا شدیم تا این که بعد از پیروزی انقلاب که من عضو شورای عالی قضایی بودم و بر قضات نظارت می کردیم، ایشان وارد دادگاه قضایی شده و قاضی کیفری در اهواز شد. از من در مورد ایشان می پرسیدند و من فهمیدم که همان است که نجف آمد و تأییدش کردیم و آن جا قاضی شد. مدتی گذشت و دیدیم احکامش خوب است، لذا من پیشنهاد کردم بیاوریمش تهران تا در یکی از شعب دیوان عالی کشور مشغول شود که ایشان تهران آمد و در یکی از شعب دیوان عالی کشور مشغول کار شد. در کارش موفق بود تا این که دوره اول شورای

عالی قضایی تمام شد و دوره دوم بنا شد.

شورای عالی قضایی این گونه بود که دو نفر را امام راحل (ره) تعیین می کردند؛ رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور. به سه نفر هم باید قضات کشور رأی می دادند. خود من هم جزو سه نفری بودم که قضات رأی داده بودند. آقای جوادی آملی، آقای ربانی املشی، آقای مؤمن اعضای شورای عالی قضایی بودند که عوض شدند تا جایی که من بودم و آقای مقتدایی و آقای میرمحمدی. دوره که تمام شد، بنا شد انتخابات شود. من به ذهنم رسید که کاری کنیم تا آقای مرعشی بیاید. برای ایشان هم به این صورت تبلیغ کردم که به قضات گفتم هر کس می خواهد به من رأی دهد، به ایشان هم رأی دهد. هم دادگاه های انقلاب و هم قضات دادگستری سراسر کشور با من خیلی آشنا بودند.

رقیب مرحوم شوشتری هم آقای میرمحمدی بود که رأی نیاورد. نفر اول من شدم، نفر دوم آقای مقتدایی و نفر سوم آقای مرعشی. مذاق فکری مرحوم شوشتری، مذاق فکری من بود؛ یعنی آدم خشن نبود. تقریباً حدود سه سال ایشان بود و بعد از آن از شورای عالی قضایی استعفا داد و استعفايش پذیرفته شد. مادر شورای عالی قضایی چهار نفر شدیم. بنا شد تقسیم کار کنیم؛ یعنی گفتند مدیریت شورایی مشکل است. پیشنهاد داده شد به حضرت امام (ره) که ایشان یک نفر از ما را انتخاب کنند و بقیه هم استعفا دهند. امام قبول نکردند و گفتند که بنشینید بین خودتان تقسیم کنید، اما وقتی که امضای کنید همه از طرف شورای عالی قضایی امضا کنید.

لذا پس از آن، دادسراها و دادگاه های انقلاب را به آقای موسوی اردبیلی، دادگستری را به آقای موسوی خوئینی ها، دیوان عدالت اداری و سازمان بازرسی

معروف بود که آقای صدر فلسفتنا را از اصول فلسفه گرفته است و مقدار زیادی از آن، ترجمه اصول فلسفه و روش رئالیسم است. البته من نرفتم دنبال این که خیلی تطبیق کنم، اما معلوم بود که خیلی از آن گرفته شده است. بعضی می گفتند ایشان را تحریک کردند تا ترجمه کند و مشخص شود که این همان ترجمه اصول فلسفه و روش رئالیسم است. این طور می گفتند و من نگاه نکردم که ببینم. نظرات فلاسفه غرب را خود اصول فلسفه و روش رئالیسم هم دارد و ایشان از خود اصول فلسفه گرفته است. من ندیدم ولی اگر نقل می کند عمدتاً از همان روش رئالیسم است.

ایکنا: از نحوه آشنایی مرحوم شوشتری با فلسفه اطلاعاتی دارید؟

نه، چون ایشان نجف نبوده و درس ایشان در شوشتر بوده و ایشان اصلاً در حوزه نبود و حتی قم هم نبوده است. ایشان در شوشتر عمدتاً شاگرد آقای آل طیب و آقای «سید نعمت الله جزائری» - نه آن «سید نعمت الله» معروف - بود و بقیه را هم مطالعه کرده بود.

ایکنا: به نظر شما ایشان یک فقیه است یا یک فیلسوف؟
نه، فیلسوف که نمی توان گفت، چون فیلسوف به کسی می گویند که صاحب رأی باشد، مثل حقوق دان. کسی که لیسانس حقوق دارد را حقوق دان نمی گویند، بلکه صاحب نظریات حقوقی را حقوق دان می گویند. فقیه هم همین طور؛ یعنی کسی که نظرات فقهی برای خودش دارد. من این را نیافتم و نظر فلسفی خاصی از ایشان یاد نمی آید، چون این خصوصیت حوزه است و آن اساتید بزرگ چارچوب آدم را محکم می کند، اما ایشان آدم خوش استعدادی بود و خیلی هم اهل مطالعه بود و کار می کرد؛ مقدار زیادی از معلوماتش را با مطالعه داشت. پشتکار داشت، تلاش داشت، خوش فهم بود.

ایکنا: عمدتاً ایشان نظری خلاف نظر مشهور فقها در شورای عالی قضایی می داد. اصولاً نظرات شاذی داشت؟
من یاد نمی آید.

ایکنا: با حقوق جدید آشنا بود؟
مطالعه می کرد، کار می کرد، آدمی بود که اهل مطالعه بود.

ایکنا: اگر تناقضی میان فقه سنتی با حقوق جدید می دید، آیا تلاشی می کرد تا این تناقض را رفع کند؟
اصالت برایش از آن همان موازین شرعی بود و اگر جایی می دید، خوب اعتراض می کرد و اصل در او همان فقه ما بود.

کل کشور و دانشکده حقوق و سازمان ثبت اسناد را هم به من دادند. بدین ترتیب دیگر ارتباط ما با آقای مرعشی تنها از جنبه تدریس در مدرسه عالی شهید مطهری بود، چون من هم آن جا درس می دادم و ایشان هم آن جا بود. این ارتباط خیلی نزدیک بود تا این که سال بعد از فوت امام راحل، من از مدرسه شهید مطهری منتقل شدم به دانشگاه تربیت معلم و قهر ارتباطمان کمتر شد، اما رابطه ما همین طور قوی بود و همیشه در جلسات رفت و آمد داشتیم. اگر بعضی وقت ها جلسات هیئت های علمی تشکیل می شد، شرکت داشتیم. به هر حال تقریباً از ۳۵ سال پیش تا همین وقت فوتش ارتباط نزدیکی میان ما وجود داشت.

ایکنا: ایشان چه خصوصیت اخلاقی ای داشتند که هر وقت به یاد ایشان می افتید، آن خصوصیت خوب اخلاقی به ذهن شما می آید؟
روحیه طلبگی خوبی داشت. آدم متواضع و ساده زیستی بود و از این حیث آدم دوست داشتنی ای بود. برای آدم ثقیل نبود.

ایکنا: آیا نوشته های ایشان و ترجمه «فلسفتنا» ی ایشان را دیدید؟
من خود «فلسفتنا» را دیدم و درس دادم، اما ترجمه ایشان را ندیدم، چون من با عربی آشنا هستم و با ترجمه کاری ندارم.

ایکنا: منظور پاورقی ها و شرح و توضیحاتی است که ایشان در آن جا بیان کردند و توضیحاتی را هم در باب فلاسفه غرب ارائه دادند و در متون اسلامی هم از کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» علامه طباطبایی استفاده کردند.



آیت الله شوشتری نقش مهمی در بازنگری و اصلاح قانون مجازات اسلامی داشت

آیت الله «سید محمد حسن مرعشی شوشتری» در زمینه بازنگری و اصلاح قانون مجازات اسلامی زحمات زیادی را متحمل شد و در اصلاح بسیاری از قوانین قضایی دیگر نیز خدمت کرد.

آیت الله «قربانعلی دری نجف آبادی»، دادستان کل کشور، در گفت و گو با ایکننا، ضمن ابراز تأسف از درگذشت آیت الله مرعشی شوشتری گفت: ایشان بیشتر تحصیلات خودشان را در خوزستان و شوشتر نزد علمایی چون علامه شوشتری، آل طیب، جزایری و دیگران گذرانده است و بر مکاسب مرحوم شیخ، تقریرات و بحث هایی را نوشته بود که برخی از مجلدات بحث هایی را که نوشته بود، چاپ شده است و برخی هم نیاز به چاپ و انتشار دارد.

دادستان کل کشور با بیان این مطلب که کتاب «متاجر» ایشان هم در اختیار ماست، اذعان کرد: آیت الله شوشتری تقریرات درس های اصول و درس های دیگر بزرگان را هم نوشته بودند. ایشان اصالتاً اهل شوشتر بودند. در جریان انقلاب ایشان مدتی جزو شورای عالی قضایی بود و با شخصیت های برجسته ای که عضو این شورا بودند همکاری داشت. در قوه قضائیه خدمت می کرد و در دوره اول ریاست آیت الله شاهرودی ایشان به عنوان معاونت حقوقی و قضایی ایشان خدمت می کردند.

وی گفت: مرحوم شوشتری در زمینه بازنگری و اصلاح قانون مجازات اسلامی و این قانون که امروز تکمیل شده زحمات زیادی را متحمل شده بود و در اصلاح بسیاری از قوانین قضایی دیگر نیز خدمت کرد. ایشان انسانی صاحب نظر، صاحب درک و بینش و تشخیص در

زمینه قوانین اسلامی و حقوقی و جزایی بود و حتی صاحب نظرات خاصی هم در برخی زمینه ها بود که با نظرات مشهور تفاوت داشت.

دادستان کل کشور با بیان این مطلب که مرحوم مرعشی در مدرسه عالی شهید مطهری استاد فقه، اصول، معارف، حقوق و... بود، تصریح کرد: در ملاقاتی که یک بار من با ایشان در مدرسه شهید مطهری داشتم، خاطر هم هست که ایشان با

روحیه ای باز و استقبال و گرمی نسبت به مسائل ابراز نظر می کرد و علاقه مند بود که در مباحث ورود علمی داشته باشد و این انگیزه و علاقه خیلی مهم بود.

وی تصریح کرد: آیت الله مرعشی شوشتری دارای نفسی سلیم، خوش رو و خوش برخورد، اهل معنویت، اخلاق و شب زنده داری بود. ایشان فقیه و ارسته، متعهد، سلیم النفس، دلسوز و آشنا به مسایل روز و علاقه مند به فقه اسلامی بود و معتقد بود فقه اسلامی قدرت پاسخ گویی به نیاز امروز جامعه را دارد.

آیت الله دری نجف آبادی اذعان کرد: ایشان در انتخابات این دوره از مجلس خبرگان رهبری هم به صورت مستقل از استان تهران کاندیدا شده بودند و مورد احترام و تأیید مردم شریف استان تهران قرار گرفته و به عنوان نماینده خبرگان رهبری در مجلس خبرگان رهبری انتخاب شدند.

وی در پایان خاطر نشان کرد: حضور مرحوم شوشتری هم در قوه قضائیه، هم در شورای عالی قضایی، هم در مدرسه عالی شهید مطهری، هم در مجلس خبرگان رهبری، هم در کرسی درس دانشگاه ها و... قابل تقدیر و استفاده است و باید یادش را گرامی داشت و راهش را پر هروان شاء الله، خداوند متعال ایشان را با اجدادشان محشور کرده و به باز ماندگان شان صبر و اجر عنایت کند.

آیت الله مرعشی شوشتری
دارای نفسی سلیم، خوش رو و
خوش برخورد، اهل معنویت، اخلاق
و شب زنده داری بود. ایشان فقیه
و ارسته، متعهد، سلیم النفس،
دلسوز و آشنا به مسایل روز و علاقه
مند به فقه اسلامی بود و معتقد بود
فقه اسلامی قدرت پاسخ گویی به
نیاز امروز جامعه را دارد



آیت الله مرعشی شوشتری از نظریه پردازان عرصه فقه و حقوق بود

حقوقی و تدریس ایشان در کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه‌ها و حوزه‌ها به ویژه در مدرسه عالی شهید مطهری و دانشگاه تهران واحد پردیس قم معروف است.

وی آیت الله مرعشی شوشتری را از نظریه پردازان عرصه فقه و حقوق دانست و تصریح کرد: وی در این دوران به عنوان نماینده مردم تهران در مجلس خبرگان انتخاب شد. آیت الله مرعشی شوشتری برجستگی‌های اخلاقی و فقهی و... خوبی داشت و در بعد رجال، فقه و امثال این‌ها از شاگردان ویژه علامه شیخ محمدتقی شوشتری و علمای بزرگ شوشتر بود.

آیت الله کعبی در پایان سخنانش خاطرنشان کرد: پشتکار علمی ایشان در تألیف و تحقیق خیلی بالا بود. به هر جهت رحلت ایشان به عنوان یک فقیه و حقوقدان ضایعه‌ای بزرگ است و من درگذشت ایشان را به جامعه حقوقی و فقهی کشور و به مردم استان خوزستان به ویژه مردم شهید پرور شوشتر که با ایشان بسیار مأنوس بودند و به دوستان و شاگردان و علاقه‌مندان و بستگان ایشان تسلیت عرض می‌کنم.

آیت الله مرعشی شوشتری از نظریه پردازان عرصه فقه و حقوق بود و در بعد رجال، فقه و امثال این‌ها از شاگردان ویژه علامه شیخ محمدتقی شوشتری و علمای بزرگ شوشتر بود.



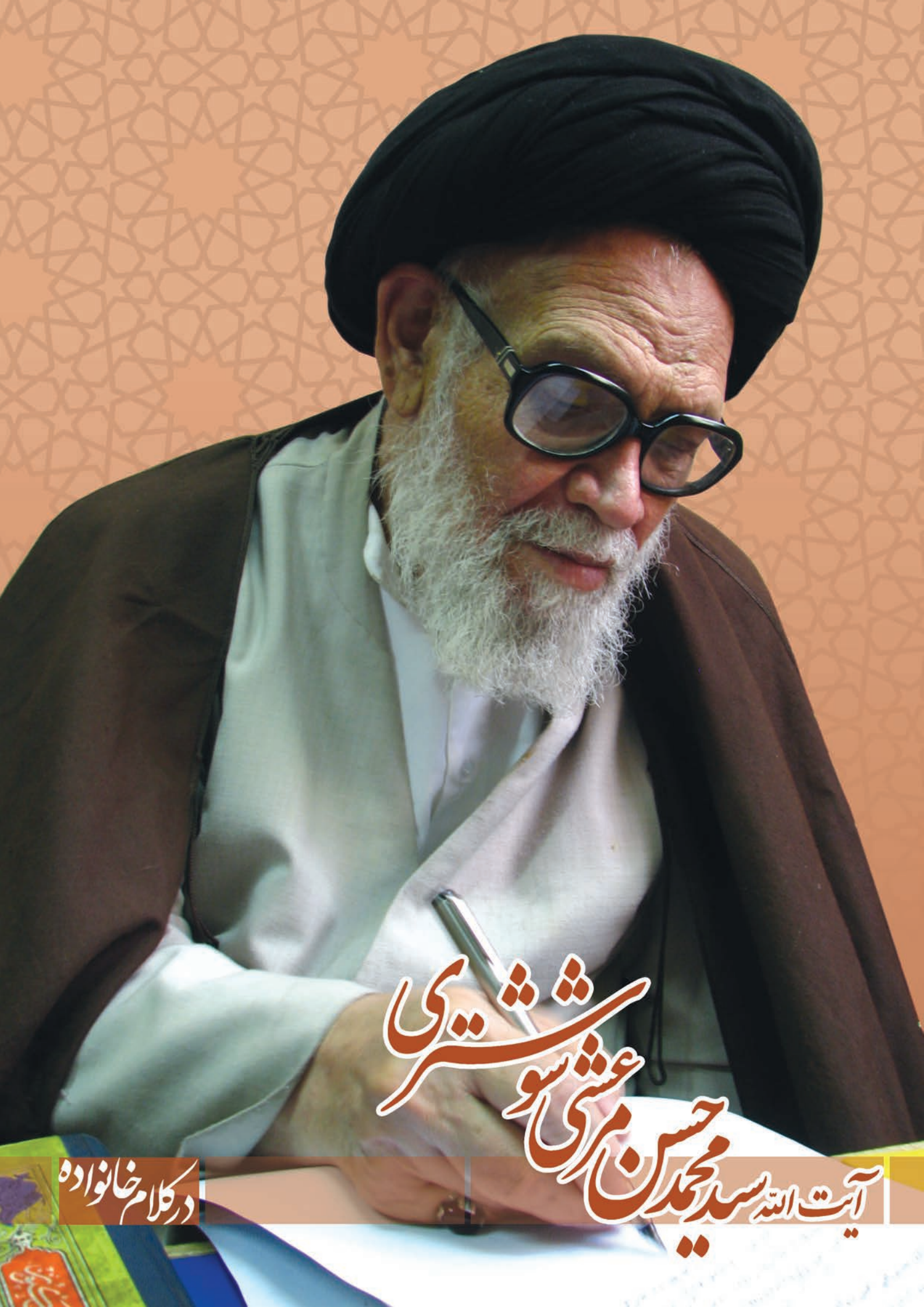
آیت الله «عباس کعبی»، عضو مجلس خبرگان رهبری و عضو شورای نگهبان در گفت‌وگو با ایکننا، ضمن ابراز تأسف از درگذشت آیت الله مرعشی شوشتری گفت: ایشان از

علمای برازنده و بزرگ استان خوزستان بودند که سال‌های متمادی عنوان حاکم شرع خوزستان را داشت و در دادگستری خوزستان انجام وظیفه کرد و بعد هم به تهران منتقل شد. آیت الله کعبی گفت:

وی از جمله علمایی بود که در عرصه فقه و حقوق برجستگی‌های علمی خاصی در حوزه و دانشگاه داشت و در این زمینه تدریس متمادی کرد تا این که در دوران آیت الله شاهرودی به عنوان معاون ایشان انجام وظیفه کرد.

این عضو شورای نگهبان اذعان کرد: مقالات فقهی و

مقالات فقهی و حقوقی و
تدریس ایشان در کارشناسی
ارشد و دکتری در دانشگاه‌ها
و حوزه‌ها به ویژه در مدرسه
عالی شهید مطهری و
دانشگاه تهران واحد پردیس
قم معروف است



آیت اللہ حسین علی شریعتی

در کلام خانوادہ



فرزند ارشد آیت الله مرعشی:

آیت الله مرعشی

سهم عمده ای

در رشد فرهنگی مردم

شوشتر داشت

مرعشی از روحانیان شهرستان شوشتر بود. وی در مکتب ملا «شکرعلی معنوی» درس ابتدایی را خواند و نزد پدرش تا اندازه ای درس های حوزوی را آموزش دید و نزد اساتیدی هم چون آیت الله «سید محمد تقی حکیم» و آیت الله «سید محسن آل طیب»، آیت الله «سید محمد موسوی جزایری» و علامه «محمد تقی شوشتری» دروس حوزوی را تلمذ کرد. در سن چهارده سالگی پدرش دار فانی را وداع گفت و مسئولیت خانواده به عهده وی قرار گرفت. در سن ۲۶ سالگی با آغاز مبارزات انقلاب اسلامی به رهبری امام راحل (ره) فعالیت های سیاسی خود را شروع کرد و با جلسات و سخنرانی های خود مردم شوشتر را در جریان مبارزات حضرت امام (ره) قرار می داد، به طوری که ساواک مکررا به او تذکر می داد. چند بار وی را به ساواک دزفول احضار کردند و مزاحمت هایی را در خصوص کلاس های قرآن، منابر و تأسیس کتابخانه حضرت ولی عصر (عج) به وجود آوردند. اما او با تلاش و پی گیری های مکرر بر این مشکلات فائق آمد و مجوز تأسیس کتابخانه حضرت ولی عصر (عج) را گرفت و آن را تأسیس کرد.

از جمله فعالیت های فرهنگی ایشان تجدید بنای مسجد «شیخ علی» در سال ۱۳۸۰ قمری، توسعه مساجد شهید مطهری و شهید منتظری، تجدید بنای حوزه علمیه جزایریه شوشتر برای برادران در سال ۱۳۵۲ شمسی، تأسیس حوزه علمیه الهادی شوشتر برای خواهران، گرفتن زمین جهت تأسیس حوزه علمیه شهرستان گنوند، تجدید بنای مقام متبرکه حضرت

مرحوم آیت الله مرعشی شوشتری با ایجاد مؤسسات فرهنگی مختلف، سهم بسزایی در رفع مشکلات فرهنگی مردم شوشتر داشت. جهت آشنایی با شخصیت مرحوم آیت الله «سید محمد حسن مرعشی شوشتری»، مصاحبه ای را با «سید احمد مرعشی شوشتری»، فرزند ارشد مرحوم مرعشی شوشتری انجام دادیم که آن چه در پی می آید، حاصل این گفت و گو است.



ایکنا: لطفا خودتان را معرفی کنید و بگویید حاج آقا چند فرزند دارد و شما فرزند چندم ایشان هستید؟
من سید احمد مرعشی اولین فرزند آیت الله «سید محمد حسن مرعشی»، متولد ۱۳۳۵ در شوشتر و دارای شغل کشاورزی و دارای ۲ برادر و سه خواهر هستم.



ایکنا: مرحوم آیت الله مرعشی را بیشتر معرفی کنید و بفرمایید که آیا ایشان در شوشتر فعالیت هایی داشتند که هنوز ماندگار باشد؟
آیت الله «سید محمد حسن مرعشی» در سال ۱۳۱۶ در خانواده ای روحانی متولد شد. پدرشان حجت الاسلام والمسلمین «سید سلطان محمد

آمد، صحبت کردیم. وی با تمام مشغله ای که داشت، همیشه از وضع درسی بچه های ما سؤال می کرد.

ایکنا: مرحوم مرعشی با توجه به مسئولیت هایی داشتند، برخوردارشان با مادران چگونه بود؟ آیا برای خانواده وقت می گذاشتند؟

ما موقعیت ایشان را درک می کردیم و انتظاری نداشتیم، چون مسئولیت ها مسئولیت مهمی بود، هم مسئولیت شرعی و هم مسئولیت قضایی داشتند که این مسئولیت ها مافوق مسائل خانوادگی قرار می گیرد. ما هم باید رعایت مسائل شرع را بکنیم و اولویت ها را در نظر بگیریم و این شد که ما انتظاری نداشتیم و می دانستیم که حاج آقا وقتش پر است. یا کلاس درس داشت یا این که به دادگستری می رفت و جلسه داشت. وقت خالی نداشتند و ما هم انتظاری نداشتیم. وقت و کارهای آیت الله مرعشی بر کارهای ما رجحیت داشت و مقدم بود.

ایکنا: از دوستان نزدیک ایشان می توانید کسی را نام ببرید؟
از دوستان نزدیک ایشان آیت الله «هاشمی شاهرودی» است که با او صمیمی بود. این اواخر که بازنشسته شده بودند، در مورد دانشگاه قضایی همیشه با ایشان ارتباط برقرار می کرد و آرزو و هدفش در مورد دانشکده شوشتر که نیاز منطقه است، این بود که چون قضاتی که به این منطقه می آیند و با آب و هوای این منطقه سازش ندارند، بتوانیم این جاقضاتی برای استان و استان های هم جوار تربیت کنیم که بتوانند در منطقه بمانند و بومی منطقه باشند که مشکل ماندن در منطقه را نداشته باشند. این باعث شد که ایشان به این فکر بیفتند که یک مرکز علمی یا دانشکده علوم قضایی تأسیس کند که قضات استان و استان های هم جوار از این جا تأمین شوند و همین کار هم شد و آیت الله شاهرودی هم کمال همکاری را با ایشان داشت.

ایکنا: مرقد مرحوم آیت الله مرعشی کجاست؟

در شوشتر مقامی است به نام مقام حضرت صاحب الزمان (عج) که مکان متبرکی است، مانند جمکران قم. این مکان همیشه مورد توجه وی بود و اجداد ما هم در این مکان دفن هستند. خود

مرحوم شوشتری این مکان را تجدید بنا کرد. اعتقاد خاصی به این مکان به جهت دیده شدن امام زمان (عج) داشت.

صاحب الزمان (عج)، پی گیری کلیه امور اوقافی شهرستان شوشتر و تأسیس صندوق قرض الحسنه حضرت ولی عصر (عج) در شوشتر است. از اقدامات بسیار مهم آیت الله مرعشی در ۱۳۸۲ در شوشتر گرفتن مجوز تأسیس و راه اندازی دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری است.

ایکنا: در مورد روحيات و خصوصيات آيت الله مرعشی و برخوردار ایشان با خانواده و دوستان برای ما بگوئيد.

ایشان خصوصیات اخلاقی خوبی داشتند، با همه مأنوس بودند و با هر کسی در حد شخصیتشان برخورد می کردند. با افراد معمولی با خوش خلقی و خوش رویی برخورد می کرد و آدم هایی را که دارای مسئولیت بودند با آن ها در خور شخصیتشان برخورد می کرد. وی علاقه شدیدی به وطن خود داشت و مرتباً به این شهرستان سرکشی می کرد، خیلی علاقه مند بود مشکلاتی را که در شوشتر وجود دارد رفع کند و اگر برای کسی مشکلی پیش می آمد تا حد امکان رفع می کرد.

ایکنا: مرحوم مرعشی از چه زمانی به تهران آمدند؟

وی تا سال ۱۳۶۱ در شوشتر بود و بعد به فرمان حضرت امام که فرمودند دادگستری ها اسلامی نیستند و کارهای آن ها خلاف شرع است و قوانین، قوانین قبل انقلاب است که روحانیت باید وارد شود و قوانین دادگستری ها را شرعی کند. آیت الله «موسوی جزایری» امام جمعه محترم اهواز و حجت الاسلام و المسلمین «اراکي» از ایشان دعوت کردند که وارد دستگاه قضایی شود که وی پذیرفت و وارد دستگاه قضایی اهواز شد. وی بعد از تماس با روحانیان تهران و قم تصمیم گرفت وارد دستگاه قضایی تهران شود که ابتدا وارد شعبه ۱۹ دیوان عالی کشور و بعد وارد شعبه ۲۰ شد. بعد شورای عالی قضایی تشکیل شد و ایشان جزء افراد انتخابی بودند که با رأی قضات وارد شورای عالی قضایی شدند.

ایکنا: شما به عنوان

فرزند ارشد مرحوم مرعشی، آیا خاطره ای به یادماندنی از ایشان دارید؟

پدرم با ما خیلی مهربان بود و همیشه با ما ارتباط داشت. با این که من شهرستان بودم، ولی هیچ وقت

تماس های تلفنی ما قطع نبود. حتی شده، هفته ای یک روز را با هم ارتباط داشتیم. برای آخرین باری که با ایشان تماس داشتیم، در مورد تألمات روحی که برای ایشان و برای من پیش می



فرزند آیت الله مرعشی:

جدیت آیت الله مرعشی

سبب اجرایی شدن

ماده ۱۸۷ شد



من خیلی با ایشان بودم. من یک برادر دیگری داشتم که از خودم دو سال بزرگ تر بود و در همان دوران طفولیت فوت می کند و یک خواهر هم بعد از من بود. حاج آقا عنایت ویژه ای در همان بچگی نسبت به من داشت و من هم زیاد به ایشان چسبیده بودم و خیلی با بایی بودم. سال ۵۶ یک پیکان مدل ۴۹ خریده بودیم و من تقریباً نقش راننده ایشان را داشتم، منتهی آن زمان بحث مبارزه با بهائیت در روستاهای اطراف شوشتر بود که بهایی ها خیلی فعالیت می کردند و حاج آقا با افرادی که با ایشان بودند، مبارزه خیلی خوبی با بهائیت داشتند و اگر خاطرتان باشد، نخست وزیر وقت (هویدا) بهایی بود. به هر حال حاج آقا مبارزات خوبی داشتند و در آن جلساتی که تشکیل می شد، من خیلی با ایشان می رفتم و می آمدم. مجموعه ادراک ساخت و سازهایی که در شوشتر و روستاهای اطراف آن انجام می شد، بانی می شد، منتهی من هیچ زمانی ندیدم که حاج آقا در مسائل مالی یکی از این ساخت و سازها دخالت کند. این مجموعه ها ساخته می شد، اما هیچ زمانی پولی از دست کسی نگرفت و زیر بار وجوهات شرعیه دیگران نمی رفت.

فرض کنید آن آدمی که می خواست پول را به حاج آقا بدهد، می گفت پول را به من نده، خودت برو کارخانه آجرسازی ده هزار تا آجر خریدیم. شما هر چقدر می توانی پولش را بده. این طوری پروژه هایی را که حاج آقا دست می گرفتند، خیلی راحت تر و سریع تر ساخته می شدند. مسجد شیخ علی که در شوشتر است، خیابان نصف بستر آن را خراب کرده و مخروبه شده بود یا حوزه علمیه شوشتر به طور کلی از بین رفته بود. ایشان با جدیتی که خودش داشت، توانست آن حوزه را بر پا کند و نگهدارد. زمان ما که مبارزات شروع شده بود، در حوزه علمیه حاج آقا علمدار و پرچمدار این مبارزات بود و ارتباطاتی که داشت،

جدیت مرحوم آیت الله مرعشی شوشتری سبب اجرایی شدن ماده ۱۸۷ شد که واقعا کمک کرد و مردم خیلی راحت توانستند وکیل بگیرند.

آن چه در پی می آید، حاصل گفت و گوی ایکننا با «سیدعلی مرعشی شوشتری»، سومین پسر مرحوم آیت الله «سیدمحمدحسن مرعشی شوشتری» است.



ایکننا: لطفا در ابتدا در مورد روابط عاطفی مرحوم آیت الله مرعشی در ارتباط با خانواده بگویید.

من با ایشان بسیار مانوس بودم و خیلی ارتباط دوستانه ای با همه خانواده داشت و همیشه مراقب بود که اگر هر کدام مشکلی داشتیم به یک نحوی کمک کند که مشکلاتمان حل شود. حتی زمانی که مریض بود، به فکر این بود که مبادا ما ناراحتی داشته باشیم. به هر نحوی که می توانست، کمکمان می کرد و همیشه با همه شوخی می کرد.



ایکننا: خاطره ای که با ایشان دارید و شنیدنی است، برای ما بیان کنید. مجموعاً چون همیشه با حاج آقا بودم واقعا خاطر ایشان برای ما شیرین بود. حتی این اواخر اگر ما یک هفته نمی آمدیم خدمتشان و هفت روزمان هشت روز می شد، شنبه صبح منتظر تلفن حاج آقا بودم و قطعاً می دانستم ساعت ۱۰ یا ۱۱ زنگ می زند که کجایی و خبری از شما ندارم، چرا نیامدید؟ معمولاً سعی می کرد در هر زمینه ای کمک ما باشد.



ایکننا: از وضعیت زندگی مرحوم آیت الله مرعشی در شوشتر بفرمایید.

را که بلد هستم، اگر امروز نگویم، همه زیر خاک می رود. آن چه بلد هستم را باید یاد دهم، پس در کلاس های من دخالت نکنید. آقای موسوی هم کلاس ها را کم کرد و بعد حاج آقا متوجه شد و گفت چرا در کلاس های من دخالت کردید؟ شما کاری نداشته باشید، من خسته نمی شوم. واقعا درس دادن را دوست داشت و از صبح تا غروب در مدرسه عالی درس می داد و بعضی از شب هادر منزل هم کلاس درس داشت.

ایکنا: آیا در فعالیت های سیاسی خود، قبل از انقلاب به زندان

هم رفتند؟

زندان را یاد نمی آید، اما چند بار ساواک شوشتر به ایشان تذکر داد و چند وقتی هم حق منبر رفتن را نداشت. بحث تعویض ساعت ها بود که به رژیم ایراد گرفته می شد، حاج آقا هم سر منبر این ها را مطرح کرد و ساواک برخورد کرده بود. یا برخی از آقایان به شوشتر تبعید می شدند. مثلا آیت الله مشکینی، معمولا دهه اول رامیه مان ما بودند و یاد می آید که همیشه یک مأمور ساواک هم مراقب منزل ما بود. به هر حال خانه ما تقریبا پایگاهی بود برای افرادی که مبارزه می کردند.

ایکنا: آیا مرحوم آیت الله مرعشی در جبهه هم حضور داشتند؟

ایشان یک بار برای بازدید، طلبه ها را آورده بودند و یک بار هم من برای عملیات والفجر مقدماتی ایشان را آوردم. بعد از عملیات والفجر روحیه بچه ها خیلی خوب نبود، قبل از عملیات معمولا بیشتر مسئولین می آمدند و می رفتند و سر می زدند و بچه ها هم قبل از عملیات روحیه عملیاتی خوبی داشتند. بعد از عملیات کمتر آقایون به جبهه می آمدند. یکی از دوستان که با ما ارتباط خانوادگی داشت، رفته بود اهواز. حاج آقا هم گفته بود می خواهیم برویم تا به منطقه حمیده - که به خط مقدم نزدیک بود. سری بزنیم. اگر علی آن نزدیکی ها بود، سری هم به او بزنیم. این دوست ما حاج آقا را به خط مقدم، شیب نیشان و آن ماسه های بادی آورده بود. چون عملیات تقریبا موفق نبود، بچه ها را دور هم جمع کردیم و حاج آقا یک سخنرانی روحیه بخش برای بچه های لشکر ولی عصر (عج) کرد. دوست داشت با بچه هایی که به جبهه می آمدند، صحبت کند. به هر حال یک شب بودند و فردایش ایشان را برگرداندیم.

ایکنا: ایشان پیشتر با کدام پیک از شخصیت های علمی و سیاسی هم نشین بودند؟

اگر بخواهیم در حوزه علمیه بگوییم، ایشان با آقای امامی کاشانی هم نشین بود. با رجال سیاسی خیلی ارتباط نداشت، اما با آقای هاشمی ارتباط دوستانه خوبی داشت، منتهی خیلی در مسائل سیاسی خودش را مطرح نمی کرد و اهل مصاحبه تلویزیونی و این جور چیزها نبود و دوری می کرد. ایشان زمانی که در شورای عالی قضایی بود، رفت و آمد مردم در آن جا کمی مشکل بود و بازرسی زیاد. ایشان به آقایان گفته بود که چون مردم ما را این جا گذاشتند و ما کار مردم را انجام می دهیم، بهتر است دفتر کارمان را ببریم در کاخ دادگستری تا مردم راحت تر پیش ما بیایند. نیروهای حفاظتی هم خیلی ناراحت بودند و به ما گله می کردند که حاج آقا نمی گذارند ما بازرسی کنیم. افراد می آیند و می روند و ما نمی دانیم کیستند. اگر بازرسی کنیم، حاج آقا برخورد می کند.

گاهها با برخی از افرادی که وابسته به نظام آن موقع بودند، اگر می خواستند مثلا حمله کنند و ساواک بریزد به خانه فلان شخص، به گوش حاج آقای موسوی رسانند و حاج آقا مواظب بودند که این مسائل کمتر پیش بیاید و بعد از انقلاب هم سعی می کرد در همان حوزه علمیه شوشتر بماند و کار کند تا این که امام نظرشان این بود که دادگستری را اسلامی کنند. به حاج آقا قبولانند که وارد سیستم قضایی شود که سیستم دادگستری را از آن نظام قبلی تغییر دهند و به طرف قوانین اسلامی بکشانند.

ایکنا: چه شد که ایشان تصمیم گرفتند به تهران بیایند؟

سال ۶۰ بود که حاج آقا پذیرفت تا کمک کند قوانین را عوض کنند. حدود یک سالی در دادگستری استان خوزستان مشغول شد که چون آقای اردبیلی احساس کرده بود شأنیت ایشان در اندازه دادگستری استان خوزستان نیست، از ایشان خواست که به تهران بیاید و رئیس شعبه ۲۰ دیوان عالی کشور شود. چند ماهی ایشان را به شعبه دوم بردند. شعبه دوم حالت معاونت شورای عالی قضایی و دیوان عالی کشور را داشت و بعد از آن از ایشان خواستند کاندیدای شورای عالی قضایی شوند، نظر امام هم همین بود که ایشان هم داخل در شورا شوند. در شورا خیلی سعی کردند تا قوانین را اسلامی کنند، ابلاغ ها را طوری انجام دهند که سریع تر به قوانین اسلامی برسند. هدف ایشان این بود که کمک کنند و انصافا آن زمان شورا خیلی وقت می گذاشت و کار انجام می داد. بعد از منحل شدن شورا و بعد از رحلت حضرت امام داستان کلا تغییر کرد و بعد آقای شاهرودی از حاج آقا خواست تا به ایشان کمک کند و مبنی بر درخواست ایشان مجددا آمدند، البته به شرط این که کار اجرایی را قبول نکنند. با توجه به شرایط جسمی ایشان، به معاونت قضایی رفتند و آن جا هم خیلی توانستند کمک کنند تا این که ماده ۱۸۷ را راه انداختند. واقعا اگر جدیت حاج آقا در اجرایی کردن این ماده نبود، امکان نداشت نمایندگان مجلس قبول کنند که البته بودجه هم ندادند و باعث شدند که کمی از بچه ها آن جا راه بیاندازند و حسابی باز کردند. حتی پول را خود بچه ها می دادند و به هر حال این امر راه افتاد و انصافا کمک خیلی زیادی به مملکت شد. مردم می خواستند وکیل بگیرند و وکیل شده بود یک کالای لوکس. اگر پول داشتند، می توانستند وکیل بگیرند، در غیر این صورت نه. ماده ۱۸۷ باعث شد وکلای زیادتر شدند و جوانانی که لیسانس علوم قضایی گرفته بودند و بیکار بودند و کانون وکلا احیانا نمی توانست به آن ها پروانه وکالت دهد، این جا با آموزشی که می دادند و کارآموزی هایی که در دادگستری می دیدند، باعث شد که بعد از شش، هفت ماه، دو تاسه هزار وکیل زده در سراسر کشور در شهرهای مختلف دفتر بزنند و واقعا به مردم کمک شود. کسانی که نه سواد دارند و نه می توانند از خود دفاع کنند، خیلی راحت توانستند وکیل داشته باشند.

ایکنا: ظاهرا مرحوم آیت الله مرعشی به تدریس بسیار علاقه داشتند. آیا

شما هم این مسئله را لمس کردید؟

یادم هست زمانی که ناراحتی قلبی داشتند، ما از آقای موسوی مسئول آموزش مدرسه عالی شهید مطهری خواستیم که کمتر برایشان درس بگذارند تا فشار به ایشان نیاید. درس را خیلی دوست داشت. یک روز که ایشان را به استخر می بردم، گفتم چرا اینقدر درستان زیاد است؟، می گفت من این هایی



نوه آیت الله مرعشی:

آیت الله مرعشی

نه تنها در فقه بلکه

در بسیاری از علوم اسلامی هم صاحب نظر بود

کم است و آن گونه که باید حق فلسفه ادانمی شود. سال اول که وارد مدرسه عالی شدم، فلسفه را پیش حاج آقا شروع کردم و ایشان «بداية الحکمه» علامه طباطبایی را به من یک دور کامل تدریس کردند ضمن اینکه تاکید عجیبی نسبت به ادبیات عرب داشتند و می گفتند باید ادبیاتتان را قوی کنید. لذا یک دور هم کتاب سیوطی را پیش ایشان بعد از ساعت درس مدرسه خواندم.

ایکنا: آیا شما با مقالات فقهی مرحوم آیت الله مرعشی هم آشنا هستید؟

من نمی توانم ادعا کنم که مسلط هستم، اما به موازات بحث هایی که می شد، نظراتشان را ابراز می نمودند. اخیرا کتاب «الوسیط فی اصول الفقه» آیت الله سبحانی را به مادرش می دادند و در صحبت هایشان نظراتشان را بیان می کردند؛ یعنی اقتضای کرد که بیان کند، ولی به طور خاص در پایان نامه ام که استاد راهنمای من حاج آقا بودند، بیشتر با نظرات ایشان آشنا شدم.

ایکنا: موضوع پایان نامه ای که با راهنمایی مرحوم آیت الله شوشتری از آن دفاع کردید، چه بود و تا چه اندازه نظرات ایشان در این پایان نامه انعکاس یافته است؟

موضوع پایان نامه من «بررسی فقهی حقوقی لقاح مصنوعی و آثار مترتب در فقه حقوق» بود. خط به خط پایان نامه من نظرات حاج آقا بود؛ یعنی از پایان نامه های نادری است که استاد این همه وقت گذاشتند. من هر هفته که برای درس می آمدم، دست نوشته هایم را هم می آوردم پیش حاج آقا و با نظر ایشان تصحیح می کردم. بعد به من می گفتند که بخوان. من خط به خط از رو می خواندم و ایشان حذف و اضافه می کردند.

ایکنا: با توجه به این که دوره کارشناسی خود را در مدرسه عالی شهید مطهری و دوره کارشناسی ارشد را در دانشگاه قم گذرانده اید، مسلما اساتید مختلفی را درک کرده اید، چه وجه تمایزی میان استادان خود با مرحوم مرعشی شوشتری یافتید؟

برخلاف تصور برخی که گمان می کنند مرحوم آیت الله مرعشی شوشتری تنها یک چهره فقهی است، اما برای من ثابت شده که ایشان در بسیاری از علوم اسلامی صاحب نظر بود.

«سیده لیلا موسوی»، نوه دختری مرحوم آیت الله مرعشی و کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی است. آن چه در پی می آید، حاصل گفت و گوی ما با ایشان است.

ایکنا: لطفا در مورد نحوه ارتباط خود با مرحوم مرعشی بگویید.

دروس معارف را با تشویق حاج آقا در دبیرستان شهید مطهری آغاز کردم. از همان ابتدا از حاج آقا کمک می گرفتم؛ یعنی هر درسی را که در مدرسه می خواندم یک دور هم پیش ایشان می خواندم و این تشویق خودشان بود که درس ها را پیش ایشان مرور کنم، مخصوصا تابستان ها، می گفتند فلان کتاب را بیاور تا یک دور با هم بخوانیم. تعطیلی معنا ندارد.

بعد از دوره دیپلم، علی رغم میل باطنیم که می خواستم رشته فلسفه بروم، با مشورت و تشویق حاج آقا وارد رشته فقه شدم، ایشان اصرار داشتند که فقه بخوانم و دلیل عمده شان برخلاف این که همه تصور می کردند که حاج آقا با رشته فلسفه مخالف است، این بود که می گفتند در فلسفه شاید به صورت آکادمیک موفق نباشم، به لحاظ این که استاد فلسفه اسلامی در دانشگاه ها

محبت ویژه ایشان همراه بود؛ آن جابود که وابستگی من به ایشان بیشتر شد. ولی آن فهم کامل را بعد از ورود به دوره عالی پیدا کردم.

ایکنا: با توجه به مشغله کاری و تدریس فراوانی که ایشان داشتند، تا چه اندازه در اختیار خانواده بودند؟

خیلی، من این گونه احساس نمی کردم که ایشان برای خانواده وقت نگذارد، ایشان برای خانواده خود وقت زیاد می گذاشتند. من واقعا تعجب می کردم، حتی به من که نوه ایشان بودم و توقعی هم از ایشان نداشتم، به من می گفت کی بیایم خانه شما؟ دو هفته قبل از فوتشان منزل مادر من بودند، گفتند خیلی دلم می خواهد بیایم خانه شما و من که دیدم ایشان علاقه مند است، تلفن زدم و ایشان تشریف آوردند خانه ما. بدون این که مثلا زحمتشان باشد. هیچ وقت این گونه ابراز نمی کردند. حالا ما که به اصطلاح از خانواده خودشان بودیم. نسبت به فامیل های دورتر هم همین طور بودند. مادر بزرگم می گفتند حتی اخیرا به یکی از اقوامی که چند سال بود با ایشان رفت و آمد نمی کرد (خودش هم رفت و آمد نمی کرد) و خبری هم از او نبود، حاج آقا گفت زنگ بزنید ببینیم فلانی کجاست و چه کار می کند.

ایکنا: کدام خاطره از مرحوم مرعشی شوشتری برایتان شیرین تر و دلنشین تر بود؟

اصلا و جوشان خاطره بود. در زمان طفولیت ما، ایشان با اوج مشغله کاری که داشتند بادم هست که مامنظر می شدیم ساعت ۵ شود و حاج آقا بیاید و بعد می رفتیم چای دم می کردیم و یک قالیچه در حیات می انداختیم و کلی اسباب بازی می آوردیم تا حاج آقا بیاید.

بعد هم می آمدند و یکی و دو ساعت با ما صحبت می کردند. حالا اگر اصول دین یا سوره ای از قرآن را یاد گرفته بودیم، از ما می پرسیدند، که این ها همیشه برای آدم می ماند.

ایکنا: لطفا اگر طی این گفت و گو نکته مهمی در مورد ایشان مطرح نشده است را بیان کنید.

اگر بخواهم از خصیصه های اخلاقی ایشان بگویم، این است که بزرگ ترین چیزی که من در وجود حاج آقا می دیدم این بود که مخلص بودند؛ یعنی نهایت اخلاص را در همه چیز، در علمشان، عباداتشان و محبت خانوادگی شان داشتند. آدم خاصی بود. اصلا احساس می کردم تازه دارم این را می فهمم. من این نوحه ای که اخیرا همه جاپخش شده بود و آن مداح عرب آن را می خواند، این را برای حاج آقا می گذاشتم. بی اختیار حاج آقا اشک می ریختند. اسم امام صادق (ع) که می آمد

اصلا حاج آقا با بقیه اساتید من قابل مقایسه نبودند؛ یعنی هیچ درسی نبود که من بگویم از آن استاد خوب فهمیدم و بهتر از آن را از حاج آقا نگرفتم. تمام درس ها را طوری پیش حاج آقا می خواندم که می دیدم بیان و تسلط حاج آقا نسبت به اساتید دیگر خیلی بالاتر بود. ضمن این که اساتید من همگی شاگردان حاج آقا بودند؛ یعنی اصلا نمی توانم این ها را با هم مقایسه کنم.

حاج آقا در بیان فوق العاده مسلط بودند. برخلاف خیلی از اساتید که ممکن است رتبه علمی بالایی داشته باشند، اما بیان خوبی نداشته باشند. استاد از هر دو جنبه شاخص بودند.

ایکنا: شما بیشتر ایشان را در چه جنبه ای از علوم متبحر می دیدید؟

من نمی توانم قضاوت کنم، ولی برای شخص بنده در همه این رشته ها حجت بودند و حرف شان حرف آخری بود که می زدند. من اخیرا مطالعاتی روی کتاب های علامه «سید محمد حسین تهرانی» مانند: الله شناسی، معادشناسی و امام شناسی داشتم.

وقتی وارد مطالعه این کتاب ها می شدم، مشکلات زیادی داشتم، چرا که آن جابحث های فلسفی و عرفانی مطرح می شد و حاج آقا مشکلاتم را خیلی عالی حل می کردند، برخلاف این که شاید هر کس فکر کند حاج آقا تنها چهره فقهی هستند. نمی توانم بگویم فلسفه شان قوی تر بود یا فقه شان، هر چند که نظری بین اساتید هست که حاج آقا را یک چهره فقهی می دانند، آن هم مخصوصا در فقه جزا، ولی برای من ثابت شده که در همه این ها صاحب نظر بودند.

ایکنا: شما به عنوان نوه مرحوم شوشتری چه زمانی در یافتید که باید

از ایشان بهره مند شوید؟

شاید در سن ۱۶ سالگی. از وقتی که وارد مدرسه عالی شدم، تشویق خود حاج آقا بود که به من گفتند درس بخوان و ادامه بده. اولش من می گفتم ایشان چرا اصرار می کنند؟ سال اول با کمی دلخوری وارد مدرسه شدم، ولی تشویق های معلمان در مدرسه عالی و توصیه آن ها به من در مورد قدردانی از پدر بزرگم، این توجه را به من داد که این شخصی که تا حالا پیش من بود و من توجه به آن نداشتم، کیست که همه من را به سمت او تشویق می کنند و مرید او هستند.

این ها باعث تحریک من شد و کم کم این علاقه در من بیشتر شد و چون ایشان خیلی مراد در تشویق می کردند و این تشویق همیشه با



بزرگ ترین چیزی که من در وجود حاج
آقا می دیدم این بود که مخلص بودند؛
یعنی نهایت اخلاص را در همه چیز، در
علمشان، عباداتشان و محبت خانوادگی
شان داشتند و خیلی مخلص بودند. آدم
خاصی بود. اصلا احساس می کردم تازه
دارم این را می فهمم. من این نوحه ای که
اخیرا همه جا پخش شده بود و آن مداح
عرب آن را می خواند، این را برای حاج آقا
می گذاشتم

آقای شیخ محمد تقی شوشتری یک نوع ارادت خاصی داشتند که وقتی از آقای آل طیب صحبت می کردند آن نبود و وقتی از آقای آل طیب صحبت می کردند یک مدلی بود که آقای شوشتری نبود و آقای جزائری هم برایشان یک نوع عظمت و بزرگی خاصی داشت.

ایکنا: علت این که ایشان به حوزه های علمیه دیگر برای تحصیل نرفت،

چه بود؟

این هم یکی از ویژگی های خاص دیگر حاج آقا این بود که زمانی که همه برای درس می رفتند نجف یا قم، حاج آقا تمام درس هایش را در شوشتر با آن محدودیت اساتید خواند. اما دلیل ایشان این بود که تا زمانی که پدرشان زنده بود، پیش ایشان تلمذ می کردند. بعد هم که پدرشان فوت می کنند، ایشان سرپرست یک خانواده هشت نفری بودند؛ یعنی ایشان پسر بزرگ بودند. ایشان متکفل زندگی خواهران و برادران خودشان بودند.

حتی اهواز هم نتوانستند بروند. ایشان می فرمودند که یک سال رفتم اهواز برای درس خواندن که دیدم خانواده به مشقت افتادند و لذا برگشتم.

بی اختیار اشک می ریختند و صدایشان می لرزید، من متوجه می شدم. اسم امام حسین (ع) که می آمد، خودشان می گفتند که من نمی دانم چرا برای امام حسین (ع) گریه می کنم؟ فقط می دانم از وقتی که چهار، پنج سالم بود و با پدرم می رفتم پای منبر می نشستیم این اشک ناخود آگاه می آمد.

ایکنا: خاطره ای از زمان کودکی خودشان در شوشتر برای شما تعریف

کردند که برای ما هم تعریف کنید؟

خاطرات مختلفی را تعریف می کردند. از اساتیدشان می گفتند. من هفت سال پیش زندگی نامه حاج آقا را نوشتم و آن زندگی نامه خط به خطش بیان خود حاج آقا بود؛ یعنی یک لغت را بنده خودم نوشتم. ایشان تقریر و تعریف می کردند و من می نوشتم. آن خاطره ها را خودشان می گفتند، ولی بیشتر از رابطه با اساتیدشان تعریف می کردند که رابطه شان با اساتید چگونه بود.

ایکنا: بیشتر نسبت به کدامیک از اساتید خود ابراز تمایل و ارادت می کردند؟

نسبت به هر یک از استادانشان یک ویژگی را داشتند؛ یعنی نسبت به



مرحوم آیت الله مرعشی از اشاعه دهندگان فرهنگ عاشورایی بود

مرحوم آیت الله مرعشی شوشتری به عنوان خادم اهل بیت (ع)، از اشاعه دهندگان فرهنگ عاشورایی بود. «عباس عظیمی»، وکیل دادگستری و متصدی هیئت انصارالحسین (ع) مرحوم آیت الله «سیدمحمدحسن مرعشی شوشتری»، در گفت و گو با ایکننا، درباره شخصیت آن مرحوم، با اشاره به مطلب فوق، گفت: آشنایی من با مرحوم آیت الله مرعشی شوشتری به خاطر حضرت سیدالشهداء (ع) بود. ایشان بسیار انسان وارسته ای بود و خادم واقعی و حقیقی حضرت سیدالشهداء (ع).



وی افزود: بنده در همین منطقه خیابان آفریقا

تعجب آور بود که زیر باران شب عاشورا جمعیت بسیار زیادی از جوانان جذب همین مجلس عزای سیدالشهداء (ع) شده بودند. احساس سرمای نبود. ایشان خیلی با تواضع و خشوع به عنوان یک خادم حقیقی حضرت سیدالشهداء (ع) در سرما می آمدند و به من می گفتند بیا بریم مسجد و هیئت، نماز را در مسجد برگزار می کردند و کنار جوان ها می نشستند و روضه حضرت (ع) را گوش می دادند و اشک می ریختند؛ یعنی در این منطقه ایشان انقلابی از حضرت سیدالشهداء (ع) ایجاد کردند و باعث شدند که شخص می آمد و می پرسید آیا این هیئت برای پایین شهر است؟ و ما پاسخ می دادیم نه برای بالای شهر است، این ها منزل آقای مرعشی می روند. من حتی شاهد بودم که جوانانی به تبعیت از «حر» خدمت مرحوم آیت الله مرعشی می آمدند و توبه می کردند.

وی افزود: به هر حال ایشان به عنوان خادم اهل بیت (ع) در این منطقه فرهنگ عاشورایی را اشاعه داد و جدا از این که اهل علم عالمی را از دست دادند، ما هم یک خادم حقیقی حضرت سیدالشهداء (ع) را از دست دادیم. بعد از ایام محرم هم ایشان به روضه امام حسین (ع) علاقه ویژه ای داشتند. به هر حال هر وقت نام امام حسین (ع) می آمد، اشک بر گونه هایشان می

به عنوان فعال امور مساجد، با روحانیون مختلفی آشنایی پیدا کردم، اما آن چیزی که واقعا در مورد مرحوم مرعشی باید بگویم، این است که ایشان عالم به معنای حقیقی کلمه بود. بنده به تشویق شخص ایشان و علاقه خودم، وارد مباحث حقوقی شدم.

عظیمی تأکید کرد: ایشان جدای از شخصیت علمی، شخصیتی داشتند که فقط وابسته به خدا و اهل بیت (ع) بود و من به صراحت می گویم که ایشان به کسی جز خدا و اهل بیت (ع) وابسته نبودند. در همین منطقه خیابان آفریقا ما هیئتی را بنابر تشویق و حضور ایشان، به نام هیئت «انصار الحسین (ع)» که مؤسس آن بودند، در مسجد محسنی تأسیس کردیم.

وی یاد آور شد: با توجه به این که جوان هایی که در این منطقه و منطقه شمیرانات بودند، آشنایی ای با تشکیلات علما نداشتند، در منطقه ای که سابقاً به منطقه جردن معروف بود، ایشان با هیئتی که تأسیس کرد، باعث شده بود که هیئتی در پارک صبا ایجاد شود و ما آن جا خیمه ای از حضرت سیدالشهداء (ع) درست کردیم. طوری شد که شب های عاشورا ۳ تا ۴ هزار نفر جوان به آن جامی آمدند.

عظیمی تصریح کرد: حتی زمانی شخصی از واتیکان آمده بود که برایش

نشست. به من می فرمودند که به دوستان بگویید بیایند و روضه خوان دعوت کنید، تعداد مهم نبود. جمعه شب هاروضه سیدالشهداء (ع) برگزار می شد. یک ماه مانده بود به محرم، می گفتند که امسال برای محرم چه کار کردید؛ یعنی این شور امام حسین (ع) به صورتی عجیبی در وجود ایشان بود.

این وکیل دادگستری در مورد حضور مرحوم مرعشی در انتخابات مجلس خبرگان رهبری گفت: روزی خدمت ایشان

ایشان جدای از شخصیت علمی، شخصیتی داشتند که فقط وابسته به خدا و اهل بیت (ع) بود و من به صراحت می گویم که ایشان به کسی جز خدا و اهل بیت (ع) وابسته نبودند

گروهی بیاوریم. ایشان گفتند من سیاسی نیستم تا وارد حزبی شوم. من همان راه خدا، راه امام و انقلاب و حمایت از مقام معظم رهبری را در پیش دارم و به عنوان تنها کاندیدای مستقل خبرگان رهبری تهران وارد صحنه شدند و جمله ای را به این مضمون گفتند که خبرگان مبتنی بر رهبری است و رهبری مبتنی بر خبرگان است و بعد هم بنده را به عنوان مسئول ستاد معرفی کردند و هر جا که می رفتم چه از مردم عامی و چه دانشجویی و عالمان، در



رسیدم و گفتم حاج آقا برای بحث خبرگان رهبری آیا آمادگی دارید؟ استخاره ای کردند و خیلی هم خوب آمد. گفتند ما حاضریم برای خدا قدم برداریم. گفتم شما عالمی هستید که در درجه اول به خدا وابسته اید و بعد مردم و انقلاب. حضور شما باعث ایجاد شور می شود. ایشان به من گفتند فردا بیایا با هم برویم وزارت کشور ثبت نام کنیم و ما هم این کار را انجام دادیم.

وی افزود: بعد از این جریانات از سوی افراد مختلفی آمدند و گفتند ما می خواهیم از شما اعلام حمایت کنیم و نام شما را در

به هر حال ایشان به عنوان خادم اهل بیت (ع) در این منطقه فرهنگ عاشورایی را اشاعه داد و جدا از این که اهل علم عالمی را از دست دادند، ما هم یک خادم حقیقی حضرت سیدالشهداء (ع) را از دست دادیم. بعد از ایام محرم هم ایشان به روضه امام حسین (ع) علاقه ویژه ای داشتند

همه شوری ایجاد می شد. حتی حاج آقای امجد می گفتند ایشان لنگری است در حوزه. عظیمی در پایان خاطر نشان کرد: به هر حال این ها همه از هیئت حضرت سیدالشهداء (ع) نشأت می گیرد. همین خضوع و تواضع ایشان در میان مردم و هیئت ها باعث بقای انقلاب و نظام بود. هنوز من رحلت ایشان را باور نکرده ام و احساس بی صاحبی می کنم و برای من ضایعه بزرگی در زندگی بود که واقعا کوهی از علم الهی را از دست دادم. افتخار ما این بود که با ایشان از باب اهل بیت (ع) مانوس بودیم.



آیت الله سید محمد حسن مری عینی

در کلام شاکردان

سید محمد صادق موسوی:

آیت الله شوشتری

فقه را به عرصه اجتماع

می آورد و به تمام معنا

اجتهاد می کرد



ماطلبه‌ها که دور ایشان بودیم و در درسشان شرکت می کردیم، متوجه شدیم که برای ایشان تدریس در مرحله ابتدایی تا مرحله عالی تفاوتی ندارد. هر درسی را به ایشان ارائه می دادند، ایشان تدریس می کرد. کم کم محوریت علمی مدرسه عالی شهید مطهری را در قلمروی دروس تخصصی حوزوی به عهده گرفتند. ایشان از همان ابتدا شرح ابن عقیل در ادبیات عرب، مختصر المعانی در بلاغت، حاشیه ملا عبد الله تفتازانی در منطق و به تدریج شرح لمعه، رسائل، کفایه و تا درس خارج را در مدرسه عالی شهید مطهری شروع به تدریس کردند و جالب این است که طلاب وقتی پای درس استادی در درس های مقدماتی شرکت می کنند، تصورشان این است که در همین مقطع ایشان تدریس می کنند و بدیهی است که وقتی درس های بالاتری را استاد بیان می کند، معمولاً خیلی با رغبت شرکت نمی کنند، ولی ما هر چه جلوتر رفتیم، جذب عظمت علمی و اخلاقی آن مرحوم شدیم.

ایکنا: در رابطه با فعالیت های سیاسی ایشان قبل از انقلاب و خدماتی که بعد از انقلاب ارائه داشتند، آیا اطلاعاتی در اختیار دارید؟
به نظرم این ۲۴ سال آشنایی ای که ما با آن مرحوم داشتیم و با ایشان زندگی کردیم، خاطرات فراوانی از این مقوله برای ما می گفتند. من امهات فعالیت های ایشان را فعالیت های علمی می دانم. در عین حال فعالیت سیاسی هم داشتند. ایشان قبل از انقلاب در شوشتر محوریت داشتند، شخصیت های انقلابی آن زمان را که امروز از ارکان نظام هستند به شوشتر برای سخنرانی

دغدغه ها و فعالیت های اجتماعی و سابقه قضایی مرحوم آیت الله مرعشی شوشتری باعث شده بود که ایشان به دنبال این باشد که فقه را به عرصه اجتماع، اجرا و عمل بیاورد و به تمام معنا اجتهاد کند.



«سید محمد صادق موسوی»، عضو هیأت علمی و معاون آموزشی مدرسه عالی شهید مطهری و از شاگردان برجسته مرحوم آیت الله مرعشی شوشتری بود. متن زیر حاصل گفت و گوی ایکنا با ایشان است.



ایکنا: میزان و نحوه آشنایی شما با مرحوم آیت الله «سید محمد حسن مرعشی شوشتری» چگونه بود؟

از شما تشکر می کنم که این قدم بسیار مهم را در شناسایی مرحوم آیت الله مرعشی برداشته اید. آشنایی ما با آن مرحوم از طریق مدرسه عالی شهید مطهری بود. ایشان آن روزی که تشریف آوردند تهران و در دیوان عالی کشور مشغول فعالیت های قضایی شدند، هم زمان دنبال مرکزی برای تدریس بودند. بزرگوار در مدرسه عالی شهید مطهری ایشان را معرفی کردند و از اول با این عنوان به مدرسه عالی دعوت شدند که ادبیات عرب درس دهند و وقتی وارد مدرسه عالی شدند و شرح ابن عقیل را شروع کردند و بعد از آن حاشیه ملا عبد الله در منطق را؛ یعنی درس را از آن مراحل ابتدایی شروع کردند. تصور متولیان مدرسه بر این بود که ایشان برای درس های مقدماتی خوب هستند. ولی خوب ایشان با کمال تواضع این درس را که پذیرفتند، بعدها به تدریج

رسیدند که تمام اختیارات شورارادر ریاست قوه قضائیه متمرکز کردند و پس از این مانع می گیریم که تنها دیدگاه های خاص ایشان باعث نشده بود که ایشان از این منصب کنار بیایند و یا استعفا دهند که آن زمان مرحوم حضرت امام (قدس سره) فرمودند که حالا یک کسی استعفا داده و می رود جای دیگر فعالیت می کند. بله برای این مسئله هم دیدگاه و تئوری مؤثر بود و هم دیدگاه اجرایی که ایشان چندان دیدگاه اجرایی آن چنانی و سابقه اجرایی نداشتند. نه تنها ایشان بقیه هم نداشتند و به هر حال وقتی دیدند در آن جا مفید نیستند، استعفا دادند.

ایکنا: آیا از آرای فقهی ایشان نمونه هایی را سراغ دارید که مخالف مشهور باشد؟

مرحوم آقای مرعشی جولان فکری و ذهنی فوق العاده ای داشتند. ایشان دیدگاه های فقهی که فقهای مشهور در زمان غیبت ارائه کرده بودند که در قالب کتاب ها و تئوری ها و مجموعه موسوعه ماندنی که در قالب ۶۰-۵۰ عنوان کتاب فقهی جمع شده است که فقهای ما به ذوق و سلیقه خودشان هر کدام در عرصه های مختلف شروع کردند، آن عنوان را در قالب درس خارج ارائه دادند که البته غلبه بیشتر با اعمال فردی و شخصی عباد بود؛ مانند: کتاب القضاء، کتاب الجارة، کتاب المضاربة، کتاب القرض که امروزه در بانکداری و چیزهای دیگر قابل استفاده است. خوب با این پیشینه و دیدگاه که مرحوم آقای مرعشی فقیهی بود که در مکتب فقهی تحصیل کرده بود، با آرای مشهور فقها در ارتباط بود و وقتی وارد عرصه قضایی و اجتماعی شد و فقه را در قالب تئوری هایی که امروز می خواهد در اجتماع پیاده بشود، دید، طبیعتاً دچار مشکلاتی می شد و می دید که بعضی از این ها قابلیت اجرایی ندارد.

من نمونه ای از آن را به صورت یک کبرای کلی برای شما ذکر می کنم.

اعتقاد ما بر این است که قاضی باید مجتهد باشد و از شرایط قضاوت اجتهاد است. ایشان امروز در روزگار خودمان بیان می کرد و می گفت اتفاقاً از شرایط قاضی این است که نباید مجتهد باشد؛ چون اگر مجتهد باشد اختلال نظام پیش می آید. شما پرونده ای را در شعبه ای در دستگاه قضایی مطرح می کنید. اگر قرار باشد که این قاضی با شرط اجتهاد بیاید قضاوت کند، رأی می دهد که شعبه هم در عرض او درست خلاف آن رأی را می دهد. خوب نمی شود که در یک جامعه و در یک نظام حکومتی بگوییم که به عدد انفس قضات ما باید آرا و نظار خاص داشته باشیم و هر کدام اجتهاد خودشان را

بیان کنند. اتفاقاً ایشان به این نتیجه رسیده بود که نه، حالا ما می گوییم که این قضات مأذون هستند و ما هم به اجتهاد اعتقاد داریم، خوب همین قضات مأذون الان به قانون عمل می کنند و خودشان نمی توانند به اجتهاد خودشان عمل کنند. اگر قرار باشد که کسی بگوید من این قانون را قبول ندارم، کما این که بعضی از فقها و مجتهدینی که آن زمان از قم آمدند در

دعوت می کردند. ایشان ملجأ و پناهگاه تبعیدشدگان بودند که به شوشتر و خوزستان تبعید شده بودند. ایشان ایذا و اذیت و احضارهای بسیاری از ناحیه ساواک و شهربانی شده بود که این قصه های را برای ما می گفتند. ایشان هم چنین مبلغ و مروج افکار و اندیشه های سیاسی امام راحل (ره) در قبل از انقلاب بودند.

بعد از انقلاب هم وارد کار بسیار خطیری شدند که این کار خطیر در راستای همان کارهای علمی، فقهی و حقوقی ایشان بود و آن ورود به دستگاه قضایی بود. اوایل در اهواز قضاوت می کردند. بعدها که مسئولین عالی رتبه قضایی آن زمان تشخیص دادند که شخصیتی مثل مرحوم آیت الله مرعشی در یک استان کوچک قضاوت می کند، ایشان را به تهران دعوت کردند. اوایل در دیوان عالی کشور و بعدها برای قضات دیوان عالی کشور وارد شورای عالی قضایی در یک دوران بسیار حساس و بحرانی شد؛ یعنی وارد خدمت قضایی در همان زمان بعد از انقلاب شدند و در عین حال کارهای علمی هم می کردند که از جمله تدریس در مدرسه عالی شهید مطهری و در دانشگاه های متعدد بود.

ایکنا: اشاره به فعالیت قضایی ایشان کردید. ایشان گویا بعد از مدتی از شورای عالی قضایی استعفا می دهند و مشهور است که ایشان آرای خاصی در زمینه های فقهی داشتند که با نظر مشهور مخالف بود. آیا این علت استعفای ایشان از شورای عالی قضایی بود؟

استعفای ایشان از شورای عالی قضایی آن طوری که بخشی از آن ها را برای ما می گفت این بود که بعد از مدتی قریب به یک دهه معلوم شد که در شورای عالی قضایی، فعالیت شورایی چندان پاسخ نیازهای دستگاه قضایی را نمی داد. ابتدا بسیار تلاش کردند که کارها را داخل شورا تقسیم کنند، ولی به هر حال این تقسیم مانع از این نشد که افراد بر یک مدار، یک دیدگاه نسبت

به دستگاه قضایی داشته باشند. وقتی ۵ فقیه و عده ای از افراد دیگر در یک مجموعه ای جمع می شدند که همه این ها صاحب نظر بودند و همه این ها خود را متولی اداره دستگاه قضایی می دانستند و ما هم که تجربه قضایی موفقی با سابقه ای به این شکل و شمایل و با این سیستم قضایی اسلامی قبلاً نداشتیم، طبیعی بود که هم در مقام ارائه تئوری و هم در مقام ارائه آرا و نظار و هم در مقام اجرایی دچار مشکلاتی شویم.

اختلاف تنها از دیدگاه آقای مرعشی نبود. دیگرانی هم که در شورای عالی قضایی بودند نسبت به این مسئله اذعان داشتند که در بسیاری از

مسائل با هم اختلاف دارند و اتفاقاً بازنگری قانون اساسی متولیان امر به این مسئله توجه پیدا کردند که آفاتی برای امر شورایی در مسئله قضا هست. در عین حال خوبی های فراوانی هم داشت که به اعتقاد شخصی من اگر آفات و نقائص کارهای شورایی را جبران می کردند، چه بسا امر شورایی در مسئله قضا در بعضی از قلمروها مفیدتر هم بود، ولی به هر حال به این نتیجه

آیت الله مرعشی می گفت:
اتفاقاً از شرایط قاضی این است که
نباید مجتهد باشد؛ چون اگر
مجتهد باشد اختلال نظام پیش
می آید. نمی شود که در یک جامعه
و در یک نظام حکومتی بگوییم که
به عدد انفس قضات ما باید آرا و
انظار خاص داشته باشیم و هر کدام
اجتهاد خودشان را بیان کنند

خودش را می زد. می گفت که راجع به دیات شش گانه، راجع به برد پیمانی و... می توانیم از طریق قانونی مجلس برای این امور وجه ثابتی منظور کنیم که آرایش مؤثر واقع می شد و چیزهای دیگری که در این باب فراوان مطرح می کردند و خوشبختانه چون ایشان فوق العاده فعال بودند، همه این آرا را نوشته و در قالب مقالاتی منتشر کردند.

ایکنا: آیا مرحوم مرعشی تلاشی برای جایگزین کردن فقه اسلامی به جای حقوق جدید که از کشورهای چون فرانسه برگرفته شده است، داشته اند؟
حقوق محصول تجربیات اجتماعی انسان هادر قرون متعدد است، چه در کشورهای که حقوق نوشته ای دارند، مثل فرانسه یا کشورهایی که حقوق نانوشته ای دارند. این ها بالاخره تجربیات بشری است. مرحوم آقای مرعشی حقوق جدید که نخوانده بودند، ولی با مراجعه ای که به دانشگاه ها داشتند، اساتید حقوقی که فوق العاده برای ایشان احترام قائل بودند و مسائلشان را مطرح می کردند، من واقعا با قاطعیت می توانم بیان کنم که مرحوم آقای مرعشی با آزاداندیشی تمام حرف های اینان را گوش می داد و دانشجویان خودش را از غربزدگی و فرهنگ زدگی غربی مخصوصا در عرصه حقوقی بر حذر می داشت.

البته آن ها در عناصری مثل عنصر جرم، عنصر روانی، رشد، رشد جزایی حرف هایی دارند که آقای مرعشی حرف ها را با تأمل نگاه می کرد و بهترین آن ها را انتخاب می کرد و آن ها را با فقه سنتی خودمان تطبیق می کرد و می گفت به اعتقاد من این ها قابلیت تطبیق دارد، اما نه به قیمت این که ما از اصول اولیه خودمان دست برداریم. ایشان فقیه بود، فقیه سنتی و در عین حال نسبت به مسائل نوگرا هم بود، واقعا نوگرا بود. این ها را نگاه می کرد و البته از این تجربیات استفاده می کرد. اعتقادش بر این بود که این ها از متغیرات فقه ماست. این ها قابلیت تأمل دارد و می توانیم فقه سنتی خودمان را به صورت پویا و مدرن در دنیای امروز عرضه کنیم و این را من شهادت می دهم که ایشان تمام تلاشش را کرد و قدم هایی هم برداشت که نمونه آن دیدگاه های جدیدی است که در مسائل فقهی، به ویژه در فقه جزایی عرضه کرد.

ایکنا: در مورد ارتباط ایشان با علامه شهید صدر و ترجمه کتاب «فلسفتنا» و پاورقی های ایشان بر این کتاب نظرتان چیست؟
مرحوم آقای مرعشی جامعیتی داشت که این جامعیت مانع از عمق ایشان نشده بود. معمولا به افرادی که می گویند جامع؛ یعنی عمق چندانی ندارند و در شاخه های مختلف مطالعاتی کرده اند، بدون این که تعمق جدی ای در آن شاخه ها داشته باشند. فقه یعنی فهم عمیق از دین. فهم عمیق از دین را در حیطه کلام متکلمین به ما عرضه کردند. حیطه فهم عالم هستی، وجودشناسی است که فیلسوفان ذکر کرده اند. حیطه ریاضیات، منطق و

دستگاه قضایی مافضاوت کردند، نتوانستند و برگشتند، دیدند از یک طرف باید به قانون عمل کنند و از طرف دیگر به اجتهاد خودشان عمل کنند، خوب در این امر تعارض واقع می شد. یا مطابق اصول و مواد قانونی خودمان در جاهایی که به قانون دسترسی نداریم، عمل می کنیم و یا وقتی میان قوانین تعارض که می بینیم، سراغ آرای مشهور می رویم. آن رأیی که همه فقها عرضه کردند برای جلوگیری از همین اختلال نظام است.

مرحوم آقای مرعشی نسبت به بسیاری از مسائل با این دیدگاه نگاه می کرد. فرض کنید نسبت به تفاوت دیه مسلمان با غیر مسلمان، این در فقه هست، اما در نظام حکومتی وقتی نگاه می کرد و می گفت این آدمی که اهل کتاب است و تابعیت جمهوری اسلامی را پذیرفته چگونه می شود دیه او این قدر و دیه مسلمان آن قدر باشد؟ خوب تئوری می داد و مقاله می نوشت و اتفاقا نظریات او هم بعدها در قالب قانون درآمد یا حالا در قالب مجمع تشخیص مصلحت نظام، با تأییدات و تأکیدات مقام معظم رهبری. این مشکلات و این گره هایی که در عرصه قضایی خودمان ملاحظه می کردیم ایشان بر طرف می کردند و یا این اواخر که بحث بود راجع به حاجبیت مسلمان از غیر مسلمان از مورث کافری که از دنیا رفته است. طبقه اول فرزندان این آدمی که از این دنیا رفته کافر است، در طبقه سوم یک آدمی که حالا در کشور خارجی زندگی می کند و فقط به عنوان این که مسلمان است حاجب می شود که این فرزندان او هیچ ارثی نبرند. خوب این رأی مشهور فقهاست و اجماع بر این مسئله داریم و در قانون ما هم آمده است. ایشان تأکید داشتند که ما نسبت به این مسئله روایت ضعیفی داریم. فقط یک اجماع داریم و جمهوری اسلامی امروز باید نسبت به این مسئله ارائه طریق کند و طرحی را ارائه دهد. گاهی ایشان می گفت از طریق بیمه های اجتماعی، کما این که نسبت به دیه این حرف را می زدند. می گفت این مشکلات را ما باید بر طرف بکنیم.

و یا نسبت به بلوغ، وقتی صحبت بلوغ در دختران و در پسران مثلا با این تفاوت می شد، ایشان می گفت دختری که نه سال قمری اش تمام می شود چگونه می توان آن را بالغ فرض کرد که وادارش کرد روزه بگیرد و نماز بخواند و ازدواج هم بکند که ازدواجش خلاف قانون است و نمی تواند ازدواج بکند و نسبت به سایر جاها هم این گونه بود. می گفت بلوغ یک امر تکوینی است. مقاله نوشت و اعلام کرد. دغدغه های اجتماعی، سابقه قضایی و فعالیت های اجتماعی ایشان باعث شده بود که دنبال این بود که فقه را به عرصه اجتماع، اجرا و عمل بیاورد و البته در بعضی از مواقع در شرایط کنونی روز با تصادم روبه روی می شد و این جابود که با این که زمان و مکان عنصر مؤثر در اجتهاد است، به تمام معنا اجتهاد می کرد. البته جولان فکری او ایجاب می کرد که گاهی آرای متعارضی هم می داد و گاهی آرایش عوض هم می شد، ولی این لازمه اش این نیست که بگوییم ایشان روی مبنای ثابتی استوار نبودند، نه بلکه با مبنای ثابت و با همین عناصر حرف های



است که ایشان زیاد استاد ندیده و نجف هم نرفته بود. به نظر شما این ها از جنبه علمی ایشان می‌گاهد؟

من پاسخ شما را این گونه می‌دهم که این مسئله یک بحث صغروی و یک بحث کبری دارد. سؤال شما کبری است؛ یعنی آیا امکان دارد کسی استاد ندیده باشد. نمی‌شود که ایشان استاد ندیده باشد، اما کم‌استاد دیده است، مثلاً فرض



شیوه تفکر است و حیطه امور اعتباری و عملی هم در قالب اخلاق است و سیاست مدن هم تدبیر منزل. مرحوم آقای مرعشی در تمام این قلمروها تأمل داشت.

البته در بعضی از این ها به صورت تخصصی و عمیق وارد می‌شد و در بعضی موارد دیگر تفنن یا به ذوق و سلیقه خودش وارد می‌شد. مرحوم آقای مرعشی در فلسفه فهم خوبی داشت، اما به عنوان یک

بفرمایید نمی‌توانیم ایشان را با علمای قم که سی سال، بیست سال پای درس خارج مراجع و اعظم نشستند، مقایسه کنیم. مرحوم آقای مرعشی به این میزان استاد ندیده بود. نجف هم به آن معنا که برای تحصیل آن جا عازم شود و مستقر بشود، نبوده، چرا، مدت محدودی برای زیارت رفته و در عین حال برخی از درس‌ها را دیده و شرکت کرده یا وقتی ایام تابستان مشرف می‌شدند به مشهد، پای درس بعضی از اساتید مثل مرحوم آیت الله میلانی هم شرکت می‌کردند.

من این سؤال شما را این گونه پاسخ می‌دهم که امیرالمؤمنین (ع) در کلمات قصارشان در نهج البلاغه جمله‌ای دارند. می‌فرمایند: «العلم علمان؛ علم مسموع و علم مطبوع» حضرت (ع) علم را به دو دسته تقسیم می‌کنند؛ علم مسموع همین است که از استاد می‌شنوی، از جاهای دیگر می‌شنوی، این‌هایی که از بیرون وارد درون انسان می‌شود و علم مطبوع که از درون می‌جوشد و بعد حضرت (ع) خودشان توضیح می‌دهند که معلوم است که باید این علم مسموع مبتنی بر یک علم مطبوع باشد یا علم مطبوع مبتنی بر علم مسموع. نمی‌شود بدون هم باشند، این علم مسموع را لازم داریم. سخن در این است که کسی که سی سال پای درس خارج نشستند، بالاخره باید فرصتی برای تأمل و تعمق هم داشته باشد. نمی‌شود که همه این غذاها را جمع کنید و بعد پالایش ندهید و هضمش نکنید، تأمل نکنید و دروناً جزو شاکله وجودی خودتان قرار ندهید. اگر جزو شاکله وجودی خودتان قرار ندهید، با گذشت زمان این علم فراموش می‌شود. این همان علم مسموع است.

من می‌خواهم این را بیان کنم که اتفاقاً همین اشکال به مرحوم آقای بروجردی را مرحوم مطهری در کتاب «تعلیم و تربیت» خود نقل می‌کند که ایراد می‌گرفتند به مرحوم آیت الله العظمی بروجردی که از فقهای کم نظیر معاصر بوده است. می‌گفتند ایشان استاد کم دیده است و همین بزرگواری که استاد کم دیده بود، در بالاترین مدارج علمی هم تدریس می‌کرد. هم تألیف کرد و هم عرضه کرد و مؤثرترین فقیه زمان خودش بود. مرحوم آقای مطهری

رشته تخصصی که در همین زمینه فقط کار کند، دنبال این کار نمی‌رفت. ایشان مدعی بودند که بیشتر «فلسفتنا»ی علامه شهید صدر برگرفته از پاورقی‌های مرحوم شهید مطهری بر اصول فلسفه است و این هم به خاطر نیاز آن زمان بود که افکار کمونیستی در کشورهای خاورمیانه رواج پیدا کرده بود و ایشان این کتاب را به عنوان پاسخ گویی به جوانان ترجمه کردند. دیدند این پاسخی است که جهان بینی الهی در مقابل جهان بینی مادی دارد. یا مثلاً فرض کنید وقتی «تحفة الحکیم» مرحوم شیخ محمد حسین اصفهانی را می‌دید که شرح خوبی بر آن نوشته نشده است، ایشان به ذوق و سلیقه خودشان بر این کتاب شرح نوشتند. مطالعات ایشان در حیطه فلسفی به همین میزان بود.

گاهی نهایتاً الحکمه تدریس می‌کردند و گاهی منظومه. به هر حال نسبت به این عرصه‌ها بی‌کار نمی‌نشست و همین‌ها را در قالب نوشته‌هایی هم مکتوب می‌کرد و معمولاً این بزرگوار به دلیل پرکاری فراوان، آن چیزی را که درباره اش فکر و مطالعه می‌کرد، می‌نوشت و حاشیه می‌زد. شما به کتابخانه ایشان که وارد شوید، کتابی را نمی‌بینید که ایشان مطالعه کرده و حاشیه نزده است. فلسفه را از این دیدگاه نگاه می‌کردند. به هر رشته‌ای وارد می‌شدند عمیق وارد می‌شدند. البته فلسفه غرب را که زبان بلد نبودند، از همین ترجمه‌ها مطالعه می‌کردند و گاهی هم حرف‌های آن‌ها مؤثر هم واقع می‌شد.

می‌گفت آن‌ها برای ما مسئله می‌آوردند و در فهم مسائل فلسفی خود ما هم به ما کمک می‌کنند. ایشان از این دیدگاه به فلسفه نگاه می‌کردند و به همین میزان به کلام هم فوق‌العاده علاقه مند بودند. به شبهات کلامی مطرح شده پاسخ می‌داد و می‌گفت در زمان خودمان به زبان روز باید به این شبهات کلامی پاسخ دهیم. مرحوم آقای مرعشی این دیدگاه را داشتند. قلم ترجمه‌های ایشان هم در زمان خودش قلم خوبی بود. اگر امروز می‌خواستند ترجمه کنند، طبیعتاً بسیار تفاوت پیدا می‌کرد، زیرا این کتاب را سی سال پیش ترجمه کرده بود.

ایکنا: ایرادی که برخی بر مرحوم آیت الله مرعشی وارد می‌کنند، این

می فرماید بله ایشان اگر استاد کم دیده بود، تأملات و تدبرات عمیقی داشت. اتفاقاً ایشان این را حسن می دانست. بنده اعتقاد بر این است که بله، اگر ایشان کم دیده بود، نجف دیده بود، شاید تفاوت های دیگری به نحو احسن انجام می شد، اما این دلیل بر این نیست که نقص بر ایشان تلقی کنیم، ایشان

استادهایی داشته است. استادهای ایشان را هم من رفتم دیدم. استادان بسیار بزرگی بودند که آن ها استاد دیده بودند و اتفاقاً استادهای خصوصی ایشان بودند. مرحوم آقای آل طیب به خود من گفت ایشان آدم کم نظیری است. ایشان بیمار بودند، در خانه خوابیده بودند و من گفتم از طرف آقای مرعشی آمدم. ایشان چشمش را باز کرد و گفت ایشان



بسیار آدم ملایی هستند و یک آدمی مثل مرحوم آیت الله آل طیب چنین سخنی در مورد ایشان گفتند یا مرحوم آقای جزایری که استادهای بزرگی دیده بود. مرحوم آقای مرعشی استاد کم دیده بود، ولی تأملات جدی ای داشت و تدریس کرده بود. البته معلوم است که اگر در یک محیط بزرگ تری بود، شکوفایی بیشتری پیدا می کرد.

ایکنا: آیا خاطره ای بیاد ماندنی از مرحوم مرعشی دارید؟

ما ۲۴ سال با ایشان زندگی کردیم و حق فوق العاده عظیمی بر گردن همه ما به ویژه من دارد که متأسفانه وقتی این نعمت از دستمان رفت، فهمیدیم که چه فاجعه عظیمی رخ داده است. ایشان به تمام معنا یک دائرالمعارف بود. مادر هر زمینه ای که دچار مشکل بودیم، شب، نصف شب، اگر بیدار بود، صبح بعد از نماز

صبح، زنگ می زدیم و مشکلاتمان را برطرف می کردیم. از ادبیات، اصول، فقه، فلسفه و حقوق؛ در همه این ها حضور داشت. خوب طبیعی است در این ۲۴ سال همه زندگی ایشان برای ما خاطره بود، ولی در آخرین مورد برای من از عجایب بود، نه از دید ایشان. من پسری دارم که اول راهنمایی است، ایشان را آوردیم این جاپیش مدیر خدمات آموزشی مایک مقدار کار بکنند، رویش باز شود، محیط را بشناسد و با افراد برخورد کند.

خوب پیش مدیر خدمات آموزشی مان آقای عترتی کار می کرد. نامه هارا این طرف و آن طرف می برد. نامه می برد پیش آقای مرعشی و نامه می آورد پیش من امضای گرفت. بسته هایی که می آمدم می داد.

همان دو سه روز نگذشته بود که ایشان مرا خواست. این صحبت برای یک ماه پیش است، دو هفته قبل از رحلتشان. ایشان مرا خواست و گفت این کارها چیست که می کنی؟ گفتم خوب این پسر است و می خواهم کار بکنم. همه ما تابستان ها کارگری می کردیم، گوسفند به صحرامی بردیم. واقعا این طوری

ما درس خواندیم، کار کردیم، خوب این یک مقدار باید یاد بگیرد. گفت نه، ایشان بیاید پیش من، من برای ایشان ادبیات عرب درس می دهم.

من که پدر اویم، الان به من بگویند بیا برای او ادبیات عرب درس بده، خدا می داند اگر واقعا تحت فشار قرار نگیرم، این کار را نمی کنم، می روم یک طلبه ابتدایی پیدا می کنم و

می گویم تو بیا این جا درس بده به او. فقیهیی به این جامعیت به یک دانش آموز اول راهنمایی ۱۲ ساله، می گوید بیاید من به او ادبیات عرب درس دهم. ادبیات عرب یعنی چه؛ یعنی از همان ابتدا که «ضرب» چیست، می

خواهد برایش درس دهد و این حاکی از عظمت روحی چنین بزرگواری است که برای او فرقی نمی کند که به چه کسی درس می دهد. مرحوم آقای مرعشی چنین دیدگاه و عظمت روحی داشت. خداوند او را با اجداد طاهرینش (ع) محشور کند.

ایشان به تمام معنا عالم بود. عالم به لحاظ نظر و عالم به لحاظ عمل. «ثمره العلم، التواضع» تواضع فوق العاده ای داشت. ابدا اقبالی به دنیا نداشت. در همان اتاقت کوچک پایین، عمر خودش را گذراند و هیچ موقع اصرار نداشت که حالا ما اتاقتی بزرگ تر برایش قرار دهیم. همه عمرش را آن جا گذراند.

تابستان این جابه طلبه ها ریاضی درس می داد. مجتهد به تمام معنا بود. آدمی بود که به لحاظ تفکر و نظر عالم بود و به لحاظ عمل هم عالم. شاگرد پروری داشت. تواضع و روحیه علمی داشت. شما با یک عالم بزرگواری اگر نیم ساعت بحث کنید، بعد از نیم ساعت حوصله ادامه بحث را ندارد.

شما با ایشان می توانستی ۴ ساعت بنشین و بحث کنی و هیچ موقع نمی گفت که چرا این طوری حرف می زنی؛ یعنی علم و معرفت در وجود او ریشه دوانیده بود. علم مطبوع داشت و علمش تنها علم مسموع نبود. این خصوصیات اخلاقی و علمی در وجود ایشان ملکه شده بود.

رحمه الله علیه.

ایشان به تمام معنا عالم بود. عالم به لحاظ نظر و عالم به لحاظ عمل. «ثمره العلم، التواضع» تواضع فوق العاده ای داشت. ابدا اقبالی به دنیا نداشت



محمد روشن:

آیت الله مرعشی شوشتری دارای حریت علمی بود

کرد که درسی را بگذارند، اگر ایشان آن فرد را فردی مستعد می یافت و در واقع او را طالب محسوب می کرد و او را طلبه می دانست، درس را تشکیل می داد. این که مرحوم مرعشی شوشتری چه عنوان درسی ای را تدریس کند، هیچ گاه برای خودش یک شأن این گونه قائل نبود؛ مثلاً برای او مهم نبود که «صرف میر» بگوید یا «صمدیه». من خاطر هست که در مدرسه عالی شهید مطهری ایشان هم صمدیه تدریس کردند و هم بارها و بارها درس خارج فقه و اصول. من به واسطه راه یابی به مدرسه عالی شهید مطهری با این استاد بزرگوار آشنا شدم و در آن زمان ایشان عضو شورای عالی قضایی سابق بودند.

ایکنا: آیا در مورد سابقه سیاسی و فعالیت های سیاسی ایشان در گذشته اطلاعاتی را در دست دارید؟

اطلاعاتی که من می دانم از طریق آیت الله موسوی جزایری شنیدم و خود ایشان گاهی اشاره می کردند، این بود که به لحاظ جانبداری از مرحوم حضرت امام (ره) و اعتراض به تبعید ایشان به نجف اشرف، گاهی اوقات تلاش هایی را در شهرستان شوشتر انجام داده بودند و همین تلاش ها برخی اوقات سبب شده بود که برای ایشان از سوی رژیم پهلوی هم مزاحمت هایی ایجاد شود. ولی به تفصیل و دقیق اطلاعات خاصی ندارم.

ایکنا: با توجه به این که ایشان خوزستانی بودند و غالباً طلبه های خوزستانی وارد حوزه نجف اشرف می شوند، چرا ایشان در حوزه نجف کم

آیت الله مرعشی شوشتری بیشتر عقل گرا بود و هر تئوری ای را - از هر تئوریسین فقیه و غیر فقیه - بدون توجه به این که صاحب تئوری کیست، اظهار می کرد و خودش را در قید و بند مشرب خاصی قرار نمی داد؛ او دارای حریت علمی بود.



«محمد روشن»، رئیس دانشگاه سوره، عضو هیئت علمی پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی و از شاگردان مرحوم آیت الله مرعشی شوشتری است. متن ذیل حاصل گفت و گوی ایکنا با ایشان است.

ایکنا: سابقه آشنایی شما با مرحوم آیت الله مرعشی شوشتری از چه طریقی بود؟

سابقه آشنایی من با ایشان بر می گردد به این که من از سال ۶۳ برای تحصیل به مدرسه عالی شهید مطهری راه پیدا کردم. در آن زمان، ایشان یک سالی بود که از شوشتر به تهران آمده بودند و در تهران حلقه درس حوزوی خود را تشکیل داده بودند.

آن سال هابه خاطر این که طلاب مدرسه عالی شهید مطهری هنوز دروسی را می خواندند که در سال های اول، دوم و یا حداکثر سوم حضورشان در مدرسه بود، ایشان هم درس هایی را متناسب با نیاز آن دسته از طلابی که در مدرسه حضور داشتند، ارائه می فرمودند. یکی از نکته های جالب و ویژگی های بسیار مثبت ایشان این بود که وقتی طالب علم نزد ایشان می رفت و درخواست می

ماندند؟

البته من چنین مقایسه ای را خودم انجام ندادم که ببینم چه تفاوت های آشکاری دارد، اما به هر شکل ایشان از هر دو سرچشمه استفاده کرده بودند تا جایی که در دوره ای که مانند ایشان بودیم، وقتی که آرای علامه طباطبایی را نقد می کردند، معلوم بود که ایشان تسلط خوبی بر آرای علامه دارد، اما این که چه تفاوت هایی بین این هاست، آن را من مقایسه ای نداشتم.

ایکنا: آیا مرحوم شوشتری مستقلا در فلسفه صاحب نظر خاصی بود؟ ایشان اصولا از چه مکتبی در فلسفه پیروی می کردند؟
بیشتر می توان گفت که ایشان در حوزه فلسفه احاطه کامل داشتند، اما آن چیزی که ایشان در آن صاحب نظر بودند بیشتر در زمینه های فقه و بعد هم فقه جزایی شیعه بود.

ایکنا: ایشان در فقه اسلامی تربیت یافته چه مکتبی بودند و در این مسیر بیشتر از چه کسانی پیروی می کردند؟
یکی از ویژگی هایی که باز فکر می کنم مرحوم آیت الله سید محمد حسن مرعشی شوشتری را از دیگران متمایز می کند، این است که او بر آرای هیچ کس جمودی نداشت و او با یک آزاداندیشی کامل، آرا را بررسی و اظهار نظر می کرد. استنباط من از تفکر ایشان این است که ایشان بیشتر عقل گرا بود و هر تئوری ای را، از هر تئورسین فقیه و غیر فقیه، وقتی که مطالعه می کرد، بدون توجه به این که صاحب تئوری کیست، اظهار می کرد و به نظر من خودش را در این قید و بندها که حتما تابع یک مشرب خاصی باشد، نمی دانست.

ایکنا: با توجه به این که مرحوم آیت الله مرعشی شوشتری در علم حقوق هم تخصص داشتند، آیا نظری خلاف مشهور هم ابراز می کردند؟

بله، ایشان نظرات خلاف مشهور هم داشتند و در برخی از موارد هم حتی در غیر محافل علمی از اظهار نظرهایی که گاهی اوقات ممکن بود منشأ سوء استفاده شود و برای اغراض دیگری از آن استفاده شود، خودداری می کردند؛ یعنی گاهی اوقات نظرات غیر مشهوری را بیان می کردند که تا این حد ممکن بود در تضاد با نظر مشهور باشد. اما روی هم رفته تبحر دیگری که داشتند، این بود که گاهی اوقات آرای مشهور را که در دوره ای وجود داشت، استخراج می کردند، در حالی که این آرا در عصر حاضر متروک بود.

برای نمونه یکی از آن ها را عرض می کنم و آن نظریه ای است که فکر می کنم در ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی در مورد ولایت پدر و جد پدری بر نکاح دختر باکره ریشه است که اتفاقا قانون مدنی در این جانظر خلاف مشهور سخن گفته و همین هم تا حدودی باعث شده که این ماده قانونی مورد انتقاد قرار گیرد. اما ایشان با احاطه ای که بر نظرات فقهی فقها داشتند، دریافتند که این نه تنها نظر مشهور نیست، چون ما

یکی از ویژگی هایی که مرحوم آیت الله مرعشی شوشتری را جزو نوادر می کند، اتفاقا همین است که ایشان در حوزه ای مثل شوشتر شروع به تحصیل می کنند، ولی الحمدلله در خشننگی علمی که پیدای می کنند، حتی در برخی از تئوری ها و نظریه هایی که دادند، جهان تشیع را هم توانسته است تحت تأثیر قرار دهد. این در واقع نشان از این دارد که آن مرحوم سرچشمه های علمی و معنوی فقهی، اصولی و کلامی که در شوشتر وجود داشت، خوب توانسته بود از آن سرچشمه های علمی و معنوی خودش را سیراب کند و از آن ها استفاده های خوب ببرد.

از سوی دیگر اساتید ایشان هم چون مرحوم آیت الله حکیم، مرحوم آل طیب هم وقتی ایشان را قابل تشخیص داده بودند، از هیچ چیزی برای این شاگردشان دریغ نمی کردند. من در خاطرات ایشان از خودشان شنیدم که گاهی اوقات در روزهای گرم تابستان که ایشان به علت گرمای بیش از حد شوشتر نمی توانستند به محضر درس استاد حاضر شوند و با توجه به صغر سنی که داشتند، استاد ترجیح می داد که بیاید نزد شاگرد و درس را ارائه کند که این نشان از این دارد که استاد هم فهمیده بود که این طلبه، طلبه قابل است.

ایکنا: چه شد که مرحوم شوشتری به سراغ ترجمه کتاب «فلسفتنا»ی شهید سید محمد باقر صدر رفتند؟ و آیا اساسا ارتباطی میان شهید صدر و ایشان وجود داشت؟

بیشتر از لحاظ معنوی می توان این رابطه را تعریف کرد و از سوی دیگر نیاز نسل جوان به فلسفه اسلامی. اگر شما برگردید، می بینید در زمانی این کتاب ترجمه شده است که ما نیاز داشتیم تا تئوری های فلاسفه اسلامی معاصر را تبیین کنیم و عدم آشنایی برخی از دانشجویان و جوانان این مرز و بوم با زبان عربی، مانع از این شده بود که از این سرمایه معنوی بهره بگیرند و لذا ایشان به عنوان تشخیصی که داشتند، آمدند و این کار را انجام دادند.

البته ایشان تنها کتاب «فلسفتنا» را ترجمه نکردند، بلکه کتاب «بداية الحکمه» و «نهایة الحکمه» علامه طباطبایی را هم به زبان عربی شرح کردند و علاقه مند به فلسفه بودند و برخلاف برخی از حوزویان که به فلسفه نزدیک نمی شوند، ایشان از آن گروهی بودند که به فلسفه نزدیک می شدند و اعتقاد داشتند و به دلیل احاطه ای که به فلسفه داشتند به کلام هم تسلط خوب و مناسبی پیدا کرده بودند و از سوی دیگر با همین تفکر، اصول فقه را هم بسیار خوب تبیین می فرمودند.

ایکنا: ارزش پاورقی هایی که مرحوم شوشتری بر کتاب «فلسفتنا» زده اند و در واقع بیشتر مقایسه بین «اصول فلسفه و روش رئالیسم» علامه طباطبایی و کتاب «فلسفتنا» هست، چه اندازه است؟

یکی از ویژگی هایی که باز فکر می کنم مرحوم آیت الله سید محمد حسن مرعشی شوشتری را از دیگران متمایز می کند، این است که او بر آرای هیچ کس جمودی نداشت و او با یک آزاداندیشی کامل، آرا را بررسی و اظهار نظر می کرد

یعنی ایشان هیچ گونه تبلیغی برای خودشان برای ورود به مجلس خبرگان انجام ندادند. وقتی که من با ناراحتی به ایشان زنگ زدم به اهواز که ما برای شما کلی زحمت کشیدیم و در دانشگاه های تربیت مدرس و شهید بهشتی برای شما جلسه گذاشتیم و بالاخره اگر شما نیاید سخنرانی کنید، نمی شود و ... ایشان گفتند فعلا که من در اهواز هستم و هر چه که ما ابراز ناراحتی می کردیم که شما



تشریف بیاورید تهران تا برای خودتان تبلیغی صورت گیرد، ایشان تشریف نیاوردند و شبی که تبلیغات انتخاباتی ممنوع می شد، به تهران تشریف آوردند.

گزارش آرا به ایشان جالب بود. ما چون علاقه مند بودیم که ایشان رأی بیاورند، وقتی که آرای هر صندوقی شمرده می شد و ما از آن مطلع می شدیم، آرای ایشان را یادداشت می کردیم و فکر می کردیم همان طور که برای ما مهم است و هیجان می آورد، برای ایشان هم مهم باشد و هیجان بیاورد. چون در زمانی ایشان ردیف هشتم لیست رأی آورندگان از ۱۶ نفر قرار گرفته بودند. زمانی که ما با یک هیجان خاصی رفتیم خدمت ایشان و تاسلام کردیم، گفتیم حاج آقا الحمدلله خیلی وضع خوب است و شما نفر هشتم هستید، فکر می کردیم ایشان می گوید چندتا رأی آوردم، از چندتا صندوق این تعداد رأی را آوردم، شرایطم چطوری است، ایشان فقط یک کلمه گفتند خوب.

باز ما که هنوز در فضا نبودیم با هیجان خودمان دور باره توضیح دادیم که حاج آقا از این تعداد صندوق شما هشتم شدید و ان شاء الله به مجلس خبرگان راه پیدا خواهید کرد و همین مسائل را که توضیح می دادیم، اصلا ایشان توجهی به توضیحات ما نمی کرد و آخر بار هم که شمارش نهایی بود، همان موقع منزل ایشان بودم و خدمت ایشان بودم؛ چون عملا مسئول ستاد انتخاباتی ایشان بودم و گزارش ها را خدمت ایشان می دادم، ایشان هیچ گونه رغبتی برای شنیدن گزارش ها از خودشان نشان نمی دادند و از خبرهایی که به نظر من خیلی هیجان آور و مثلا خوب بود هم به هیجان نمی آمدند. آخر الامر آن لحظه ای که قطعی شد که ایشان به مجلس خبرگان راه یافتند، ما با خوشحالی زیاد بلند شدیم که مثلا با حاج آقا روبوسی کنیم، اصلا ایشان با ما طوری رفتار کرد که ما از روبوسی منصرف شدیم و نشستیم سر جایمان. این خاطره ای بود که من از ایشان داشتم.

معتقدیم که قانون مدنی از نظر مشهور فقها پیروی کرده است - بلکه این جا اتفاقا خلاف نظر مشهور هم هست.

ایکنا: آیا مرحوم آیت الله شوشتری اختلاف و تناقضی را میان فقه سنتی اسلامی و حقوق جدید دیده اند تا ابراز نظری در این رابطه داشته باشند؟

من مواردی را سراغ دارم که ایشان در حوزه حقوق جزا در بخش حدود، قصاص و دیات نظرات خاصی داشتند که با قوانین موضوعه مغایرت داشت؛ یعنی با قوانینی که اکنون به عنوان قانون جزا مطرح است، مغایرت دارد.

ایکنا: آیا خاطره ای بیاد ماندنی از خلیات یا مباحثات علمی ایشان در خاطر دارید؟

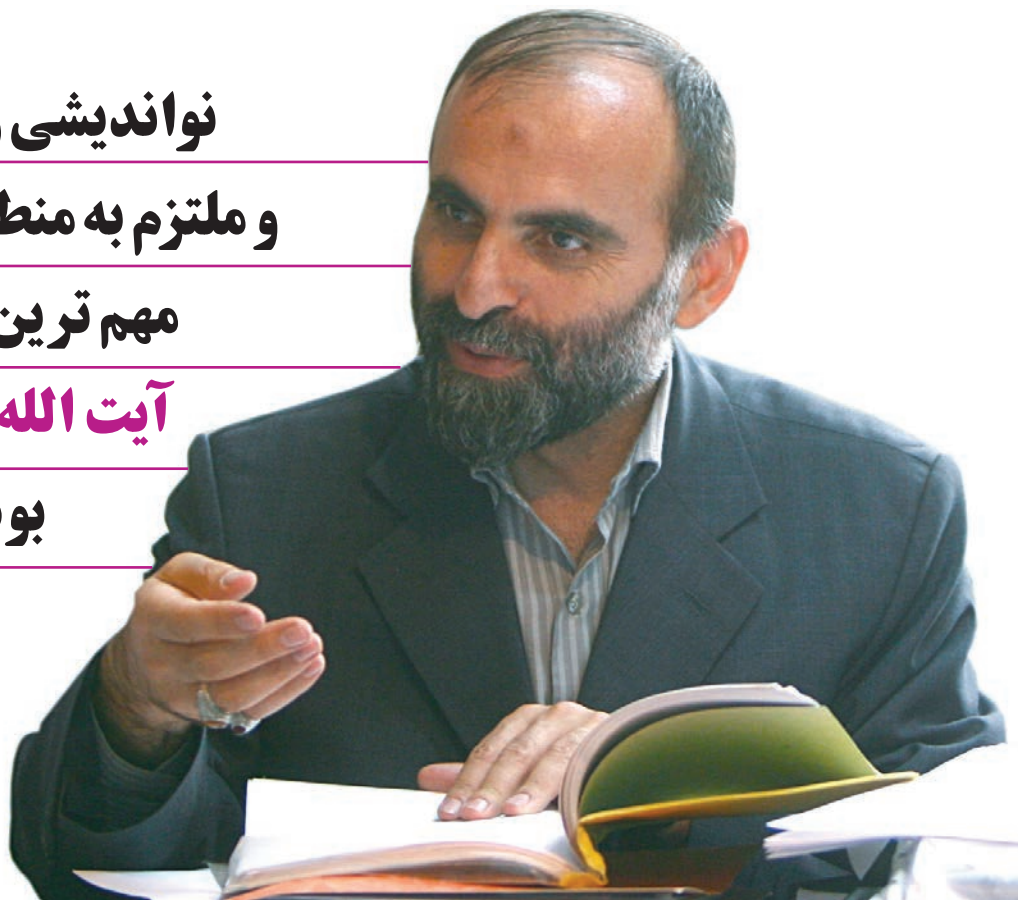
ایشان برای مجلس خبرگان رهبری دوره فعلی از شهر تهران نامزد شدند. زمانی که ما متوجه شدیم که ایشان نامزد شدند، با تعدادی از شاگردان قدیمی و اعضای هیئت علمی دانشگاه خدمت ایشان رسیدیم. وقتی خدمت ایشان مشرف شدیم به ایشان عرض کردیم که شما وقتی خواستید نامزد شوید، چرا ما را خبر نکردید. ایشان فرمودند که من احساس تکلیف کردم و رفتم نامزد شدم و لزومی نداشت کسی را خبر کنم.

از ایشان سؤال کردیم که با توجه به این که شما مورد حمایت هیچ یک از احزاب و گروه های سیاسی قرار نگرفته اید، ممکن است رأی نیاورید و ما نگران هستیم. ایشان تعبیری گفتند که از یک منظر خیلی زیبا بود. گفتند به جهنم. گفتیم اگر رأی نیاورید بد می شود، گفتند برای من بد نمی شود، من تکلیفی داشتم و رفتم نامزد خبرگان شدم، حالا یا رأی بیاورم یا رأی نیاورم. من عملا مسئول ستاد تبلیغاتی ایشان در مجلس خبرگان رهبری بودم. برنامه ریزی کردیم که این چند روزی که برای معرفی آیت الله مرعشی شوشتری به مردم استان تهران فرصت داریم، از این زمان استفاده بهینه کنیم. آمدیم برای خودمان برنامه ای با عرض و طولی معین معلوم کردیم. معلوم کردیم که ایشان در چه زمان هایی باید در چه دانشگاه ها و یا در چه مراکز پرجمعیتی سخنرانی کنند.

بعد از این که تبلیغات رسمی مجلس خبرگان رهبری شروع شد، ایشان به اهواز تشریف بردند و روز آخری که تبلیغات تمام شد به تهران تشریف آوردند؛

بعد از این که تبلیغات رسمی مجلس خبرگان رهبری شروع شد، ایشان به اهواز تشریف بردند و روز آخری که تبلیغات تمام شد به تهران تشریف آوردند؛ یعنی ایشان هیچ گونه تبلیغی برای خودشان برای ورود به مجلس خبرگان انجام ندادند

نواندیشی روش مند و ملتزم به منطق استنباط، مهم ترین ویژگی آیت الله مرعشی بود



اسلامی را اعطاء می کند، روشن بینی اجتماعی، که با درک صحیح زمان و مکان حکم الهی را از منابع اولیه به عالم اسلامی بدست می دهد و نظم و تعهد به کلاس و بحث هایی که دایره می کرد، همه این ویژگی ها از او شخصیتی را متجلی می سازد که می توان او را یک معلم واقعی و استاد حقیقی تلقی کرد.

■ **ایکنا:** شما چه علوم را نزد ایشان فرا گرفته اید؟

ما از محضر ایشان، فقه، اصول فقه و فلسفه را آموختیم. بدایه الحکمه مرحوم علامه طباطبایی، بخش های مهمی از رسائل شیخ انصاری و برخی مباحث فقهی را از ایشان فرا گرفتیم و هر مسئله علمی دشوار را با ایشان مطرح می کردیم. و معمولاً پاسخ ایشان برای ما ارزش علمی بالایی داشت.

■ **ایکنا:** در مباحث فلسفی از چه گرایش بر خوردار بودند؟

ایشان شرحی بر بدایه الحکمه مرحوم علامه نوشته بودند و آن را برای مادر درس بدایه الحکمه تدریس می فرمودند. مذاق فلسفی ایشان مشائی بود و گرایش به حکمت مشاء داشتند.

■ **ایکنا:** مهم ترین آثار ایشان از نظر علمی چه آثاری است؟

ایشان در علوم مختلف اثر دارند. به عنوان مثال شرح کتاب الفیه ابن مالک که مهم ترین متن تحصیلی ادبیات عرب تقلی می شود یا شرح بر تلخیص مختصر المعانی در علوم بلاغی از جمله تألیفات در زمینه ادبیات عرب است یا

نواندیشی روش مند و ملتزم به منطق استنباط و اجتهاد عمیق، مهم ترین ویژگی علمی مرحوم آیت الله «سید محمد حسن مرعشی» بود.

متن زیر مشروح مصاحبه ایکنا با دکتر «سید ابوالقاسم نقیبی»، معاون پژوهشی، عضو هیئت علمی مدرسه عالی شهید مطهری و از شاگردان مرحوم آیت الله «سید محمد حسن مرعشی» است که در مورد آثار و آرای مرحوم مرعشی با ما به گفت و گو نشست.



■ **ایکنا:** جناب آقای دکتر نقیبی جنابعالی از شاگردان مرحوم آیت الله مرعشی بوده اید و خود از اساتید مدرسه عالی شهید مطهری هستید، معیارهای استادی ایشان را در چه عناصری می دانید؟

مرحوم آیت الله سید محمد حسن مرعشی از ویژگی هایی برخوردار بوده اند که می تواند ایشان را به عنوان یک الگودر تعلیم و تربیت ارائه دهد. نخست درک محضر اساتیدی بزرگ چون آیات محمد حسن آل طیب، سید محمد تقی حکیم، علامه شیخ محمد تقی شوشتری و سید محمد جزایری بود. نبوغ و استعداد فوق العاده در فراگیری دانش دیگر مزیت ایشان بود. همت و تلاش کم نظیر و مداومت در فراگیری، تدریس، تحقیق در تمامی ایام سال اعم از روزهای تحصیلی رسمی و غیر آن از خصیصه های ایشان بود. ژرف اندیشی و اجتهاد عمیق در مسائل اسلامی، تواضع و فروتنی علی رغم دانش گسترده و فراوان، وسعت و تنوع دانایی در شاخه های علوم اسلامی اعم از فقه، اصول، ادبیات، فلسفه، منطق که به عالم توانایی بهره گیری از همه ظرفیت معارف متنوع

ایکنا: مهم ترین ویژگی علمی استاد به نظر شما چه ویژگی است؟
در مدرسه عالی شهید مطهری ده ها عنوان پایان نامه زیر نظر استاد به عنوان استاد راهنما یا مشاور به انجام رسیده است و بیش از هفتاد عنوان پایان نامه در کارشناسی ارشد و دکتری را راهنمایی و یا از طریق مشاوره هدایت کرده اند. تصور می کنم مجموع پایان نامه ها که ایشان راهنمایی یا مشاوره کرده اند بیش از یکصد پایان نامه در دانشگاه های کشور باشد.

ایکنا: نواندیشی و دیدگاه های نو ایشان در قلمرو خاصی است؟
شاید نواندیشی روشمند و ملتزم به منطق استنباط و اجتهاد عمیق مهمترین ویژگی علمی ایشان است استاد مرعشی یک فقیه نواندیش و دارای مبنای اجتهادی مستحکم بوده اند آرای فقهی و نظریات حقوقی ایشان از نواندیشی عالمانه حکایت دارد.

ایکنا: آثار ایشان در فقه جزایی چه جایگاهی در میان حقوقدانان و قضات دارد؟

مهم ترین زمینه رایبه دیدگاه های ایشان، مسائل فقهی است. در مسائل فقهی اعم از معاملات و عبادات مباحثی را نوشته اند ولی بیشترین نواندیشی ایشان در زمینه مسائل فقه جزایی است و دیدگاه های ایشان در دو مجلد با عنوان «دیدگاه های نودر حقوق کیفری اسلام» چاپ شده است.

دیدگاه های فقهی ایشان که با روش اجتهادی و همراه با موضوع شناسی و ملاحظات مقتضیات زمان و مکان رایبه شده است از عمق کافی و کاربرد در قانونگذاری و قضایی برخوردار است؛ چون مسائل مستحدثه در آن با دقت فقهی و کارشناسی قضایی مورد بررسی قرار گرفته است. آرای ایشان از ناحیه حقوقدانان به عنوان آرای مرجع و شخصیت علمی ایشان در زمینه فقه جزایی به عنوان شخصیت مرجع علمی تلقی شده است. معمولاً حقوقدانان به آثار و آرای ایشان استناد می کنند.

ایکنا: اگر صلاح می دانید وارد برخی مسائل فقهی شویم و آرای ایشان را بررسی می کنیم؟
البته بررسی آرای ایشان که با چنین گفت و گویی ممکن نیست، ولی می توان به صورت اجمالی برخی از آرا را از آن یاد کرد.

ایکنا: شنیده شده است که ایشان در زمینه بلوغ نظر خاصی داشته اند. دیدگاه ایشان در زمینه بلوغ چه بوده است؟

استاد معتقد بودند مراد از بلوغ در اسلام بلوغ جنسی است؛ یعنی رسیدن پسر و دختر به سنی که قوای تناسلی آنان به حد کمال رسیده باشند و به طور طبیعی بتوانند تولید نسل کنند و اگر به این حد از کمال نرسند، بالغ نیستند و احکام تکلیفی و وضعی متوجه آنان نمی شود.

شرحی بر «بداية الحکمه» و «نهایة الحکمه» علامه طباطبایی، شرح بر تحفة الحکیم شیخ محمد حسین کمپانی در حکمت متعالیه، شرح بر تعلیقات ابن سینا یا ترجمه فلسفتا شهید صدر از جمله آثار فلسفی اوست یا تعلیقه بر تمهید القواعد ابن ترکه و تعلیقه بر فصوص الحکم ابن عربی از جمله آثار عرفانی ایشان است. در منطق نیز شرحی بر تهذیب المنطق تفتازانی به زبان فارسی دارند. حاشیه بر رسائل شیخ انصاری، حاشیه بر کفایه الاصول آخوند خراسانی، شرحی بر حلقه سوم اصول فقه شهید صدر و نوشته درس خارج اصول از جمله تألیفات اصولی او بشمار می آیند و در زمینه دانش فقه آثار متنوعی دارند، شرح بر ارشاد الاذهان علامه حلی و مقالات فقهی با ارزش که در مجلد در کتاب «دیدگاه های نودر حقوق کیفری اسلام» چاپ شده است و مقالات دیگر که در مجلات علمی چاپ شده است. شاید همین مقالات چاپ شده در دیدگاه های نو و مجلات مؤثرترین آثار ایشان بوده است. ولی از آثار فقهی شرحی که بر ارشاد الاذهان علامه حلی نوشتند، منقح ترین اثر او است.

ایکنا: جایگاه علمی استاد در نزد حقوقدانان و قضات را چگونه ارزیابی می کنید؟

شرحی بر قانون مجازات اسلامی نوشته اند که با همین عنوان چاپ شده است. علاوه بر آن در برخی مقالات علاوه بر مباحث فقهی، مواد قانونی را نیز مورد نقد و بررسی قرار داده اند. بخش قابل توجهی از آرای مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه نیز متأثر از اندیشه های حقوقی آن مرحوم است.

ایکنا: آیا آماری از پروژه های پژوهشی که زیر نظر استاد مرعشی انجام

گرفته، دارید؟

ایشان شخصیت علمی برجسته قوه قضاییه بوده اند چنان که قضات کشور ایشان را به عنوان عضو شورای عالی قضایی انتخاب کردند و آرا و نظریات ایشان همواره مورد توجه حقوقدانان در دکتترین های حقوقی و قضات در آرای قضایی بوده است. برخی از مواد قانونی نیز تحت تأثیر آرای فقهی ایشان تدوین شده است.

ایکنا: در مدرسه عالی شهید مطهری آماری دارید رایبه کنید؟

استاد در دانشگاه های مختلف تدریس داشته و پایان نامه های متعددی را به عنوان استاد راهنما یا استاد مشاور اداره کرده اند، به نظر می رسد استقصای همه آن ها نیاز به مراجعه به همه دانشگاه های مهم مانند دانشکده حقوق و علوم سیاسی و دانشکده الهیات دانشگاه تهران، مدرسه عالی شهید مطهری، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه امام صادق (ع)، مرکز تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه مفید و دیگر دانشگاه های بزرگ کشور دارد.



ایکنا: اگر چه به سن ۹ سالگی رسیده باشند؟

بله، دختران در ۹ سالگی هر چند ممکن است تکامل جنسی و غریزی پیدا کنند، اما با توجه به این که غالباً دختران در این سن به حد بلوغ نمی رسند و بلوغ در سن ۹ سالگی یک بلوغ زودرس است، نمی توان سن ۹ سالگی را اماره بلوغ دانست؛ زیرا اماره وقتی محقق می یابد که دائمی یا حداقل غالبی باشد.

ایکنا: ایشان در باره روایات مربوط به بلوغ

دختران در ۹ سالگی چه پاسخی ارائه کرده اند؟
استاد می فرمودند این روایات رانمی توان عمل کرد؛ زیرا اولاً با روایات دیگر سازگار نیستند. ثانیاً با واقعیت خارجی غالباً مطابقت ندارند. ثالثاً با مدارکی که در قرآن برای بلوغ ذکر شده است که رسیدن به حد احتلام باشد، هماهنگ نیستند. بنابراین تنها در فرضی می توانیم به روایات مذکور عمل کنیم که ثابت شود دختری در سن ۹ سالگی به حد بلوغ جنسی رسیده است.

ایکنا: استاد در زمینه نقش دختر باکره بالغه رشیده در امر ازدواج چه نظری داشتند؟

همان طوری که استحضار دارید در زمینه نقش دختر باکره بالغه رشیده در امر ازدواج شش قول در بین فقهای امامیه مطرح است، استاد از میان آن شش قول، قول استقلال دختر باکره بالغه و رشیده را در ازدواج پذیرفته اند.

ایکنا: روایاتی نیز وجود دارد که در آن ها امر ازدواج را به دست ولی می داند ایشان چگونه این روایات را با قول مذکور جمع کرده اند؟

ایشان معتقدند مقتضای جمع بین ادله این است که بگوئیم روایاتی که بر اعتبار رضایت پدر و بانفی اعتبار اذن دختر و یا استقلال پدر دلالت دارند هر چند اطلاق دارد؛ یعنی بر ولایت ولی بر دختر به نحو مطلق؛ یعنی اعم از این که بالغ یا رشید باشد یا نباشد، دلالت دارد، ولی با توجه به روایاتی که دختر را پس از رسیدن به حد بلوغ و رشد مستقل می داند، می توان اطلاق روایات دسته اول را تقیید کرد به موردی که دختر به حد بلوغ رسیده باشد، اما به حد رشد نرسیده است. هم چنین می تواند اطلاق استقلال دختر را بر دختری حمل کرد که رشیده باشد. و روایات معتبره ای نیز بر استقلال دختر در حال بلوغ و رشد دلالت دارد. روایات که تیب را مستقل در ازدواج می داند نیز به خاطر همین است که دختر تیب غالباً رشیده است.

ایکنا: از استاد مقاله «تطبیقی بین مصلحت نظام در قانون اساسی جمهوری اسلامی و مصالح مرسله» چاپ شده است. او اختلاف و نزاع در ارتباط با مصالح مرسله را چگونه می داند؟

در آن مقاله ایشان به این نتیجه رسیده است که اختلاف و نزاع در ارتباط با مصالح مرسله یک نزاع لفظی است و از آن جا ناشی می شود که مراد از واژه

ارسال در مصالح مرسله روشن نبوده است. وی در انتها آن مقاله تصریح می کند. اگر عمل به مصالح مرسله جایز نباشد و تعیین رهبر برای سرپرستی جامعه و تشکیل حکومت و داشتن قوای سه گانه مقتنه، مجریه و قضاییه و سایر امور مربوط به دولت که از طرف شارع مقدس نص خاصی برای آن صادر نشده و دلیلی بر اعتبار آن ها از طرف وی اقامه نشده است، صورت نپذیرد اساس و پایه حکومت متزلزل می شود و مقصود فقیهان اهل سنت با توجه به مثال هایی که برای مصالح مرسله ذکر می کنند امری غیر از آن چه گفته شد، نیست.

ایکنا: جرم سیاسی نیز از موضوعاتی است که ایشان بدان پرداخته اند. اصولاً می توان گفت که در اسلام جرم سیاسی مطرح شده است؟

بله، جرم سیاسی در متون اسلامی در ذیل عنوان «بغی» قابل شناسایی است. آیه شریفه نهم سوره مبارکه «حجرات» «... فان بغت احديهما علی الاخری....» بر جرم بغی دلالت دارد. واژه «بغت» در این آیه اختصاص به قتل دارد، اما از آنجایی که جنگ یکی از جرایم سیاسی است، می توان گفت که مقصود بغی در آیه شریفه جرم سیاسی است.

ایکنا: آیا از فقها و حقوقدانان اهل سنت نیز چنین تطبیقی را مطرح کرده اند؟
«عبدالقادر عوده» در کتاب «التشريع الجنایی» جرائم را به جرایم عادی و سیاسی؛ یعنی بغی تقسیم کرده اند.

ایکنا: آیا استاد تعریفی از جرم سیاسی از منظر اسلام ارائه کرده اند؟
ایشان معتقدند: جرم سیاسی از نظر اسلام به عملی گفته می شود که گروهی مسلمان با قصد و اختیار آن را انجام دهند، خواه آن از راه فساد فی الارض و محاربه و یا از راه جاسوسی برای دولت های اجنبی و یا جنگ مسلحانه با حکومت اسلامی و یا امور دیگر صورت گیرد.

ایکنا: بنابراین اگر عملی، گروهی نباشد، جرم سیاسی محسوب نمی شود؟
بله، همین طور است.

ایکنا: قیام گروهی علیه دولت غیر اسلامی با تعریف مذکور، جرم سیاسی نیست؟

بله، به زعم ایشان اسلامی بودن دولت، یکی از عناصر کلیدی در تحقق جرم سیاسی است. علاوه بر آن ایشان معتقدند که قیام گروهی و دسته جمعی باید به نحوی باشد که گروه و جمع قیام کننده از قدرت و توانایی قیام علیه نظام برخوردار باشند.

ایکنا: یکی از سؤالاتی که استاد پاسخ گفته اند این است که آیا در مورد



آیت الله مرعشی شوشتری واقف به آرای علما بود

مشغول تدریس مکاسب بودند و بخش مکاسب محرمه را تدریس می کردند.

از مرحوم شوشتری تقاضا کردیم که درس بیع را شروع کند و ما نگران بودیم؛ چون آقای ضیاء آبادی خیلی خوش بیان است و خیلی هم با آن هیبت روحانی که به معنای واقعی دارد، جذاب و درسش همیشه پر مشتری بود و ما نگران بودیم که آقای مرعشی را که طلبه ها نمی شناسند و تازه به مدرسه وارد می شوند، درس ایشان آن مشتری لازم را نداشته باشد. مکاسب محرمه آسان تر از بیع و خیارات است. ایشان بیع را شروع کرد و تقریباً به همان اندازه ای که آقای ضیاء آبادی شاگرد داشت، ایشان نیز شاگرد داشت و درس پر جمعیتی آغاز شد و مکاسب مادر آن سال دو تا شد.

آقای مرعشی از استادهایی بود که به شاگرد نه نمی گفت. تعداد شاگردان برایش تفاوتی نداشت. من چون خیلی مشتاق مباحث قرآنی بودم، صبح های جمعه در منزلمان در میدان منیریه یک مجلس قرآنی راه انداخته بودم، شامل سه بخش؛ حفظ، قرائت و تفسیر قرآن کریم و علوم قرآن را بعدها به آن اضافه کردیم. حفظ قرآن را آقای «فاطمیان»، قرائت را «سید مهدی سیف» و تفسیر را آیت الله مرعشی شوشتری می گفتند و ایشان گفتند چون شما طلبه هستید، من برای شما از «البیان» آیت الله خوبی شروع می کنم.

در واقع هدف غایی مرحوم آیت الله خوبی در «البیان» در آغاز یک دوره تفسیر قرآن کریم بود، منتهی شرایط اقتضا نداشت، اما تفسیر سوره مبارکه حمد و اوایل سوره بقره را در البیان مرحوم خوبی مشاهده می کنیم، چون

انتقاد استاد ندیده بودن به آیت الله مرعشی شوشتری بعدی ندارد، زیرا مهم، دانستن آرای علماست که ایشان به خوبی آگاه به این مسئله بود. «محمدرضا شاهرودی»، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران و از شاگردان قدیمی مرحوم آیت الله مرعشی شوشتری است. متن زیر حاصل گفت و گوی ایکننا با دکتر شاهرودی است.



ایکننا: نحوه آشنایی شما با مرحوم آیت الله مرعشی شوشتری چگونه بود؟

حدود سال ۱۳۷۰ بود که شنیدم در مدرسه عالی شهید مطهری استادی است که علاوه بر واحدهای مرسوم دانشگاهی، برای طلبه ها و دانشجویها وقت می گذارد و افراد پیش ایشان درس می خوانند. من هم خدمت ایشان رسیدم، ایشان درس «بدایه الحکمه» علامه طباطبایی را تازه شروع کرده بودند. ما هم مشغول این درس شدیم و خدمت ایشان این درس را خواندیم. بعد فهمیدیم که ایشان تقریباً همان استادی است که دوست داشتیم. مردی خلیق و عالم و با طلبه ها و دانشجویها هم جوش و خیلی ساده زیست و متواضع در عین حال سرشار از علوم مختلف اسلامی و جامعیت بود.

من پیش از این که خود ایشان را بینم حدود سال ۶۰ بود که با کتاب «فلسفتنا» ی شهید صدر، با ترجمه مرحوم آیت الله مرعشی شوشتری آشنا شدم. این سرآغاز دوستی ما با ایشان شد و ایشان خیلی باصفا و بی آلایش و گیرا بود. روزی از ایشان درخواست کردیم که به مدرسه آقای مجتهدی بیابند. آن زمان آیت الله ضیاء آبادی که استاد بنام و محترم آن مدرسه بودند،

زیرا از نظر تاریخی در دیات اصل شتر بوده است؛ لذا شتر می تواند ملاک ارزش و تعداد دیه تلقی شود.

ایکنا: در زمینه قضاوت و داوری زن دیدگاه راه گشایی ارایه کردند، اگر ممکن است در این زمینه دیدگاه ایشان را مطرح کنید.

استاد در این زمینه بر این باورند که در سیستم قضایی قانونی، تصدی زنان برای قضا جایز و بلا مانع خواهد بود. چون سیستم قضایی قانونی بر این امر استوار است که قضا و داوری در آن بر اساس قوانینی است که مجلس تصویب می کند و به تأیید شورای نگهبان می رسد و قاضی در تشخیص شرعی بودن یا نبودن هیچ گونه مسئولیتی ندارد. و حق مخالفت با آن را نیز ندارد و اگر بخواهد از آن سرپیچی کند، تحت تعقیب انتظامی قرار می گیرد در این سیستم وحدت رویه قضایی وجود دارد که برای کلیه محاکم لازم الاجراست. در چنین سیستم قضایی هیچ گونه دلیلی بر عدم جواز تصدی زنان در امر قضاء نیست؛ زیرا مهم ترین دلیل بر منع زنان از امر قضا، اجماع است و اجماع بر فرض صحت اولاً دلیل عقلی است و قدر متیقن از آن موردی است که زنان بخواهند بر اساس اجتهاد خود عمل کنند ثانیاً اجماع مذکور اجماع مدرکی است نه اجماع تعبدی و چنان که در علم اصول به اثبات رسیده است، اجماع مدرکی اعتباری ندارد.

ایکنا: آرای دیگری هم از ایشان وجود دارد؟

بله، دیدگاه های ایشان منحصر به مواردی که طرح شده است، نیست. بررسی تفصیلی آرای استاد فرصت زیادی می خواهد که اگر خداوند توفیق دهد، چکیده آرای ایشان را در یک مقاله به مناسبتی احصا و گزارش می کنم.

ایکنا: برای ارایه دیدگاه های

ایشان چه پیشنهادی دارید؟
تصور می کنم «دیدگاه های نودر حقوق کیفری اسلام» که در دو مجلد چاپ شده است، با جمع آوری مقالات دیگر ایشان که در مجلدات چاپ شده است، می تواند تکمیل شود؛ یعنی مجلد سوم و چهارم را می توان از مقالات تهیه و تدوین و چاپ کرد. تا امکان استفاده بیشتر و سریع تر از اندیشه های فقهی ایشان برای حقوقدانان، قضات، دانشجویان فراهم آید.

ایکنا: از این که وقت خود را در اختیار ما قرار دادید متشکریم.

استاد مرعشی حق زیادی بر گردن ما دارند، فقدان ایشان برای مادر دناک و خسارت بار است. گفت و گو در زمینه شخصیت علمی و آرای ایشان فرصتی است که ضمن التیام آلام روحی، حضور و وجود علمی او را دوباره تجربه کنیم و ضمن تکریم از مقام علمی آن استاد، میراث بجای مانده از ایشان را به طلاب و دانشجویان جوان معرفی کنیم. من هم از شما ممنونم که در جهت بزرگداشت آن فقیه پارسا تلاش می کنید.

شرکت در قتل می توان همه شرکای در قتل را قصاص کرد؟ در ماده ۲۱۲ قانون مجازات ۱۳۷۰ آمده است «هرگاه دو یا چند مرد مسلمان مشترکاً مرد مسلمانی را بکشند ولی دم می تواند با اذن ولی امر همه آن ها را قصاص کند...» نظر ایشان در این زمینه چیست؟

می دانیم که برخی فقها مانند صاحب جواهر، بر قصاص شرکت کنندگان در قتل با پرداخت زاید بر دیه هر کدام از آنان ادعای اجماع کرده اند. مهم ترین ادله آن ها عمومات دلایل قصاص مانند «ولکم فی القصاص حیاة یا ولی الالباب» و «و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً...» و «کتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس والعین بالعين». علاوه بر عمومات روایات خاصه که در چهار روایت؛ یعنی روایت فضل بن یسار از امام باقر (ع)، روایت عبدالله مسکان از امام صادق (ع)، صحیححه داود بن سرجان از امام صادق (ع) و قاسم بن عروه از ابی العباس که سه روایت بر جواز قصاص مشترکین در قتل و روایت قاسم بن عروه بر عدم جواز قصاص دلالت دارد. که فقها آن را بر تقیه حمل کرده یا گفته اند چون مشهور بدان عمل کرده اند پس نمی توان به آن عمل کرد. استاد معتقدند اولاً عمل یا عدم عمل مشهور به روایتی اگر از نظر سند صحیح باشد، تأثیری در اعتبار آن ندارد. ثانیاً قاسم بن عروه اگر چه به وثاقت او تصریح نشده است، اما عملاً روایات او را روات و محدثین مورد عنایت قرار داده اند. ثالثاً حمل روایت بر تقیه، در وقتی است که مرجح قرآنی در روایت نداشته باشد، اما در «مانحن فیها» با توجه به صحت روایت از نظر سند با قرآن مطابقت دارد.

ایکنا: این روایت با سه روایت دیگر تعارض می کند و لذا از اعتبار می افتد؟

بله، درست است، اگر تعارض و تساقط کند و با فرض تعارض و عدم وجود اطلاق و یا عمومی که دال بر جواز قصاص باشد اصل عدم جواز قصاص است.

ایکنا: اگر چنین اصلی را نپذیریم؟

استاد معتقدند قاعده «درء الحد» و قاعده «احتیاط در دماء» ایجاب می کند که از حکم به قصاص بیش از یک نفر خورداری کنیم.

ایکنا: آیا در زمینه دیه هم نظری خاص ارایه کرده اند؟

بله، ایشان معتقدند در آن زمان صد شتر بادویست گاو و هزار گوسفند برابر بوده است؛ لذا یکی از مسایلی که در موارد دیات باید اصلاح شود، همین تخییر بین انواع دیات است. تخییر در زمانی که بین انواع تفاوت قیمت باشد، معاندار و ناعمقول است. بدیهی است در چنین فرضی اقل را انتخاب می کند. پس مسئله تخییر با مقتضیات زمان سازگار نیست.

ایکنا: راه حل عملی ایشان چه بوده است.

می فرمودند که از انواع دیه یکی که ولی امر مصلحت می داند انتخاب می شود و ارزش آن ملاک پرداخت شود؛ یعنی ولی مسلمین مبلغ پول رایج را تعیین کند پول رایج بر اساس یکی از دیات مانند شتر مبنای ارزش گذاری قرار گیرد؛

ایشان کل تحصیلاتش ۱۰ سال بیشتر نبود.

شیخ اعظم انصاری که هنوز کسی در عالم فقاہت شیعی به درجه او نرسیده است، چه از مراجع و چه اعلام، ایشان خاتم الفقهاء و المجتهدین است. شخصیتی با چنین جایگاهی تنها ده سال پیش بزرگان عصر خود درس خوانده است. از عصر ایشان ۱۰۰ سال می گذرد و آن علوم به دست اساتید آیت الله مرعشی رسیده و آقای مرعشی یقیناً بیشتر از شیخ انصاری درس خوانده است. نمی گویم به قوه تحقیق و اجتهاد رسیده است، ولی مثل شیخ انصاری درس خوانده است. بنابراین، این حرف که استاد ندیده است درخور توجه نیست.

اگر بخواهیم بحث صغروی داشته باشیم این است که چه کسی می گوید ایشان استاد ندیده است، بلکه ایشان استاد دیده و استاد های خوبی هم دیده است، اساتیدی که کمتر از اساتید قم و نجف نبودند؛ مانند مرحوم آل طیب، شیخ محمد تقی شوشتری که از مراجع قم و نجف کم نداشتند. لیکن اساتیدی که در زمان ایشان در شوشتر بودند، بسیار نام بودند.

دیگر این که کافی است کسی مقداری درس بخواند و بعد روش علمی در آن رشته را خوب بیاموزد و خودش طبق آن شیوه کار کند. ایشان قریب به ۴۰ سال دروس حوزوی را درس داده و حالا در مورد کسی که چنین درس داده، بگوئیم استاد ندیده است، این خودش استاد است و دیدن استاد برای او تحصیل حاصل است. این حرف درستی نیست.

مسئله نجف هم مدخلیت ندارد و مهم آن است که آرای اساتید

را خوب خوانده باشد. این حرف در مورد فضلا (طلبه های بیست و هفت هشت ساله) صادق است، زمانی که بخواهیم فضلا را با هم بسنجیم. این استاد ندیدگی نشانه ها و بروزهایی دارد که اگر این نشانه ها در افراد باشد، استاد ندیدگی ضعف است؛ مثلاً بگوئیم این آقا درست کفایه می خواند، ولی تا این جا را درست نخوانده است. مثلاً آقایی اسم یک کتاب را اشتباه عنوان کند، بعضی کتاب ها را اشتباه بگوید، این ها ضعف است، اما یک استادی که رشته او فقه و حقوق بود و فلسفه را عالی می دانست و تفسیر و تاریخ را خوب می دانست، تاریخ بانی گری و بهائیت را خوب می دانست، چنین عالمی که مسائل را خوب می داند، کم لطفی است که بگوئیم استاد ندیده است. به نظر من بیشتر از آن که منتقدین ایشان این کلام را بیان کرده باشند، حساد ایشان این حرف را زده اند.

ایکنا: همان گونه که می دانید مرحوم شوشتری کتاب «فلسفتنا»ی شهید صدر را ترجمه و شرح کرده است. با توجه به این موضوع در مورد قلم ترجمه ای ایشان و هم چنین در مورد ارزش پاورقی های ایشان بر این کتاب توضیح دهید.

رشته تحصیلی من در دانشگاه فقه و حقوق است. در مقطع لیسانس هم علوم قرآن و حدیث خواندم، ولی رسیده بودم به این که باید فلسفه اسلامی را

تلاش خیلی از مفسرین این بود که ابتدا یک دوره مقدمات علوم قرآنی بگویند و بعد وارد تفسیر شوند.

آقای مرعشی تدریس یک دوره بیان را آغاز کردند و بعد دیدیم که مشتری درس زیاد است و تصمیم گرفتیم درس را به مدرسه آقای مجتهدی ببریم - آن زمان من مدیریت داخلی مدرسه را بر عهده داشتم - ایشان آمدند و گفتند حالا که در حوزه آمدیم، بهتر است تفسیر «مسالک الافهام» فاضل جواد کاظمی را شروع کنیم و الحق عالی این کتاب را درس می گفت.

با این که ایشان از سن ۴۵ سالگی دچار افتادگی شده بودند و نارسایی قلبی هم داشتند، ولی اصلاً به این مسائل توجه نداشتند و صبح ها ساعت هفت درس و بحث را آغاز می کرد و جمعه ها مدرسه آقای مجتهدی می آمد و من متوجه می شدم که حتی غیر از این ها کسان دیگری بحث های دیگری را با ایشان می خوانند؛ مثلاً چند نفر از اساتید مدرسه عالی شهید مطهری با ایشان بلاغت می خواندند. شاید بعضی از فضلا حاضر به گفتن برخی از دروس نباشند، ولی برای ایشان صرف میر، کفایه، خارج و ... تفاوتی نداشت و همه را تدریس می کرد و اصلاً ایشان مدام در حال درس و بحث بود.

همسر شهید مطهری به اخوی ما گفته بود که شهید مطهری یا کتاب می خواند یا می نوشت یا نماز می خواند. ما کمتر ایشان را در کار دیگری می دیدیم، آیت الله مرعشی هم این گونه بود. ایشان در مدرسه از صبح تا شب یا درس می داد یا کتاب می خواند یا می نوشت و عالمی پرکار و

زحمت کش بود و این کارها هم نتیجه بخش بود و از

جمله این نتیجه ها درس های عالی در دانشکده حقوق دانشگاه تهران، تربیت مدرس، علوم قضایی، تهران، قم و جاهای مختلف بود. بعضی اوقات من در معیت ایشان و آیت الله بجنوردی به دانشگاه قم می رفتیم و ایشان در مقطع فوق لیسانس درس می گفت و به این صورت ارتباط من با ایشان برقرار شد و ایشان خیلی به من لطف و علاقه داشت.

تعبیر علاقه را به کار بردم، به این خاطر که یک روز جلوی دانشکده مرا دیدند، ماه مبارک رمضان بود، گفت: شاهرودی افطار به منزل ما بیا. من هم

خوشحال شدم با این که بازگشت از منزل ایشان خیلی سخت بود و یک روز هم گفتند بیا برویم مشهد من هوس حضرت رضا (ع) را کردم. ایشان سوار هواپیما نمی شد، و می گفت خلاف احتیاط است. ولی زیارت حضرت (ع) را رفتیم و آن سه روز را منزل آیت الله مرعشی در مشهد بودیم.

ایکنا: از نقاط ضعفی که بر ایشان وارد می کنند این است که ایشان استاد ندیده است و نجف نرفته است و گاهی حتی بزرگان هم این تعبیر را برای ایشان بکار می بردند. آیا این انتقاد بر ایشان وارد هست؟

ما در هیچ روش علمی ای چه در حوزه و چه در دانشگاه برای مکان مدخلیت در اجتهاد قائل نیستیم و ندیدیم که هیچ عالمی بگوید مکان در اجتهاد تأثیر دارد. آقای مطهری با افتخار در مورد شیخ انصاری می گفت که

بدانم. منطق شرح منظومه را با شیخ شریف طبرستانی و آقای نقوی در مدرسه مروی دو مرتبه خواندم. بعد هم شرح منظومه را با آقای رضی شیرازی خواندم. البته نوارهای علمای قم مثل آقای انصاری شیرازی را نیز گوش می دادم. ولی آن طور که باید فلسفه را نمی دانم و لذا پاسخی برای این سؤال شماندارم، اما شناخت کلی ای که از آقای مرعشی دارم، این است که ایشان آدمی نبود که سرسری از مسائل بگذرد.

مسئله ترجمه «فلسفتنا» به این نحو نبود که چون ایشان با آقای صدر رفیق و دوست است، بیاید کتاب را ترجمه کند، بلکه عکس این است؛ زیرا وقتی «فلسفتنا» را کتاب خوبی یافته بود، ترجمه کرد و بعد از آن با آقای صدر دوست شد. ایشان ترجمه را به نجف برد و آن را به آقای صدر عرضه کرد. آن اطلاعات که در پاورقی ها از آقای مرعشی آمده است، از آن روحیه پژوهش و تحقیق ایشان نشأت می گیرد و نشان آن است که ایشان به مناسبت هایی، مطالعاتی در تاریخ فلسفه غرب داشته و در کتاب «فلسفتنا» ارائه داده است.

ایکنا: آیا ایشان در مسائل فقهی، نظراتی خلاف مشهور می داد؟

از امتیازات شخصیتی ایشان آن روحیه آزاداندیشی و آزدگی ایشان است که این طبیعی است که در مسائل علمی هم بروز پیدا کند. در مسائل ارتداد مقالات معروفی دارد. در مسائل بلوغ دختران نظر داشت. ایشان مجتهدی دقیق بود که نمی خواست مقلد باشد. آقای مرعشی آدمی این چنین بود و اگر نظری را خلاف نظر مشهور می یافت، می گفت و باکی هم نداشت.

ایکنا: آیا این که می گویند ایشان معتقد بود حدود را نباید در زمان غیبت اجرا کرد و تنها باید به تعزیرات پرداخت، صحیح است؟

من این رانه از ایشان شنیدم و نه دیدم که اجرای حدود در عصر غیبت جایز نباشد. در مسائل کلامی و تفسیری هم ایشان خلاف نظر جمهور مفسرین و متکلمین نظر داشت. در مسائل ولایت، علم غیب پیامبر (ص) و دیگران نظر داشت. خلاصه این که آدم مقلدی نبود و وجود چنین انسان هایی ارزشمند است.

ایکنا: ایشان تناقضی را بین فقه سنتی و حقوق جدید می دیدند تا آن را رفع کنند؟

بله، برخی از مواد قانونی مادر حقوق جزا، تجارت و بین الملل هنوز نیاز به انطباق با منابع و مصادر فقهی خودمان دارد و این از مسلمات است که این ها از حقوق فرانسه متأثر هستند. ایشان معتقد بود که باید این بازنگری ها انجام

ایکنا: آیا از سابقه سیاسی ایشان در زمان انقلاب اطلاع دارید؟

به نظر من این تقسیم بندی در علما به نوعی شکل گرفت که عده ای پاسدار حفظ خصوصیات علمی حوزه باشند و عده ای هم به فکر مبارزه با نظام شاهنشاهی باشند. به نظر من آقای مطهری و بهشتی را باید در طبقه اول قرار داد. ولی عده ای واقعا اهل مبارزه و مجاهده به معنای خاص کلمه بودند، مبارز سیاسی؛ مانند شهید سعیدی، غفاری، مرحوم حجتی کرمانی. اما عده ای هم نه، یک زندان هایی می رفتند، ولی چند هفته بعد آزاد می شدند و مجددا به کار علمی خود می پرداختند. گرچه در دل با نظام شاهنشاهی رفاقت و انس نداشتند.

بخشی از این مسئله هم به روحیات بر می گردد. کسی که اهل مبارزه نیست، نمی تواند این کار را انجام دهد. برای نمونه دکتر احمد بهشتی می گفت: «مرحوم علی حجتی می گفت یک سری از این گروه ها به نظر مجاهدین، پیش من آمدند که بیا عضو ما شو تا مبارزه مسلحانه انجام دهیم. من گفتم: ما را رها کنید اگر یک خودکار لای انگشت من بگذارند، همه را معرفی می کنم.» با این که ایشان مرد میدان مبارزه بود و عمر خود را در مبارزه گذرانده بود. ولی مبارزه اش در این حد بود که روی منبر به شاه فحش دهد. آقای مرعشی هم احساس کرد اهل مبارزه مسلحانه نیست؛ لذا ایرادی که برخی از منتقدین به ایشان می گرفتند همین بود.

ولی بعد از انقلاب ایشان الحق در خدمت انقلاب بود. شاید زندان هم رفته باشد. هر کسی را برای کاری ساختند. مبارزه ایشان به آن معنا بود که فلسفه اسلامی را خوب بشناسد و تلاش علمی برای اسلام کند. به نظر من ایشان تشخیص داد شاگرد پرورش دهد تا آن روح آزادگی اسلام را به آن ها تلقین کند و آن ها خود تشخیص دهند.

ایکنا: هر وقت شما یاد ایشان می کنید چه خصیصه ای از ایشان به ذهنتان

می آید؟

من در رابطه با ازدواج دو خاطره با ایشان داشتم. خانواده را برای خواستگاری به منزل شخصی فرستادیم که در دو بار مراجعه ما، پاسخ آن ها منفی بود. بعدها متوجه شدم که آقای مرعشی بدون گفتن به من، با آقای سید محمد رضا در بندی که از دوستان ایشان بود به آن جارفته بودند و ایشان هم پاسخ نه شنید.

روزی به ایشان گفتم: آقای مرعشی بهترین خصیصه ای که یک زن باید برای ازدواج داشته باشد چیست؟ خوب ایشان هم اهل بیان بود و کم نمی



که ندیده و مکمل است، آن را تهیه می کرد. ساده زیستی و بی آلایش بودن ایشان هم خیلی مد نظر بود.

ایکنا: چطور ایشان ساکن شمال شهر بودند؟

این منزل به ایشان هبه شد. ایشان می گفت من و برادرم در یکی از حجره های محقر در شوشتر درس می خواندیم. عصر تابستانی بود که با هم در رابطه با دنیا و سختی های دنیا صحبت می کردیم و برادرم گفت من از دنیای طلبگی می روم و عازم تهران می شوم تا کسب و کار کنم. چندی بعد برادرم به تهران رفت و بسیار پولدار شد و جزو چند تاجری بود که اول انقلاب قصد ترور او را داشتند. جشن های مفصلی در عید غدیر می گرفت و به مراجعان سکه های نیم یا ربع هدیه می داد.

به نظر من این منزل را برادر ایشان به ایشان هبه داد و خود آقای مرعشی توجه چندانی به مسائل مالی نداشت و هزینه هایش را از راه تدریس تهیه می کرد. با این که منزلش در جردن بود، ولی زندگی در داخل آن منزل بسیار طلبگی

آورد و من هم پیش خودم فکر می کردم ایشان الان نیم ساعتی برای من سخنرانی می کند و من بهره می برم، اما تنها گفت: مؤمن باشد و بس. واقعا حرف بجایی زد که این را انسان در زندگی کاملا لمس می کند؛ زیرا وقتی زن مؤمن باشد لطافت دارد، حقوق شوهر را رعایت می کند، با فامیل ها رفتار خوب دارد و در جای جای زندگی آثار خوب و بجایی می گذارد.

من هم این کار را کردم و با توجه به موقعیتی که داشتم پیشنهاد های خوبی حتی از مقام های کشوری برای من می شد، اما یک روز همسایه ما گفت بیا و برو این دختر فامیل ما را ببین، رفتیم و صحبت کردیم و خدا را شکر دیدم که ایمانش دست نخورده است و ما هم انتخاب کردیم و فاکتور مؤمن بودن که آقای مرعشی به من گفت، واقعا در زندگی من تأثیر مثبت گذاشت.

از خصوصیات ایشان در ارتباط با حرفه تدریس باید بگویم اگر می دید وقت دارد، برای طلبه وقت می گذاشت. همین چند سال پیش

بنده و دکتر افضل نژاد رفتیم و خواستیم برای ما «نهایة الحکمه» را درس بگوید. ایشان پذیرفت و تا همین اواخر هم ادامه داشت. به شاگردن نمی گفت و آن چه برای من جالب بود این بود که تامی شنید کتابی بیرون آمده بود.

از خصوصیات ایشان در ارتباط با حرفه تدریس باید بگویم اگر می دید وقت دارد، برای طلبه وقت می گذاشت. همین چند سال پیش بنده و دکتر افضل نژاد رفتیم و خواستیم برای ما «نهایة الحکمه» را درس بگویند. ایشان پذیرفت و تا همین اواخر هم ادامه داشت

عضو مجلس خبرگان رهبری:

آیت الله مرعشی به منع شرعی برای قضاوت زنان قائل نبود



اختلافاتی هست (نه در فتوا) و احادیثی که در آن جا وجود دارد، چه از نظر سند و چه از نظر دلالت، احادیث معتبری نیست. آقای مرعشی هم نظرشان همین بود که اگر شرایطی فراهم شود که زنان بتوانند به گونه ای قضاوت کنند، منع شرعی وجود ندارد. منتهی در باب شهادت زن ایشان معتقد بود که قرآن تصریح دارد به این حرف که شهادت دوزن برابر شهادت یک مرد است و روایات ما هم خیلی زیاد هستند که می توانیم ادعای تواتر کنیم. آقای مرعشی این حرف را می پذیرفت. در بحث دفاعیه - من البته شنیدم - وقتی می خواستند بحث نمره را مطرح کنند، ایشان آن جا مطرح کرده بود که در مسئله شهادت زن، ما نمی توانیم کاری بکنیم و روایات به قدری زیاد هستند که نمی شود شهادت یک زن را در دادگاه پذیرفت. جناب آقای مرعشی خیلی نقادانه در مباحث علمی بحث می کردند و خیلی دوست داشتند دیدگاه های نوینی در مسائل شرعی داشته باشند و این در کتاب «دیدگاه های نو در حقوق کیفری» ایشان قابل ملاحظه هست، منتهی مسئله مهم این جاست که ایشان تمامی خواستند این مسائل در قالب فقه جعفری باشد؛ یعنی نمی خواستند نوآوری هایشان از این قالب جدا شود. به طلاب همیشه توصیه می کردند که درک و فهم صحیحی باید از مسائل اسلامی داشته باشید، منتهی در قالب اندیشه های اهل بیت (ع).

نظر مرحوم آیت الله مرعشی شوشتری این بود که اگر شرایطی فراهم شود که زنان بتوانند به گونه ای قضاوت کنند، با منع شرعی مواجه نیست. حجت الاسلام و المسلمین «محمد بهرامی خوشکار»، عضو مجلس خبرگان رهبری، عضو هیئت علمی و معاونت امور طلاب مدرسه عالی شهید مطهری، از شاگردان برجسته مرحوم آیت الله «سید محمد حسن مرعشی» است که در مورد شخصیت علمی و اخلاقی استاد با ما به گفت و گو نشست.

ایکنا: از خصوصیات مرحوم مرعشی به عنوان یک استاد و بعدها به عنوان یک همکار در مجلس خبرگان بگویید.

ایکنا: در مورد نحوه آشنایی تان با مرحوم آیت الله مرعشی شوشتری بگویید.

عرض شود که من خود را کوچک تر از آن می دانم که همکار ایشان باشم، بلکه ما همیشه از ایشان استفاده می کردیم. در مسائل درسی و علمی، استاد خیلی علاقه به تدریس داشت و همان گونه که عرض کردم، وقتی که درس می داد، سعی داشت قدرت خلاقیت طلاب را مقداری بالا ببرد؛ یعنی این گونه نبود که بخواهد متن حاشیه درس را خوب تفهیم کند، علاوه بر این، دوست داشت به نقد مطالب هم پردازد؛ مثلاً گاهی وقت ها به یک عبارت که می رسید، می رفت در یک وادی دیگر و شرح می داد و ما هم کتاب را می بستیم و می رفتیم در همان وادی که آقای مرعشی شرح می دهد و ایشان هم توی چشم های ما سخت خیره می شد و توضیح می داد، بعد که کتابش تمام می شد؛ یعنی مطلب علمیش تمام می شد، دوباره یک نگاهی در چشم ما می کرد و یک قدری سکوت می کرد و دوباره درس را ادامه می داد؛ یعنی گویا با نگاه خودش می خواست بفهماند که آیا فهمیدید یا نفهمیدید؟ بعد ما هم در هر صورت، چه می فهمیدیم یا نمی فهمیدیم دوباره کتاب را باز می کردیم و شروع می کردیم به درس خواندن؛ یعنی در مباحث علمی هیچ وقت ابایی نداشت که حرف خودش را بزند یا بگوید این درست نگفته است. خیلی صریح می گفت و حاشیه می زد و

بنده از شاگردان مرحوم آیت الله مرعشی شوشتری هستم. من در این مدرسه - حدود سال ۶۱- که آمدم، جناب استاد مرعشی جزو اولین استادهایی بود که با او برخورد داشتم. من خودم کتاب های حاشیه ملاء الله در منطق، مختصر المعانی، اصول فقه مظفر، بخشی از رسائل و بخشی از شرح لمعه را نزد ایشان خواندم. مرحوم آیت الله مرعشی استاد راهنمای من در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری بود. پایان نامه مقطع دکتری من آن زمان در دانشگاه های ایران در بخش حقوق و علوم سیاسی رتبه اول را آورد. این را از این جهت می گویم که زحمت های استاد مرعشی مدنظر باشد. این اواخر هم توفیق داشتیم در مجلس خبرگان رهبری در خدمت ایشان باشیم و آن جا هم مقداری با هم، هم صحبت شدیم و در واقع ما از وجود ایشان در مجلس خبرگان استفاده می کردیم.

ایکنا: در مورد مسئله قضاوت و شهادت زن که به نوعی مربوط به پایان نامه شما هم می شود، نظر ایشان چه بود؟
در بحث قضاوت زن، بین علمای متأخر کمی در بحث های علمی

ایشان سخت قائل بود، منتهی خوب در مباحث حکومتی خیلی نظرات راحت بیان می کرد و در سن و سالی بود که این ها برایش راحت بود و این بود که وقتی این نظرات را بیان می کرد، بعضی ها استنباطات دیگری می کردند. ما یک وقت قم کمیسیون مجلس خبرگان بود، توفیق پیدا کردیم که با ایشان رفتیم و برگشتیم و در طی مسیر بحث های علمی هم مطرح می شد، ایشان هم متواضعانه با وجود این که من شاگردانشان بودم، خیلی با ما هم بحث شد؛ یعنی ما از ایشان استفاده کردیم. آن جا خیلی بیشتر با نظرات ایشان آشنا شدم.

■ **ایکنا: اگر از ایشان خاطره ای دارید، عنوان کنید.**

آقای مرعشی طبع ملیحی داشت و خیلی نمکین بود و در لابه لای درس هایش یک مقداری بچه ها را سرگرم می کرد، البته شوخی هایی که مخصوص بحث طلبگی است. یاد مجالس خصوصی شاید نصف بحث های ایشان در مسائل شوخ طبعی و این مسائل خاص بود و همیشه شاد بود، منتهی هر وقت شاد بود، اهل شوخی بود و با نمک بود و یکی از علت های رجوع زیاد شاگردان به ایشان همین مسئله بود. منتهی شوخی ها هم گاهی وقت ها تخصصی هستند و شوخی ایشان از این نوع بود. اوایل در درس های ادبیات عرب، که با ایشان می خواندیم، روزی فرمودند که من در شوشتر تعدادی شاگرد داشتم و یکی از آن ها معمم بود. ایشان، فوت شد (در حال

احتضار بالای سرش بودم)، آقای مرعشی می فرمود من یک روز خوابشان را دیدم. گفتم فلانی آن دنیا چه خبر است؟ می گفت آن شاگرد معمم سه بار گفت: «توحید، توحید، توحید فقط این به دردمی خورد.» و خیلی روی من تأثیر داشت که در واقع آن چه به دردمی خورد روز قیامت می خورد این است که انسان توحیدش کامل باشد و تنها قصد قربت داشته باشد. خاطره دیگر این که وقتی مریض بود من خدمت ایشان رسیدم و از هر دری سخنی رفت، من به ایشان گفتم شما شاگردان زیادی تربیت کردید و این می تواند توشه آخرت شما باشد؛ ایشان گفت توشه خوبی است، اما اگر

توانسته باشم نگه داشته باشم؛ یعنی الباقیات الصالحات هست، ولی باید آن را نگه داشته باشم و این هم حاکی از روح مراقبت و مواظبت ایشان است که انسان کارهایی که می کند باید با مراقبت و محافظت، حفظ بکند تا آن شاء الله باقی بماند.

نکته دیگر این که آقای مرعشی با چیزی که سخت مخالف بود این بود که طلاب تفکر کوچه و بازاری و عوامانه داشته باشند، با این مسئله سخت مخالف بود و می گفت شما شاگردان ائمه (ع) هستید، آن ها اندیشه های بزرگی داشتند و شما هم باید اندیشه بزرگی داشته باشید و می گفت باید این گونه فکر کنید و متفکر باشید و با این که عوامانه فکر کنند، مسائل را خیلی ساده بگیرند، و بدون استدلال هر چیزی را بپذیرند، سخت مخالف بود و کلا با طلابی که این روحیه را داشتند نصیحتشان می کرد و خوششان نمی آمد که یک طلبه خیلی ساده و بسیط فکر کند.

این حرف ها را به کار می برد. مادر هر صورت از این جهت خیلی از ایشان استفاده می کردیم که کتاب را باید با دیدگاه نقادی خواند و با دیدگاه نقادی مطالعه کرد. درباره تواضع رفتاری ایشان باید بگویم خیلی متواضع بود؛ یعنی آن گونه که قرآن و آیات و روایات خواستند، ایشان این گونه بود. ما هر وقت که خدمتشان می رسیدیم، ایشان هیچ وقت نمی گفت من کار دارم، بارها و بارها. اتاق کوچکی در مدرسه عالی شهید مطهری دارد. من رفتم در زدم و ایشان چون حالش خوب نبود، دراز کشیده بود، بعد بلند می شد و حرف های ما را می شنید و وقتی هم می خواستیم بلند شویم و برویم، می گفت نه بنشینید و حرف های خودتان را بگویید. در مسائل علمی همین روح تواضع را داشت. هر موقع که می رفتیم بحثی مطرح کنیم، نمی گفت حالا نه، من بعدا به تومی گویم، بلکه فوری می گفت، بخوان، می خواندیم و ایشان نظر خود را می گفت و هیچ مشکلی نداشت از این بابت که بگوید من مطالعه کنم و برای روز بعد جواب بگویم. خیلی راحت نظرش را می گفت. هر چه را از متن می فهمید، می گفت. ایشان نظرش را بیان می کرد. چند بار من بیمارستان خدمتشان رسیدم، یک کتاب که به همراه داشتم، فوری می گفت کتابت چیست؟ طلبه ها که می رفتند و کتاب دستشان بود، فوری می گفت این کتاب چیست؟ و بعد می گفت بخوان. من یادم هست

تقریبات درس یک استادی را در درس خارج نوشته بودم و خدمت ایشان به بیمارستان رفتم، و گفت بخوان، (حالا آدم می ماند که بخواند یا نخواند، متن درس است، درست نوشته یا درست ننوشته؟)

ولی این کمک علمی به ما می کرد که همیشه ذهن ما آماده و پویا باشد. خلاصه این که هم تواضع علمی داشت و هم تواضع رفتاری و این به ما کمک می کرد.

■ **ایکنا: در مورد چگونگی حضور**

ایشان در مجلس خبرگان برای ما بگویید.

درباره مجلس خبرگان بحث خاصی نداریم؛ چون جناب استاد مرعشی حدود دو سال که به دو سال هم نرسید و ما در خدمتشان بودیم، در جلسات حاضر می شدند. آقای مرعشی سیاسی

بودند، ولی به جهت این که در محیط علمی بود، و جهت سیاسی شان کمتر بروز می کرد؛ مثلاً من وقتی در مجلس خبرگان رأی می دادم با آقای مرعشی مشورت می کردم. بعد ایشان نظراتش را که می داد. من به نوبه خودم حس می کردم که چقدر بینش سیاسی دارد. وارد بود و حرف های خودش را می زد و اصولاً کسی که به مجلس خبرگان راه پیدا کند و رأی بیاورد، اصلانمی توان گفت، سیاسی نیست، اگر سیاسی نبود این گونه نمی شد. البته حزبی نبود و مستقل بود. همیشه هم مستقل ماند و آرا و افکارش را مستقل بیان می کرد. آقای مرعشی ولایی هم بود؛ یعنی کلا در مباحث حکومتی ولایی بود. اصل ولایت را همان گونه که در فقه مطرح است قبول داشت، اما نظرات خاصی داشت. اصولاً کسی که کاندیدای مجلس خبرگان می شود تا ولایی نباشد به آن طرف سوق پیدا نمی کند؛ چون اصل آن جا همان ولایی بودن است و موضوع له مجلس خبرگان ولایی بودن و تعیین ولایت است و این مسئله باید مد نظر باشد و



مرحوم آیت الله مرعشی شوشتری

در مسائل علمی و سیاسی

آزاداندیش بود



می گذراندند؛ حاشیه در منطق. ایشان دو درس بیشتر نمی گفتند، چون بعد از ظهرها می آمدند. تا این که ایشان فرصت بیشتری پیدا کردند تا در مدرسه عالی باشند که سال بعدش ما کتاب اصول مظفر را با ایشان شروع کردیم. کتاب اصول مظفر هنوز در حوزه جاننفتاده بود و تازه داشت مشهور می شد. انصافاً آقای مرعشی خیلی بیان شریعی داشت و ما از همان کتاب مختصر که شروع کرده بودیم، هر سال یک یا دو درس با ایشان داشتیم. ایشان آدم بحثی بود، به این معنا که هیچ وقت از مباحث علمی خسته نمی شد. اگر یک ساعت هم یک طلبه در محضر ایشان می نشست و شاید ده تا سؤال هم می کرد یا سؤالش سؤال تکراری بود یا به نوعی سؤال قبلیش بود، هیچ وقت ایشان خسته نمی شد.

در واقع یکی از ویژگی های مرحوم آیت الله مرعشی طلبه پروری بود و می خواست طلبه هایش طلبه های مستعدی باشند، طلبه هایی باشند که مفید برای جامعه باشند و این خصوصیات در درس ایشان بود، چون خودش الحمدلله ذوق بالایی داشت. مرحوم آیت الله مرعشی شاید جاهای مختلف برای درس نرفته بود و بیشتر در شوشتر درسش را نزد علمای همان شوشتر یا اهواز ادامه داده بود و اندک زمانی هم به شهر نجف برای تحصیل علوم رفته بود، اما از آن جایی که ذوق و استعداد بالایی داشت و خودش بیش از اندازه مطالعه کرده و زحمت کشیده بود، این خصوصیت ایشان بود. حتی بگویم که تا یک هفته مانده به فوت ایشان، من خدمت ایشان رسیدم. همین اتاق کوچکی که در این ساختمان داشتند، همان یک ساعتی

مرحوم آیت الله مرعشی شوشتری نه تنها در مسائل فقهی، اصولی، منطقی و فلسفی آزاداندیش بود، بلکه حتی در مسائل سیاسی هم حریت داشت.

حجت الاسلام و المسلمین «مرتضی جیت سازیان»، عضو هیأت علمی مدرسه عالی شهید مطهری و از اولین شاگردان مرحوم مرعشی شوشتری بود، انجام دادیم که آن چه در پی می آید، حاصل این گفت و گواست.



ایکنا: چگونه با مرحوم آقای مرعشی شوشتری آشنا شدید؟

آیت الله سید محمد حسن مرعشی شوشتری در واقع از شوشتر که به تهران آمدند در ذهنم هست که سال ۱۳۶۲ یک مسئولیتی در قوه قضائیه داشتند. آیت الله امامی کاشانی ایشان را به مدرسه عالی شهید مطهری برای تدریس دعوت کردند. ایشان صبح هادر دادگستری بودند و خاطریم هست که ساعت ۲ بعد از ظهرها به مدرسه عالی شهید مطهری می آمدند. نخستین درسی که همان سال ۶۲ با ایشان داشتم که ابتدای آشنایی من با ایشان هم بود، «مختصر المعانی» تفتازانی بود. اصل کتاب «مختصر المعانی» برای شخصی است به نام «سکاکی» و مختصر المعانی شرح مفتاح العلوم است که آن روز در حوزه های علمیه رایج بود. گرچه امروز طلبه هادر علم معانی، بیان و بدیع کتب دیگری را تحصیل می کنند، اما ایشان آغاز درسش همین کتاب مختصر المعانی بود.

یادم هست سال پائینی های مادر مدرسه عالی با ایشان کتاب حاشیه را

کتاب ایشان را چاپ کنیم. ایشان راجع به قواعد فقه جزایی نوآوری ها و ابتکاراتی داشت. نه این که خودش در قوه قضائیه بود و اوایل، قبل از تغییر قانون اساسی، عضو شورای عالی قضایی بود و بعد هم معاون قضایی قوه قضائیه شده بود؛ لذا به صورت ملموس و عملی مشکلات قوه قضائیه را در بعد جنایی و جزایی دیده بود. بنابراین بیشتر نوآوری های ایشان در محدوده همین مسائل بود، گرچه در مسائل فلسفی، فقهی و مسائل مستحدثه هم نظرات جدیدی داشت.

ایکنا: در رابطه با نظر ایشان در مورد دیه عاقله توضیحاتی را بفرمایید. ما در این قضیه اجماع داریم، مشهور داریم، نظرات فقها را داریم، متون روایی داریم، اما آیت الله مرعشی خودش فقیه بود. فقیه حتما لزوم ندارد که رساله و توضیح المسائل بدهد.

اما آقای مرعشی خودش را در معرض مرجعیت برای مردم قرار نداد، اما در عین حال که در این مسائل ما اجماع داریم و ادله ای داریم که نظریات مقابل آقای مرعشی را تأیید می کند و می دانید اگر یک فقیه بخواهد با نظرات گذشته و با مشهور فقها و یا با اجماع مقابله کند، کار بسیار سختی است، اما آیت الله مرعشی این شجاعت و شهامت علمی را داشت و من اسمش را شجاعت علمی می گذارم، این شجاعت علمی را داشت که با آن نظریات مخالفت کند.

همین شجاعت علمی را ما در حضرت امام خمینی (ره) داریم. کسی تا قبل از امام نیامد بگوید بازی شطرنج با این فرض اشکالی ندارد. در بعد غنا و موسیقی و خیلی از مسائل فقهی حضرت امام (ره) این شجاعت فقهی را داشت. آقای مرعشی هم این خصوصیت در وجودش بود که نظرات دیگران را نقل، پردازش، کالبدشکافی و جراحی می کرد و خود یک نظر خاصی داشت که آن را عنوان می کرد.

ایکنا: هر عالمی به یک استاد از اساتید خود ارادت خاصی دارد، مرحوم آقای مرعشی بیشتر نسبت به چه کسی این فروتنی را داشت؟ آیت الله مرعشی از مرحوم آیت الله شیخ محمد تقی شوشتری (تستری) که کتاب هایی هم دارد. من وقتی منزل ایشان می رفتم یا این جا یا ایشان صحبت می کردم، بیشتر از مرحوم شیخ شوشتری به عنوان یک استاد و الامقام یاد می کرد. البته از آقای آل طیب و مرحوم جزایری هم سخن می گفت، اما از مرحوم شیخ شوشتری که استاد اصلی ایشان بود، بیشتر صحبت می کردند.

که من حضور ایشان نشستیم یک بحث فقهی را شروع کرد و گفت نظر شما چیست؟ کتب فقهی را آورد، یادم هست آخرش دیگر نتوانست بنشیند و همین طور روی بالشتی که داشت دراز کشید و بحث را ادامه داد. من حس می کردم که ایشان اواخر عمرش است و به بعضی از دوستان گفتم که من احساس می کنم آقای مرعشی دیگر توانایی ندارد.

یک جمله ای هم یک هفته قبل از فوتش به من گفت و آن جمله این بود که یادم هست که ما داشتیم برای ایشان نکوداشت می گرفتیم و خود من هم از ایشان دعوت کردم و در همان جلسه اول به ایشان گفتم: حاج آقا نظرات خودتان را بدهید و سه جلسه از همین جلسات مقدماتی ما راجع به نکوداشت ایشان می گذشت. هفته آخری که من خدمت ایشان رسیدم، گفت: چیت سازبان لازم نیست این نکوداشت را بگیرید. برای چه می خواهید بگیرید. من تعجب کردم و وقتی که ایشان فوت کرد، برای دوستان که بیان کردم همه با اظهار تعجب می گفتند که گویا ایشان از اواخر عمر خودش با خبر بود و به من همین طور گفت که نکوداشت هم برای من لازم نیست.

ایکنا: در گفت و گوهای قبلی همه از آزاداندیشی مرحوم مرعشی شوشتری سخن می گفتند، نظر شما در این رابطه چیست؟

همین طور است که دوستان گفتند. ایشان اقوال را خوب می دانست، اما این گونه نبود که مثلا فلان مرجع، فقیه و شخصیت بخواهد ایشان را تحت تأثیر خودش قرار دهد. حریت ایشان نه تنها در مسائل فقهی، اصولی، منطقی و فلسفی مشهور بود،

بلکه حتی در مسائل سیاسی هم حریت ایشان مشهور بود. ایشان نماینده مجلس خبرگان رهبری از استان تهران بود، اما با این حال ما هر وقت با ایشان بحث می کردیم، هم در مسائل علمی نشان می داد که تابع جو نیست و این طور نیست که نظرات دیگران را اعمال کند.

خودش هر چه تشخیص می داد و فکر خودش بود، طبق تشخیص و فکر خودش عمل می کرد. مادر جنبه های مختلفی این حریت را در زندگی ایشان دیدیم.

ایکنا: از نظرات نادری که مرحوم مرعشی در علوم اسلامی مختلف داشتند، اطلاعی دارید؟

ایشان کتاب «فلسفتنا»ی شهید صدر را ترجمه کرده بودند. سؤال خوبی فرمودید. نقطه نظرات جدید ایشان بیشتر در مسائل جزایی بود و اخیرا داشت یک کتاب می نوشت که حالا آماده است و خودمان باید دنبال کنیم و

حریت ایشان نه تنها در مسائل فقهی، اصولی، منطقی و فلسفی مشهور بود، بلکه حتی در مسائل سیاسی هم حریت ایشان مشهور بود. ایشان نماینده مجلس خبرگان رهبری از استان تهران بود، اما با این حال ما هر وقت با ایشان بحث می کردیم، هم در مسائل علمی نشان می داد که تابع جو نیست و این طور نیست که نظرات دیگران را اعمال کند



مرحوم شوشتری مطالب سنگین و مغلق علمی را قابل فهم و ساده بیان می کرد

آدمی نبود که به صورت سطحی به چیزی توجه کند و حالا این را به دیگران القا کند. این شخصیت علمی در زمینه های مختلف؛ در فقه، در اصول و در ادبیات عرب ید طولایی داشت. منطق عجیب در مشتش بود. نکته دیگری که من در شخصیت ایشان دیدم این بود که آدم بی توقع و بی ادعایی بود و به دنبال اظهار فضل و تعریف و تمجید و معرفی نبود. خدارحمشش کند. واقعا نشان نمی داد آن چه را که داشت و آن چه که به ظاهر برخی می دیدند، این ها قابل تشخیص نبود و آن داشته هایش خیلی بیشتر از ایده هایی بود که ایشان داشت. البته بر عقاید و مطالب علمی که به آن ها رسیده بود پافشاری می کرد. به سادگی از مطلب نمی گذشت، زیرا با تبحر و تعمق به آن نتیجه رسیده بود و سطحی چیزی را نخوانده بود که زود تسلیم شود. ایشان واقعا آدمی متواضع بود و با شاگردان خود مانند یک دوست صحبت و برخورد می کرد، نه به عنوان استاد. من در کارهای اجرایی ایشان نبودم، اما در مسائل علمی ما شاگرد ایشان بودیم. من منزل ایشان درس می خواندم و حدود ۱۵ سال خدمت ایشان بودم.

ایکنا: در مورد آرای خاص ایشان در مسائل فقهی اطلاعاتی در اختیار

دارید؟

ایشان مسائل را به روز تجزیه و تحلیل می کرد و نظراتی هم داشت که خلاف نظر مشهور فقهای سنتی ما بود. مثلا یکی دو تا نمونه عرض می کنم. ایشان راجع به یمین در دادگاه یا شاهد بینه، اعتقادی به حد بینه نداشت. می گفت در زمان ما شاهد کیست؟ مثل زمان صدر اسلام و ائمه (ع) نیست که شاهد شناخته شده باشد و شهادت بدهد. امروز افرادی را به عنوان بینه می آورند که اصلا معلوم نیستند. قاضی باید ایشان را بشناسد. خوب چگونه بشناسد؟ بنابراین شاهد را بی اعتبار می دانست. ایشان می گفت ما باید

مرحوم آیت الله مرعشی شوشتری مطالب سنگین و مغلق علمی را قابل فهم و ساده بیان می کرد و آن قدر به مطالب مسلط بود که در اغلب اوقات نیاز به مراجعه نداشت.

سرویس اندیشه و علم خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، جهت آشنایی بیشتر با شخصیت مرحوم آیت الله «سید محمد حسن مرعشی شوشتری»، گفت وگویی را با حجت الاسلام و المسلمین دکتر «سید محمد رضا امام»، رئیس دانشکده الهیات دانشگاه تهران که از شاگردان قدیمی مرحوم مرعشی شوشتری بود، انجام داد که آن چه در پی می آید، حاصل این گفت وگوست.



ایکنا: ابتدا در مورد میزان و نحوه آشنایی تان با مرحوم آیت الله

«سید محمد حسن مرعشی شوشتری» بگویید.

اولا مرحوم مرعشی همشهری ما بودند، ولی با این وجود آشنایی من با ایشان بیشتر از لحاظ علمی، به عنوان یک فقیه و محقق بود. علم برخی از علمای ما قابل استفاده نیست. انتقال مطالبشان به شکلی است که انسان سخت می تواند استفاده کند، اما مرحوم آیت الله مرعشی که من اصول و کفایه را خدمت ایشان خواندم، درس را ساده می گفت و آن را طوری بیان می کرد که می فهمیدی، اما همان عبارت را وقتی می خواندی اصلا متوجه نمی شدی. ولی ایشان خیلی ساده بیان می کرد و خوب می فهمیدی و رمزش بیانش بود و نکته دیگر این بود که ایشان آن قدر به مطالب مسلط بود که در اغلب اوقات نیاز به مراجعه نداشت. ما همین که می رفتیم و می گفتیم فلان موضوع، ایشان شروع می کردند به سخن گفتن در مورد آن.

هر استادی که بخواهد درسی گوید، باید قبلا مطالعه کند و ایشان هم نه این که بگوییم بدون مطالعه می آمد، اما واقعا حاذق بود و مطلب در مشتش بود و این نتیجه را می خواهم بگیرم که ایشان کارکشته و زحمت کشیده بود.

چهره شدن استاد و شاگرد در حوزه ها اثر تربیتی خاصی دارد. امام الان نوادری داریم که این گونه هستند. بله مرحوم شیخ اگر استادانی را درک می کردند چه بسا بیشتر از این می شدند. معصوم که نیست و لذا مرحوم مرعشی هم اگر نجف مشرف می شد، به نظرم یکی از مراجع تقلید می توانست بشود. خیلی ها رفتند نجف، ولی چیزی نشدند و خیلی ها هم به مراتب بالایی رسیدند.

ایکنا: اگر خاطره ای از ایشان دارید، برای ما نقل کنید.

ما خاطرات عجیب از ایشان داریم، ولی من یک خاطره را عرض کنم که قابل اثبات است و شخصی نیست و آن امر تعبد ایشان نسبت به حضرت امیر (ع) است. در یک جلسه ای مشاورین حقوقی را جذب کرده بودند. بنده در آن جلسه که پروانه مشاوره حقوقی صادر می شد، حاضر بودم. ایشان به عنوان مسئول آن بخش سخنرانی کردند. ما اگر سخنرانی کنیم چیزهای کلی می گوئیم. ولی ایشان رفت سمت زندگانی و زهد و تقوای حضرت امیر (ع) و عدم توجه ایشان به دنیا و حضرت امیر (ع) را با کلمات خود حضرت امیر (ع) بیان می کردند. آن قدر این جلسه برای خوب بود و حالتی عرفانی پیدا کرد که اگر کسی متأثر نمی شد باید بگوئیم دل سنگ داشت.

خیلی زیبا و قشنگ به وظایف مشاورین حقوقی اشاره می کرد. می گفت که برای چه می خواهید مشاور حقوقی شوید، اگر مثلاً به این جامی خواهید برسید خوشا به حالتان اما غیر این بدا به حالتان. خاطره دیگر این که مداحی را ایشان روز عاشورا برای مداحی دعوت کردند. آن مداح برای من این مطلب را قبل از مرگ ایشان تعریف می کرد. زمانی که مداح به آن قسمت از دعا رسید که باید ۱۰۰ مرتبه آن را تکرار کند، ایشان فرمود که هر کدام را صدار تکرار کن. مداح گفت حاج آقا من جای دیگر برنامه دارم، نمی شود که صدار تکرار کنم. ایشان خودشان برنامه را ادامه داد و ۱۰۰ بار هر قسمت را خواند و گفت باید طبق آن چه نقل شده، خوانده شود.

ایکنا: خیلی ها به ساده زیستی ایشان اشاره

کردند، چطور شد که ساکن جردن شدند؟

ایشان خودشان که چیزی نداشت. برادری داشتند که خیلی ثروت داشت. من هیچ گاه از ایشان سؤال نکردم، ولی این احتمال برای من ۹۹ درصد است که برادر ایشان آن را خرید باشد. البته خانه مجلی نیست. بسیار ساده است، منتهی محلش در خیابان افریقا است.

ایکنا: در مورد زندگی ایشان در شوشتر اطلاعاتی دارید؟

ایشان در شوشتر مدرسه ای را به نام مدرسه مرعشی اداره می کردند و خودشان پایه گذار آن بودند. آن جا از موقعیت خوبی برخوردار بودند. آن جا که بودند نظرات خود را خیلی مطرح نمی کردند.

متناسب با روز پیش برویم. البته نمی گوئیم همه آرایش صحیح بود. در عین حالی که خیلی پای بند به اصول و مبانی دینی و ادله فقهی بود، ولی در تطبیقش برخی جاها نظرات خاصی داشت.

ایکنا: آیا ایشان در حقوق جدید هم نظراتی داشت؟

ایشان چون مسئولیت هایی داشت، به اقتضای این مسئولیت ها طبیعی است که ورود داشت. ایشان اصلاً در برخی از معضلاتی که در مسائل قضایی پیش می آمد، مرجع بود و نظر ایشان گرفته می شد.

ایکنا: با توجه به این که شما ۱۵ سال شاگرد مرحوم مرعشی بودید، اظهار

ارادت ایشان بیشتر نسبت به چه کسانی بود؟

ایشان نسبت به علما، مخصوصاً سید محمد آل طیب که استادشان بود و شخصیتی عظیم، خیلی تعریف می کردند و ایشان را قبول داشتند، زیرا مرحوم آل طیب نظرات خیلی دقیقی داشت و خیلی آدم متعددی به مبانی دینی بود و چون ایشان شاگردی مرحوم آل طیب را کرده بود، خیلی احترام برای ایشان قائل بود، اما یک نکته من در زندگی شان دیدم که خیلی عالی بود و آن این که خیلی به مولا امیرالمؤمنین (ع) ارادت خاصی داشت. همه ما این گونه

هستیم، ولی ایشان به لحاظ علمی نظرات علمی حضرت امیر (ع) و نهج

البلاغه را خیلی مدنظر قرار می داد و غالباً از نهج البلاغه می گفت که مثلاً فلان نکته در نهج البلاغه هست. ایشان یک قداستی برای آن قائل بود و بعد علمی قضیه را مدنظر داشت مثل این که شاگرد حضرت علی (ع) بود.

ایکنا: آیا استاد ندیدن مرحوم

مرعشی بر بار علمی ایشان تأثیری می گذاشت؟

شاید ما نسبت به هر فردی این سخن را بگوئیم، مسلماً ایشان اگر نه تنها نجف بلکه به قم هم رفته بودند بار علمی دیگری داشتند. طبیعی است و اگر کسی چند مرکز را ببیند توانش بیشتر می شود، اما در عین حال این دلیل

نمی شود که توجه به مسائل نداشته باشد و مسائل را درک نکرده

باشد. مرحوم علامه شیخ محمد تقی شوشتری صاحب کتاب «بهج

الصباغه» یکی از عرفای روزگار ماست که همه به ایشان اعتقاد دارند، ایشان هم استاد ندیده بود. شخصیتی که این همه تألیفات دارد. شرح لمعه را ایشان با یک سبک جدید نوشته و نهج البلاغه را با سبک جدیدی شرح کرده است. مرحوم شیخ می گوید من رفته بودم درس بخوانم، دیدم استادمان مثلاً نیم صفحه را درس داد. من گفتم کم است گفت نه این بس است. من دیدم خیلی جلوتر از شاگردان دیگر می توانم درس بخوانم، چرا وقتم را ضایع کنم. خودم می خوانم و رفتنم خواندم. گاهی این شکلی می شود و ما نمی توانیم این را قاعده کلی بگیریم که هر کس خودش برود درس بخواند. چون خود چهره به



مرحوم مرعشی نسبت به علما،
مخصوصاً سید محمد آل طیب که
استادشان بود و شخصیتی عظیم،
خیلی تعریف می کردند و ایشان را قبول
داشتند، زیرا مرحوم آل طیب نظرات
خیلی دقیقی داشت و خیلی آدم
متعددی به مبانی دینی بود و چون
ایشان شاگردی مرحوم آل طیب را کرده
بود، خیلی احترام برای ایشان قائل بود



آیت الله مرعشی در تحلیل نظرات فقها همیشه از نظریه اکثریت پیروی نمی کرد

قبل از انقلاب و بعد از انقلاب بود، نفوذ ایشان اما بیشتر نفوذ علمی و حقوقی بود؛ یعنی معمولاً قضات برجسته نسبت به روحانیون کمتر تمکین می کردند، اما در مقابل اندیشه های ایشان در مسائل حقوقی یک انقیاد و تمکین خاصی داشتند، به نحوی که ایشان در دیوان عالی کشور که معمولاً بین آرای مختلف وحدت رویه ایجاد می کند، نقش عالمانه و برجسته ای داشتند.

زندگی در مورد نحوه آشنایی خود با مرحوم مرعشی اظهار کرد: من از شاگردهای ایشان در مقاطع لیسانس و دکتری بودم. متون مختلف فقه را پیش ایشان گذراندم، ضمن این که چون من در آموزش دادگستری استان تهران هستم، از نزدیک با ایشان در ارتباط با آموزش ضمن خدمت قضات همکاری داشتم؛ یعنی ایشان علی رغم وزانت علمی که داشتند در مجتمع های مختلف حاضر می شدند و مباحث مختلف فقهی را خصوصاً در مباحث خانواده و مباحث کیفری در پرسش و پاسخ قضات بررسی می کردند. مثلاً ایشان در بحث ارتداد یک نظر خاصی دارند. یک نظر علمی خاصی که این

اعتقاد مرحوم آیت الله مرعشی شوشتری در تحلیل نظرات فقهای متقدم و یا متأخر و مخصوصاً فقهای سلف، این نبود که همیشه از نظریه اکثریت پیروی کنند.



«محمدرضا زندی»، معاون دادگستری استان تهران و از شاگردان مرحوم آیت الله «سیدمحمدحسن مرعشی شوشتری»، در گفت و گو با سرویس اندیشه خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، درباره شخصیت آن مرحوم، با اشاره به مطلب فوق، گفت: مرحوم مرعشی از اعضای اصلی شورای علمی ماه نامه قضاوت بودند. ایشان عضو شورای عالی قضایی هم بودند؛ یعنی در رأس قوه قضائیه شورایی متشکل از چند مجتهد بود که یکی از آن ها آقای مرعشی بود. تمایز آقای مرعشی از سایر اعضا به این خاطر بود که آقای مرعشی یک شخصیت انتخابی بود؛ یعنی ایشان با انتخاب قضات در این شورا قرار گرفت. وی افزود: با توجه به این که در آن زمان جنس قضات ترکیبی از قضات

تحلیل نظرات فقهای متقدم و یا متأخر و مخصوصا فقهای سلف، اعتقاد ایشان این نبود که همیشه از نظریه اکثریت پیروی کنند.

معمولا نظریه اکثریت را می گفتند، اما نظر اقلیت را هم تحلیل می کردند و با استدلال های عقلی این دورا مقایسه می کردند و با توجه به مقتضیات زمانی و مکانی، نظریه های مختلف را تحلیل می کردند و بعضا هم از نظریه اقلیت پیروی می کردند و می گفتند که این راه گشاست، ضمن این که خودشان هم نظریات اجتهادی مخصوص خودشان را هم داشتند.

وی در مورد انس مرحوم شوشتری با قرآن گفت: ایشان الفت و مانست سنتی با قرآن داشتند؛ یعنی معمولا کسانی که در مسیر مباحث علمی قرار می گیرند، شاید از این شکل سنتی قرائت قرآن و یا مقید بودن به قرائت قرآن روزانه یا ادعیه و توسل به ائمه (ع) خارج می شوند، ولی ایشان این حالت سنتی را داشت و قرائت قرآن و تسلطش به آیات آن جزو مسائل هر روزه اش بود و معمولا در مسائلی که مربوط به ائمه (ع) بود نیز زود متأثر می شد. در ذکر مناقب یا مصائب ائمه (ع) واقعا متأثر می شد، به صورتی که این امر برای کسانی که ایشان را می دیدند، خیلی مشهود بود

معاون دادگستری استان تهران در پایان خاطرنشان کرد: ما یک همایش قرآنی داریم که هر سال برگزار می شد و امسال هشتمین همایش قرآنی است که بین قضات و کارمندان دادگستری استان تهران برگزار می شود. اولین همایش قرآنی ما با حضور ایشان بود که آن شأن روحانی خودشان را به این گونه جلسات قرآنی هم وارد می دانستند.

مباحث در آموزش دادگستری استان تهران به صورت فیلم و سی دی موجود است و اگر کسی بخواهد از دروس حقوقی ایشان استفاده کند، آن جاهست.

معاون دادگستری استان تهران با اشاره به ساده زیستی مرحوم مرعشی تأکید کرد: غیر از فضل علمی و حقوقی، به نظر می رسد آن چه که موجب جذابیت شان شده بود، بحث ساده زیستی است که معمولا نسبت به مسئولان تأکید

می کنند که زی طلبگی خودشان را در هر مقام و منصبی هم که قرار می گیرند باید حفظ کنند. خوب ایشان انصافا همین گونه بود. من یادم هست که ایشان مدرس دانشکده علوم قضایی و عضو شورای عالی قضایی بودند، ولی در رفت و آمدها و مجالست هایشان با بقیه از یک سادگی و بی تکلفی خاصی برخوردار بودند و تا آخر حیاتشان هم این امر ادامه یافت.

وی با اشاره به استعفای مرحوم مرعشی از شورای عالی قضایی، گفت: ایشان وقتی از آن شورا استعفا دادند، کاملا وارد مسائل علمی شدند؛ یعنی این ورودشان به دستگاه قضایی باعث شد تا احساس کنند که باید بنای تحقیقات و مطالعاتشان را بر مباحث حقوقی و خصوصا مباحث حقوق کیفری اسلام بگذارند.

زندگی تصریح کرد: ایشان دیدگاه های خاصی در مسائل فقهی و حقوقی داشتند که خیلی هم در مسائل مختلف راه گشاست.

مجموعه مقالاتشان تحت عنوان «اندیشه های نو در حقوق کیفری اسلام» جمع آوری شده که مقالات مختلفی را در آن راجع به قضاوت زن، قتل عمد، اکراه در قتل و... نوشتند که در این گونه مباحث نظرات

منحصر به فردی داشتند. نکته ای که معمولا شاگردهای ایشان از ایشان نقل می کنند این است که در

مجموعه مقالاتشان تحت عنوان «اندیشه های نو در حقوق کیفری اسلام» جمع آوری شده که مقالات مختلفی را در آن راجع به قضاوت زن، قتل عمد، اکراه در قتل و... نوشتند که در این گونه مباحث نظرات منحصر به فردی داشتند

ایشان الفت و مانست سنتی با قرآن داشتند؛ یعنی معمولا کسانی که در مسیر مباحث علمی قرار می گیرند، شاید از این شکل سنتی قرائت قرآن و یا مقید بودن به قرائت قرآن روزانه یا ادعیه و توسل به ائمه (ع) خارج می شوند، ولی ایشان این حالت سنتی را داشت و قرائت قرآن و تسلطش به آیات آن جزو مسائل هر روزه اش بود

آیت الله مرعشی شوشتری

مجدوب شخصیت

علامه طباطبایی (ره) بود



جلسه امتحان جامع دکتری و نهایتاً در دفاعیه رساله دکترای بنده، این استاد فرزانه در مراحل تدوین نقش مؤثری داشتند.

وی افزود: باید یادی کنم از جناب استاد دکتر کی نیا که پدر علم جرم‌شناسی ایران نامیده شد. او در همان سال‌ها از ایشان به عنوان علامه یاد می‌کند. ندیدم ایشان نسبت به هیچ‌کس چنین خطایی را داشته باشد. خود استاد کی نیا از نظر علمی شخصیت جهانی داشت و در رشته تخصصی خودش صاحب نظر بود و خیلی از شخصیت ایشان به بزرگی یاد می‌کرد و همواره به دانشجویان نصیحت می‌کرد که مبدا از نکات علمی این شخصیت برجسته مورد غفلت قرار گیرد. برای همین من هم به واسطه علاقه

زیادی که خدمت استاد کی نیا داشتم، به شدت پی‌گیر مباحث علمی ایشان بودم و همان سال‌ها بعد از امتحان دکتری در جلسات هفتگی خدمت ایشان می‌رسیدیم و سالیان زیادی از محضر ایشان استفاده می‌کردیم. آخرین جلسه‌ای که خدمت ایشان بودیم، یک هفته قبل از ارتحال ایشان بود که در واقع نیمه شعبان به رحمت خداوند رفتند و هفته قبلش ما خدمت ایشان بودیم و بحثی را در مورد مکاسب و بحث‌های فقهی داشتیم.

خداکرمی در مورد خصوصیات اخلاقی مرحوم مرعشی گفت: از نظر خصوصیات اخلاقی، فردی نجیب، پارسا و بی‌آلایش بود و سرور دائمی داشت. خلق کریمانه داشت، به نحوی که همه به او عشق می‌ورزیدند. هر وقت می‌خواست بحثی داشته باشیم، درب منزل ایشان باز بود. ایشان همواره در کلاس‌های درس از اساتید خودش، مانند: علامه شوشتری، محمدحسن آل طیب، استاد جزایری و سیدمحمدتقی حکیم که اندیشه‌های والایی در فقه داشتند، یاد می‌کرد. ما هم در دانشگاه خدمت ایشان بودیم و هم دروس حوزوی‌ای مانند: فقه و مکاسب و اصول فقه را از محضر ایشان استفاده می‌کردیم. در واقع می‌توانم عرض کنم ایشان مرزبان عرصه‌های عقیده و ایمان و دانش و فرهنگ بود. یکی از همین سال‌ها که خدمت

مرحوم آیت الله مرعشی شوشتری مجدوب شخصیت علامه طباطبایی بود و در تبیین اقتصاد اسلامی همواره علامه شهید صدر و از لحاظ فکری، شهید مطهری را مثال می‌زد.



«نبی خداکرمی»، دکترای حقوق، قاضی دادگستری و از شاگردان مرحوم آیت الله «سیدمحمدحسن مرعشی شوشتری»، در گفت‌وگو با سرویس اندیشه خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، درباره شخصیت مرحوم آیت الله مرعشی، با اشاره به مطلب فوق، گفت: من مقطع لیسانس را در دانشکده علوم قضایی در سال‌های ۶۲ به بعد گذراندم که از همان اوایل افتخار شاگردی مرحوم مرعشی را هم پیدا کردم. از همان اولین جلسات کلاس درس، دانشجویان به شدت مجدوب شخصیت اخلاقی، علمی، فقهی، دینی و انقلابی ایشان شدند که همراه با صبر و تفکر و تدبیر بود. پایه پای کلاس‌ها و یادگیری دروس، ارتباطمان را از نظر علمی برقرار کردیم و در مقطع فوق لیسانس هم که سال ۱۳۶۶ پذیرفته شدم، دروس مختلفی را در زمینه فقه و اصول فقه خدمت ایشان داشتیم که ضمناً مشاور پایان‌نامه کارشناسی ارشد من هم ایشان بود. در سال ۱۳۶۹ که در مقطع دکتری پذیرفته شدم، این افتخار را داشتم که کلاس‌های متعددی را خدمت ایشان باشم و همین‌طور در

اجرائی ایشان، شاید بیش از ۲۰ هزار نفر جوان با دریافت این پروانه وکالت یا کارشناسی، توانستند تشکیل زندگی دهند؛ چون شغلی دارند که پروانه دارد و درآمداست.

این دکترای حقوق تصریح کرد: خیلی وقت ها بحث خداشناسی که مطرح می شد، مرحوم مرعشی می فرمودند جهان هستی انسان را مبهوت می کند. وقتی بحث در باها و صحراها و فصولی مانند بهار و رویش درختان بود، استاد همواره دریچه ای از معرفت را برای ما می گشود. خاطریم هست که بحث فضاوردانی که به فضا رفتند، بود که استاد می گفتند ببینید واقعا این جهان هستی چه عظمتی دارد که این ها یک برگ از درخت معرفت هستند و همواره تأکید می کردند که تلاش و کوشش کنید تا اهل علم باشید. این طور نباشد که کسانی که به این دین آشنایی ندارند، این همه در عرصه علم پیشرفت کردند و این آیه را می فرمودند: «ان الارض یرثها عباد الصالحون»؛ یعنی این دنیا برای کسانی است که کار خوب و صالح انجام دهند و دین این را از ما خواسته است. مبادا کار ناسالمی در عرصه قضایی، علمی، تولی کالاها، خدمات گارانتی کالاها... بکنیم.

وی در باب مبنای نظرات آیت الله مرعشی گفت: مرحوم مرعشی اصولی و در جای خودش هم عارف بزرگی بود. همواره تأکید می کردند که در مباحث علمی انسان باید اصول و مبنا و محورها و قواعد بحث را داشته باشد. یک وقت بحثی در محضر ایشان مطرح می شد، می گفت این بحثی که داریم، می کنید، اصول دستتان نیست، لا اقل اصول عقیده خودتان را در این مبحث علمی روشن کنید که چه می خواهید بیان کنید.

خیلی معتقد بود که انسان در هر زمینه ای باید اصول و قاعده ای داشته باشد کمالین که در ریاضیات ماقواعد داریم. در فقه، اصول فقه را داریم که در واقع همان قواعد فقهی است. سال هایی هم که افتخار حضور در درس قواعد فقه ایشان را داشتیم، این امر خیلی مورد تأکید ایشان بود. می گفتند موضوعات با این قواعد قابل حل هستند. کما این که ما اگر در ریاضیات، قواعد و فرمول های ریاضی را ببینیم، تمام مسائل ریاضی را می توانیم حل کنیم. ایشان در مباحث اجتماعی، فقهی و حقوقی همین طور بود.

خداکرمی در پاسخ به این سؤال که آیا مرحوم مرعشی میان فقه سنتی و حقوق جدید تطبیقی می کردند تا حقوق جدید را در قالبی سنتی مطرح کنند؟، گفت: بله، بحثی که خودم در رساله دکترا داشتیم، بررسی حقوق تطبیقی در زمینه جرم قتل در حقوق ایران و امریکا بود. همواره از دانشجویان می خواست که این حقوق تطبیقی را داشته باشند و مطالعه کنند و ببینند حقوق روز دنیا چه هست؛ چرا که در آیات الهی داریم که اقوال مختلف را گوش کنید و احسن آن را انتخاب کنید. غربی ها در خیلی از موضوعات

ایشان بودیم، ماه مبارک رمضان را برای تفسیر «آیهالکرسی» خدمت ایشان می رفتیم. در ماه مبارک خیلی به ما توصیه می فرمودند که این ماه، ماه خودسازی است و باید خودسازی کنیم تا یازده ماه دیگر بتوانیم زندگی کنیم.

وی تأکید کرد: مرحوم مرعشی در مباحث فردی، نبوغ و استعداد

والایی داشت. وقتی طرح بحثی می شد، در هر یک از مباحث حقوقی و فقهی تسلط والایی داشت. در کنار این بحث همت و تلاش بی نظیری داشت. در همین مباحث علمی گاهی اوقات تا نیمه شب که بحث می کردیم، می دیدیم ایشان انرژی بحث کردن را داردم و ما بودیم که علی رغم سن و سال کم می بریدیم، ولی ایشان بود که توان و انرژی برای گفتن مطالب جدید را داشت. یکی از ویژگی های مهم ایشان بی توجهی به مناصب دنیوی بود. این عناوین دنیوی؛ ریاست ها و سمت ها برای ایشان اصلا مورد توجه نبود و آن چیزی که برای ایشان مورد توجه بود رضای خداوند بود. عمر پربرکتش را

صرف تعلیم و تربیت می کرد و در واقع می توانم بگویم زندگی شخصی و اجتماعیش در پای بندی و پاسداری به این میثاق الهی که به مردم خدمت کند، علی گونه بود. به دفعات فرامین حضرت امیر (ع) به مالک اشتر را گوشرد می کرد.

خداکرمی اظهار کرد: مرحوم مرعشی روح بزرگی داشت و سبک بال بود که این روحیه بزرگ ایشان همواره برای ما درس و الگوست. در خصوص مسائل دینی، اخلاقی و آداب و معاشرت واقعا برای ما یک الگو بود. خاطریم هست گاهی اوقات می گفت که از ائمه اطهار (ع) روایت داریم که هر سه روز یک بار ختم قرآن می کردند. ما کجا مییم و چقدر به قرآن علاقه داریم و چقدر قرائت و عمل به قرآن می کنیم. خاطریم هست که می گفت: من که در اتومبیل می نشینم تا به اداره بروم، ظرف ۲۰ دقیقه گاهی اوقات یک جزء قرآن را می خوانم و یا می فرمود که از این ادعیه ای که در مفاتیح داریم، غافل نشویم. مباحث خداشناسی، معاد، اخلاق و مکارم اخلاقی ادعیه همواره مورد توجه ایشان بود. در مورد موضوعات مختلف، تعقل و تفکر و عاقبت اندیشی می کردند و اظهار نظری که می کردند، شاید ما چند سال بعد به آن موضوع می رسیدیم. یکی از آثار بسیار ارزشمند ایشان همین بحث اجرائی کردن ماده ۱۸۷، چه در بحث وکالت و چه در بحث کارشناسی است. من در دستگاه قضایی شاهد این بودم که خیلی از جوان های بی کار لیسانسه بودند که لیسانس حقوق یا رشته های مختلف علمی را داشتند و بی کار بودند. ایشان با آن حرکت جوری عمل کرد که آن جوان ها توانستند پروانه وکالت بگیرند. شاید بیش از ۲۰ هزار نفر پروانه وکالت گرفتند. شاید اگر این فضا نبود، صد نفر هم نمی توانستند از کانون وکلا پروانه بگیرند، ولی با این باقیات الصالحات



اجتماعی کار کردند که مانیز باید از تجارب بشری بما هو بشر استفاده کنیم. می فرمودند بحث هایی که فرضا در زمینه مکاسب داریم، مباحث روز جامعه بوده که آن فقیه به مباحث روز آن جامعه مسلط بوده و یکی دوسه از آن زمان گذشته و بعضی از مباحث قرن ها از آن گذشت است، اما امروز در شرایط

دیگری هستیم. چه پاسخی برای این گونه از مسائل مستحدثه و موضوعات اجتماعی داریم؟ خیلی تأکید می کردند که در خصوص تطبیق باید می آمدیم خدمت ایشان و مستندا کتاب را می آوردیم و استنادات این منابع را می گفتیم که مثلاً حقوق دنیا چه می گوید که ایشان نقش بسیار مؤثری در این زمینه داشتند.

وی در مورد ارتباط مرحوم آیت الله مرعشی با علامه شهید صدر گفت: مرحوم مرعشی کتاب «فلسفتنا»ی شهید صدر را ترجمه کردند.

شهید صدر در مباحث اقتصاد اسلامی هم صاحب نظر بود. ایشان خیلی به شهید صدر و مباحث علمی ایشان عشق می ورزید. ایشان آثار شهید مطهری را نیز برای ما گوشزد می

کرد و می گفت ببینید آقای مطهری شخصیتی بود که مطالب علمی اش آن روز جوان ها را جذب کرد، شهید صدر شخصیتی بود که در آن زمان اقتصاد را خوب مورد بررسی قرار داد. از جهت اقتصادی همواره شهید صدر را مثال می زد و از جهت افکار شهید مطهری را.

در واقع در بحث فلسفی و کلامی بحث شهید مطهری را مطرح می کرد و می گفت ببینید شهید مطهری به تمام فلسفه های کفر احاطه و تسلط دارد که اگر بخواهد هر فلسفه از غرب یا شرق را بگوید واقعا قابلیت این را دارد که بیاید و آن فلسفه را تدریس کند و بر اساس تدریسش فلسفه اسلامی را کنارش بگذارد و آن ها را با اصول و مبنا رد کند. خیلی تأکید می کرد که آقای مطهری کورکورانه چیزی را رد نمی کند و به آن موضوع فلسفی و کلامی تسلط کامل دارد. مجذوب شخصیت علامه طباطبایی بود و به دفعات می گفت «هانری کربن» چقدر هنر داشت که به عنوان یک فیلسوف از غرب آمد و شخصیت علامه را درک کرد.

از آقای نصر به دفعات صحبت می کرد و واقعا شخصیت علمی نصر را خیلی می ستود و می گفت که ببینید در دنیای غرب علوم اسلامی را مطرح می کند. مادر غرب دکتر نصر را داریم که از اندیشه های اسلامی بازبان خود آن ها دفاع می کند. گاهی اوقات این اشاره را به ما داشتند که ببینید در این کره هستی امروز یک حکومت شیعی داریم و آن هم جمهوری اسلامی است. جای دیگری نداریم و خدای ناکرده اگر ضربه ای به این حکومت بخورد، دیگر شیعه نمی تواند سرش را بلند کند و در عرصه های علمی علمای شیعه بیایند و بگویند بله شیعه هم می تواند حکومت کند و آن تفکر لائیک، تفکر برتر شناخته خواهد شد و می گویند ببینید حکومت های دینی کاری نتوانستند بکنند.

این قاضی دادگستری در ادامه به بیان ذکر خاطراتی از مرحوم مرعشی پرداخت و گفت: در این دنیای مادی که می توانم بگویم همه یا قریب به اتفاق دنبال منافع مادی هستند، به دفعات شاهد این بودیم که ایشان فقط برای رضای خدا قدم های عجیبی برمی داشتند که شاید بعضی از وکلا با ۱۰۰

میلیون هم چنین کاری نکنند. ایشان بدون این که شخص را بشناسد، تنها محتویات واقعی پرونده را مطالعه می کرد. در پرونده های جزایی یا مالی می گفت باید دقت کرد، در دماء باید خیلی احتیاط کرد، در مجازات های شدید خیلی باید احتیاط کنیم. قاضی که خودش می خواهد مجازات شدید را حکم کند همان گونه که در روایات داریم، واقعا خودش این موضوع را روایت کرده باشد. در قتل عمدی که مجازاتش قصاص است و از موضوعات رساله دکترای من همین بحث جرم قتل بود، خیلی ایشان تأکید می کردند که با احتیاط برخورد کنید.

وی افزود: خاطر من هست شبی یکی از دوستان آمد و موضوع پرونده ای را به ایشان رساند و گفت شخصی را فردا با این خصوصیات پرونده ای که مجازاتش این نمی شود، می خواهند اعدام کنند و حکمش را دادند. ایشان خواستند و بررسی شد و دیدند که این خصوصیات پرونده ای درست است. سریع مداخله کردند و گفتند این که از نظر فقهی مجازاتش قصاص نمی شود، این از قتل هایی است که در مجازاتش شبهه است و هر کجا که شبهه است باید احتیاط کرد. عجیب بود ایشان.

در مورد شبهه در حدود و یا شبهه در مجازات های تعزیر، می فرمودند که مجازات حدی را بر می دارد و انسان را وادار به تعقل و تدبیر می کند که مجازات سنگین را زود اجرا نکنیم و می گفتند که ببینید در سراسر عمر معصوم (ع) و سراسر عمر امام علی (ع) ما چند مجازات حد و قصاص و دیه را دیدیم که اجرا شود؟ ائمه (ع) خیلی احتیاط می کردند و معتقد بودند که اگر مجازاتی چند روز به تأخیر بیفتد، بهتر از این است که بخواهیم زود آن را انجام دهیم؛ چون بعد از مجازات سنگین که طبعاً سلب حیات می شود یا آبرواز طرف مقابل می رود، دیگر نمی توان کاری کرد. به آبرو و حیثیت اشخاص خیلی تأکید داشت که مبدا کوچکترین بی حرمتی به اشخاص شود، کسی جرأت نداشت نزد ایشان به هیچ شخصیتی بی احترامی کند و احترام اشخاص برای ایشان خیلی مهم بود که باید رعایت می شد.

خدا کرمی در پایان خاطر نشان کرد: خیلی وقت ها از مسائل انقلاب که بحث می شد، آیت الله مرعشی خیلی دلسوز انقلاب، آرمان های انقلاب و شهدا و امام شهدا بود و در تحول، اصلاحات و استمرار این نهضت نقش مؤثری داشتند که از جمله آن ها پرورش شاگرد بود.

مرحوم مرعشی خیلی به شهید صدر و مباحث علمی ایشان عشق می ورزید. ایشان آثار شهید مطهری را نیز برای ما گوشزد می کرد و می گفت ببینید آقای مطهری شخصیتی بود که مطالب علمی اش آن روز جوان ها را جذب کرد، شهید صدر شخصیتی بود که در آن زمان اقتصاد را خوب مورد بررسی قرار داد.



آیت الله مرعشی در بحث «قسامه» به مطلق تعدد قاسمین معتقد بود

قانون مجازات اسلامی در بحث «قسامه» بر این مبنا استوار بود که مدعی می تواند شخصا در صورتی که به تعداد لازم قاسم نداشته باشد، خودش به تنهایی همه قسم ها را بخورد و رأی به نفعش صادر شود، اما مرحوم آیت الله مرعشی شوشتری به این نتیجه رسید که قاسمین باید متعدد باشند و هر کس بیش از یک قسم نمی تواند بخورد که براساس نظر ایشان قانون مجازات اسلامی اصلاح شد.



«حسن مرادی»، دکترای حقوق و عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، از دیگر شاگردان مرحوم آیت الله «سید محمد حسن مرعشی شوشتری» است که در گفت و گو با ایکننا، به تشریح شخصیت اخلاقی و علمی استاد پرداخت.



ایکننا: نحوه آشنایی شما با مرحوم آیت الله مرعشی شوشتری از چه طریقی بود؟

حدود ۲۰ سال قبل در مدرسه عالی شهید مطهری با حضرت استاد آشنا شدم و چون آن جا به صورت پاره وقت درس طلبگی می خواندم، از درس های حضرت استاد استفاده می کردم و بعد در مقطع کارشناسی ارشد و دکترای تربیت مدرس هم پاره ای از درس ها را در محضر استاد گذراندم.

■ ایکننا: از خصوصیات اخلاقی ایشان برای ما بگویید.

کاش این برنامه در دوران حیات ایشان تنظیم و ارائه می شد. به هر حال با ذکر تأسف و تأثر از این امر، باید بگویم که حضرت استاد ویژگی های بسیار بارزی داشتند، هم در جهات علمی و هم از بعد سیاسی و عملی و هم جنبه های اخلاقی و فردی و عبادی که این ویژگی ها به واقع لا تعد و لا تحصی است. هر کسی که شاید یک جلسه از محضر ایشان استفاده می کرد، می توانست حداقل پاره ای از این ویژگی ها را ببیند. از بعد اخلاقی ایشان بسیار فروتن بود و محضر بسیار آرام و مطمئنی داشت. وقتی ما توفیق حضور پیدا می کردیم، خودمان به آرامش خاطر می رسیدیم. بی تردید در محضر ایشان از سجایای اخلاقی و رفتاری ایشان بهره می گرفتیم و تا مدت ها تحت تأثیر این حضور بودیم. ایشان با همه مدارج علمی و تسلطی که بر دروس داشت، محضرشان طوری بود که دانشجویها فرصت این را پیدا می کردند هر نوع سؤالی که می خواهند از ایشان بپرسند. هیچ کس از این که سؤالی از ایشان بپرسد، نگران نمی شد که احتمالا استاد به او پاسخ ندهد و یا با او برخورد کند. از ویژگی های بارز ایشان این بود که کاملاً به سؤال دانشجویان گوش می داد و به طور جامع و کامل هم آن ها را پاسخ می گفت. منزلش همیشه به روی همه دانشجویانش باز بود. می شد هر وقت به حضور ایشان رسید و یا از طریق تلفن به طرح

سؤالات و اشکالات خود پرداخت، در حالی که شاید افراد کمتر چنین فرصتی را برای سایرین قائل می شوند که مردم هر وقت که احتیاج داشته باشند به آن ها دسترسی پیدا کنند. در حوزه کاری ما و روابطی که بنده حقیر با ایشان داشتم، این ها جزء ویژگی های مؤثری بود که خود من همیشه از ایشان استفاده می کردم.

ایشان هم در حوزه های علمی و ویژگی های بارزی داشتند و هم از جهت سیاسی و هم از بعد سجایای اخلاقی و خصوصیات فردی و عبادی، ولی آن چه بر همه این ها احاطه و اشراف داشت، این بود که حضرت استاد همیشه در

همه این حوزه ها، هم در اظهار نظرهای علمی خودشان و هم در نشست و برخاست های فردی و موضع گیری های سیاسی و عملیشان، یک مطلب را مد نظر خودشان قرار می دادند و آن هم جلب رضای حق تعالی بود. چیزی که بسیار برای من جالب بود، این بود که در همه موضع گیری ها آن چه که برای ایشان اهمیت داشت، این بود که رضای خداوند متعال را کسب کند.

ایکنا: مرادوات شما با استاد بیشتر در چه زمینه هایی بود؟

بیشتر روابط ما حول مباحث علمی و درسی بود. جلسات هفتگی در منزل ایشان برگزار می شد و ما هم اگر توفیق داشتیم، می آمدیم و بهره می بردیم. به علاوه هر کجا که سؤالی برای ما مطرح می شد، اطمینان خاطر داشتیم که می توانیم به جواب سؤال برسیم.

ایکنا: منظور من این بود که در کدام شاخه از علوم با ایشان تعامل داشتید؟ من بیشتر درباره علم حقوق با ایشان مرادوات داشتم.

ایکنا: آیا مرحوم آیت الله مرعشی خصوصیات بارزی در طی طریق علمی داشتند؟

از بعد علمی ویژگی های فراوانی داشتند. یکی از خصوصیات بارز علمی ایشان این بود که هم به دروس حوزوی احاطه کاملی داشت و هم به دروس دانشگاهی، آن هم به دروس سطح بالای حوزوی و دانشگاهی. در حوزه ها دروس خارج فقه و اصول و در دانشگاه ها، در مقاطع تحصیلی کارشناسی ارشد و دکترای تدریس می کرد. البته باید بگویم از این که برای سطوح پایین یا دانشجویان و طلبه های سطح پایین تدریس کند، برای خودش کسر شأن نمی دانست و این هم یکی از ویژگی هایی است که شاید در کمتر استادی یافت شود. معمولاً اساتیدی که مدتی به تدریس اشتغال پیدا می کنند، دیگر حاضر نیستند برای دانشجویان ورودی پایین تدریس کنند، در حالی که ایشان از این جهت تفاوتی بین دانشجویان قائل نبود. سطح درس برای ایشان اهمیتی

نداشت.

ایکنا: بعد تدریس و احاطه علمی مرحوم آیت الله مرعشی چگونه بود؟ ایشان نسبت به آن چه که ارائه می کرد، احاطه کامل داشت. اشراف و احاطه کامل نسبت به همه این دروس داشت و دانشجویان و طلبه های او اطمینان داشتند که آن چه از او دریافت می کنند، با ملاحظه همه اطراف و جوانب قضیه و حرف صحیح و روز است. احاطه استاد به علوم روز کامل بود. به نیازهای تحقیقاتی، علمی، فرهنگی و پزشکی مراکز مختلف را پاسخ می داد و معمولاً در ارائه دروس مقاطع بالاتر که استاد کمی اختیار بیشتری دارد که نوع درس و نوع مطلب را خودش انتخاب کند، معمولاً مطالبی را ارائه می کرد که مورد نیاز دانشجویان بود. در واقع نیاز روز دانشجویان را ایشان مطرح می کرد و به بحث می گذاشت. همین طور تلاش شان این بود که افراد و دانشجویان شان، دچار جمود فکری نشوند، آن ها را محقق بار می آورد؛ چون فرصت اظهار نظر و سؤال و پرسش را همیشه به آن ها می داد. به رغم این که استاد پاره ای از این دروس را مکرر تدریس کرده بود، خودم شاهد بودم که دروس سطوح اول و پایین را حداقل در طول مسیر؛ از منزل تا مدرسه آن موضوع را یک بار نگاه می کرد. آن چه را که می خواست ارائه کند، تورقی می کرد تا یک بار تجدید خاطر شود تا بتواند به طور کامل آن را ارائه کند. به هر حال اطلاعات حضرت استاد نسبت به مسائل روز جامع بود و با نیازهای زمان انطباق داشت.

ایکنا: از آثار علمی و قلمی ایشان تاکنون چه کتاب هایی منتشر شده است؟

در حوزه های مختلف صاحب کتاب و مقاله بود. شاید قریب ۲۰ عنوان کتاب از ایشان به یادگار مانده است و می شود به جرأت گفت بیش از ۱۰۰ عنوان مقاله در بسیاری از نشریات علمی - پژوهشی داخل کشور از ایشان چاپ شده است. دیدگاه های بسیار نوینی نسبت به مسائل مبتلابه حقوقی ارائه کرد که یکی دو جلد از آن ها تاکنون به چاپ رسیده و در دسترس نیازمندان و علاقه مندان ایشان و این علوم قرار گرفته است.

ایکنا: نحوه تعامل دانشجویان و طلاب با ایشان چگونه بود؟

دانشجویان ایشان که اعم از دختر و پسر بودند، در کلاس های درس ایشان با امنیت خاطر حضور پیدا می کردند. ایشان حداقل آن قدر که بنده به خاطر دارم، بیش از ۲۵ سال در مدرسه عالی شهید مطهری و دانشگاه های تهران تدریس می کرد. درس را طوری ارائه می کرد که گویی یک پدر به فرزند خودش مطلب را ارائه می کند. این خیلی مهم است که دانشجو بتواند در

مرحوم مرعشی در حوزه های مختلف صاحب کتاب و مقاله بود. شاید قریب ۲۰ عنوان کتاب از ایشان به یادگار مانده است و می شود به جرأت گفت بیش از ۱۰۰ عنوان مقاله در بسیاری از نشریات علمی - پژوهشی داخل کشور از ایشان چاپ شده است

بودم که اگر کسی ضمن بیان اقوال و نظرات مخالف اگر قصد تعریض آن صاحب نظر را می داشت، برآشفته می شد و مخالفت می کرد. ناراحتی خودش را صریحا و ضمنا ابراز می کرد که شما فقط به واقع همان نقل قول را مطرح کنید و به قائل و گوینده آن کاری نداشته باشید. تعصب بسیاری نسبت به علما و فقهای شیعه داشت. این هم از ویژگی های بارز ایشان بود. هیچ وقت نمی توانست بپذیرد که کسی در محضر ایشان به عالمی تعریض کند و خدای ناکرده کوچک ترین اهانتی روا بدارد.

باز از ویژگی های ایشان این است که اسم و رسم برای ایشان مهم نبود. خیلی از دانشجویها که پایان نامه نوشتند، شاید به جرأت بتوان گفت به خاطر همین ویژگی هایی که من بخشی از آن ها را عرض کردم، همه زحمت آن رساله را ایشان می کشید، اما نه عنوان استاد راهنما داشت و نه مشاور و در بسیاری از موارد به جهت دانشجویی که یک استاد مکتلا مسئولیت راهنمایی رساله را داشته باشد، ایشان از این جهت ناراحت نمی شد که عنوان مشاور داشته باشد و زحمت را ایشان بکشد و عنوان و حق الزحمه را کس دیگری بگیرد. هیچ گاه از این قبیل مسائل ملول نمی شد و به زبان نمی آورد.

شاید در این سال های اخیر بنده کمی بیشتر به ایشان نزدیک شده بودم و برخی مطالب را اجمالا می شنیدم، مثلا این که هیچ گاه تألیفاتی را که انجام داده بود، حق التألیف آن را دریافت نکرده بود. برای کتاب هایی که در سال های اخیر نوشته بود، هیچ گاه حق التألیف دریافت نکرده بود. من همیشه برای خودم این سؤال باقی مانده بود که ناشر چگونه با ایشان حساب کرده است؟ آیا از قیمت کتاب کم گذاشته یا ... روزی گفتم ناشرین دیگری هم هستند که حق التألیف هم می پردازند. قصدم این نبود که بدانم که آیا نسبت به کتاب های قبلی حق التألیف می گیرند یا خیر؟ ولی این مسئله باعث شد که این مطلب را مطرح کند که من تا به حال حق التألیف نگرفتم. نمی دانست که این حق را دارد که حق التألیف



محضر استاد خودش آرامش خاطر داشته باشد. بدون در نظر گرفتن سلامت جسمی خودش کار می کرد که این خیلی مسئله مهمی است که ایشان هیچ ملاحظه ای نمی کرد که الان من کسالت دارم. این عدم توجه به سلامتی خودش، هم از بعد تحصیل و هم از بعد مراجعات بود. می شد همیشه به ایشان مراجعه کرد. هیچ وقت بنده فکر نمی کردم که الان ممکن است ایشان در حال استراحت باشند یا کسالت داشته باشند. اگر پرسشی داشتم همان موقع می آمدم یا تلفن می زدم و مطمئن بودم که به آن چه که می خواهم، می توانم با روی باز برسم. این خصایص البته برکات زیادی به جای گذاشته است.

ایکنا: در مورد تأثیرات تربیتی آیت الله مرعشی، خصوصا بر شاگردان و اطرافیان ایشان بگویید.

من اشاره کوچکی به تألیفات ایشان داشتم، اما باید عرض کنم که آثار و برکات

وجودی ایشان منحصر در این کتاب ها، مقالات، نوشته ها و گفتارهای ایشان نیست. ده ها عضو هیئت علمی که هم اینک در دانشگاه هامشغول تدریس هستند، حاصل وجود ایشان هستند. بسیاری از دوستان دانشجوی ما هم اینک مسئولیت اداری دانشگاه های بزرگ کشور را بر عهده دارند. آقای دکتر محمدهادی صادقی ریاست محترم دانشگاه شیراز، آقای دکتر مؤذن زادگان ریاست دانشکده حقوق دانشگاه علامه و حجت الاسلام رهامی که سال ها مسئولیت مجتمع حقوق قم را بر عهده داشت، سال ها محضر ایشان بودند. آثار و برکات ایشان هم چنان استمرار دارد. احاطه ایشان به علوم مختلف فقه، حقوق، ادبیات عرب، ادبیات فارسی و شعر قابل ذکر است که ایشان در واقع به همه این علوم احاطه کامل داشتند نه احاطه نسبی.

سعه صدر فراوانی در شنیدن نظرات

مخالف داشت. در مباحثی که محضر ایشان مطرح می شد، از این که قول مخالفی گفته شود، نه تنها ناراحت نمی شد، بلکه آن را با روی باز می پذیرفت. اما در عین حال این ویژگی را هم بارها در ایشان دیده

سعه صدر فراوانی در شنیدن نظرات مخالف داشت. در مباحثی که محضر ایشان مطرح می شد، از این که قول مخالفی گفته شود، نه تنها ناراحت نمی شد، بلکه آن را با روی باز می پذیرفت. اما در عین حال این ویژگی را هم بارها در ایشان دیده بودم که اگر کسی ضمن بیان اقوال و نظرات مخالف اگر قصد تعریض آن صاحب نظر را می داشت، برآشفته می شد و مخالفت می کرد



بگیرد.

از جهات عبادی و فردی آن قدر می دانم که در زمانی که دچار کسالت و بیماری نشده بودند، سالی بیش از ۵، ۶ ماه روزه می گرفتند. در ماه های مبارک رمضان، بیش از سه یا چهار بار قرآن کریم را ختم می کردند و در این ماه مبارک بیشترین وقتشان را به تلاوت قرآن اختصاص می دادند.

خودش سوء استفاده نکرد. چون رضای خداوند متعال برایش از همه چیز مهم تر بود، به همه مناصب و موقعیت های دنیوی پشت پازده بود و برایش اهمیتی نداشت.

ایکنا: آیا آرای فقهی ایشان به مرحله قانونی هم رسید؟

آرای متعددی از ایشان صادر شده است. مثلاً درباره بحث

قسامه، قانون مجازات اسلامی مادر سال ۱۳۷۰ در باب قسامه بر این مبنا استوار بود که مدعی می تواند شخصاً در صورتی که به تعداد لازم قاسم نداشته باشد، خودش به تنهایی همه قسم ها را بخورد و رأی به نفعش صادر شود، در حالی که ایشان بر اساس مطالعاتی که داشتند به این نتیجه رسیدند که قاسمین باید متعدد باشند و هر کس بیش از یک قسم نمی تواند بخورد. نظرات ایشان موجب اصلاح قانون مجازات اسلامی شد. بر اساس نظرات ایشان قانون مجازات اصلاح شد و فکر می کنم در سال ۱۳۸۳ تصویب شد که مدعی باید به تعداد قاسمین، قسم خورنده بیاورد، و الا نمی تواند از این دلیل برای اثبات قسم استفاده کند.

ایکنا: اگر در پایان مطلبی دارید، بفرمایید.

به هر حال من بسیار متأسفم که آیت الله مرعشی دوست داران علم دانش و دوست داران خودش را تنها گذاشت. بسیار از جهت سنی زود بود که ایشان رحلت کند. جامعه علمی ما به وجود افرادی مثل ایشان بسیار بسیار محتاج و نیازمند است و ای کاش ما بیشتر از این ها می توانستیم از محضر ایشان استفاده کنیم. من به نوبه خودم از شما متشکرم.

متهجد و شب زنده دار بود و در مباحث سیاسی بسیار ولایی بود. وقتی نام حضرت امام (ره) برده می شد، از ایشان با بزرگواری و عظمت یاد می کرد. بدون ملاحظه جایگاه اشخاص، امر به معروف و نهی از منکر می کرد. بارها می شنیدم از ایشان که در مورد رفتارهای سیاسی و عملی علما و همکاران سابق خودشان کتابها و یا حضوری تذکر می داد و از این که ممکن است از او رنجیده خاطر شوند، ابایی نداشت. فکر این ها را نمی کرد که ممکن است تذکرات من آن ها را ناراحت کند. اهل سوء استفاده از موقعیت شغلی

نبود. من در آخرین باری که خدمت ایشان شرفیاب شدم، ده،

دوازده روز قبل از وفاتشان بود. ایشان خودشان زنگ زد که بیامن تورا ببینم. دلم برایت تنگ شده است. بنده به اتفاق خانم خدمت ایشان رسیدیم و یکی دو ساعت محضر ایشان بودیم. صحبت به این جا رسید که یکی از آشنایانشان خدمتشان می رسد و می گوید که محکوم له یک رأیی هستم، از دادگاه حکم تخلیه گرفتند و اگر ممکن است شما به دادگاه زنگ بزنید محکوم به رابه نرخ امروز حساب کنند، نه به نرخ روز صدور رأی.

ایشان می فرمود که به او گفتم آخرت من برای من از محکوم به شما بهتر است. بنابراین هیچ گاه از مقام عملی و قضایی و موقعیت اجتماعی

وقتی نام حضرت امام (ره) برده می شد، از ایشان با بزرگواری و عظمت یاد می کرد. بدون ملاحظه جایگاه اشخاص، امر به معروف و نهی از منکر می کرد. بارها می شنیدم از ایشان که در مورد رفتارهای سیاسی و عملی علما و همکاران سابق خودشان کتابها و یا حضوری تذکر می داد و از این که ممکن است از او رنجیده خاطر شوند، ابایی نداشت.



ششوی
عشری
آیت الله محمد حسن
مشیری

آلبوم خاطرات



آیت الله مرعشی شوشتری و جمعی از طلاب حوزه علمیه شوشتر



آیت الله امامی کاشانی و مرحوم آیت الله مرعشی شوشتری



آیت الله مرعشی شوشتری در ایام میانسالی



آیت الله مرعشی شوشتری و یکی از آشنایان



حجت الاسلام مرحوم مروی و آیت الله مرعشی شوشتری



علامه شیخ محمدتقی شوشتری از اساتید آیت الله مرعشی شوشتری



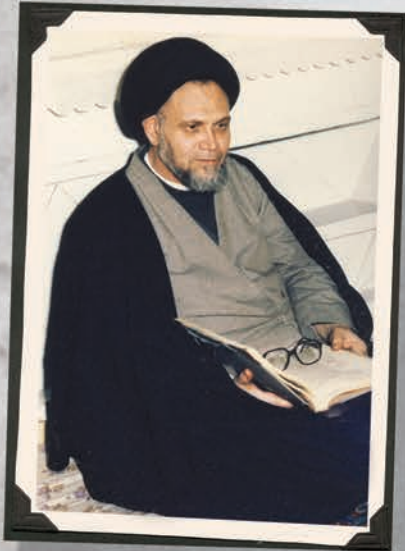
آیت الله مرعشی شوشتری



آیت الله آل طبیب از اساتید مرحوم مرعشی شوشتری



آیت الله مرعشی شوشتری در مناطق عملیاتی دفاع مقدس



آیت الله مرعشی شوشتری



آیت الله سید محمد موسوی بجنوردی و امامی کاشانی



کارت شناسایی مرحوم مرعشی شوشتری



آیت الله سید محمد موسوی جزایری از اساتید مرحوم مرعشی شوشتری



آیت الله مرعشی شوشتری در مناطق عملیاتی دفاع مقدس





وسایل شخصی مرحوم آیت الله مرعشی شوشتری



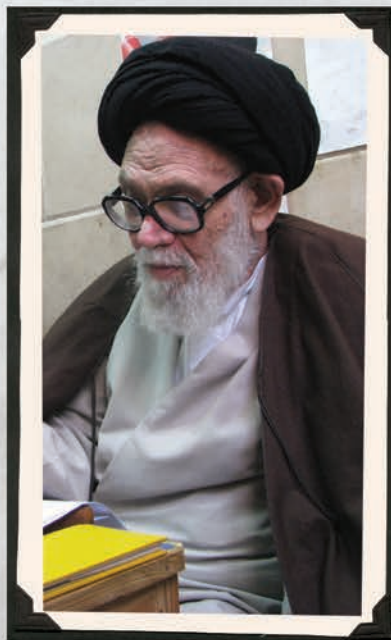
حجره مرحوم مرعشی شوشتری



کتابخانه شخصی مرحوم مرعشی شوشتری



شیستان مدرسه عالی شهید مطهری



حجره مرحوم مرعشی شوشتری





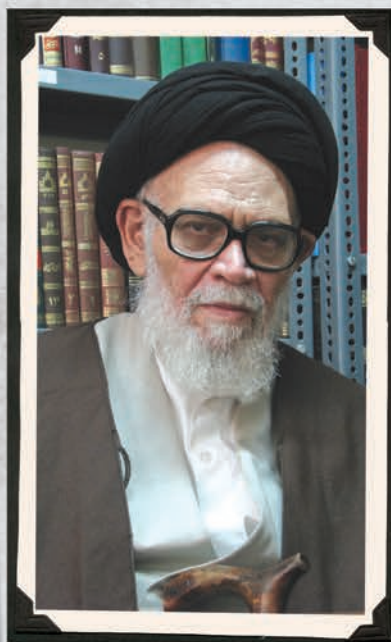
کتابخانه شخصی مرحوم مرعشی شوشتری در منزل



کتابخانه شخصی مرحوم مرعشی شوشتری در منزل



حیاط مدرسه عالی شهید مطهری



حجره مرحوم مرعشی شوشتری

ای که در کوی خرابات مقامی داری
جم وقت خودی اردست به جامی داری
ای که بازلف و رخ یار گذاری شب و روز
فرصت باد که خوش صبحی و شامی داری
ای صبا سوختگان بر سر ره منتظرند
اگر از بار سفر کرده پیامی داری
بومی جان از لب خندان قدح می شنوم
بشنوای خواجه تو گرزانکه مشامی داری
کامی ارمی طلبد از توقریبی چه شود
توئی امروز در این شهر که نامی داری
خال سر سبز تو خوش دانه عیشی است ولی
برکنار چمنش ده که چه دامی داری
تو بهنگام وفا گر چه ثباتیت نبود
می کنم شکر که بر جور دوامی داری
مهربان شد فلک و ترک جفاکاری کرد
توئی ای جان که در این شیوه خرامی داری

حافظ

آیت الله سید محمد حسن عسکری
عسکری